۱ جلد ۲۷۵۶

شیوه های

ساواک

کتاب اول

اعضاء سازمان مجاهدین خلق ایران

(مستقل از جنبش ملی مجاهدین)

۲۷۵۶

قیمت ۵۰ ریال

نشر صمدیه

تهران صندوق پستی ۷۱/۵۴۴

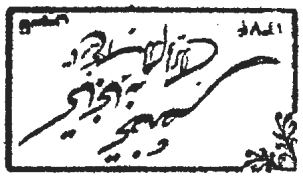

شیوه‌های

ساواک

* شیوه‌های ساواک
* اسفند ماه ۱۳۵۸
* چاپ افست . . . .

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
۱۳۷۴

تقدیم به:

شهید محمود عسگری زاده

عضو کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
مقدمه:	
بخش اول: تحلیل ساواک از انقلاب ایران	
مقدمه	۱
۱ــ نگاهی به‌روند فعالیتهای اخلالگرانه اخیر درایران	۲
۲ــ احزاب، گروهها، دستجات وعوامل‌مختلف مخالف	۳۴
الف ــ کمونیستها	۳۴
ب ــ روحانیون مخالف و افراطیون مذهبی	۴۳
پ ــ احزاب، دستجات، گروهها و عوامل مخالف غیرکمونیست	۴۷
۳ــ علل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بروز ناآرامیها در داخل کشور	۵۳
۴ــ برآورد نسبی اوضاع در رابطه با امنیت‌داخلی‌کشور	۶۰
۵ــ نظریه و پیشنهاد	۶۳
بخش دوم: پاورقیها یا ضد تحلیل	۷۳

بنام خـدای خلق

مقدمـه

موءسسین سازمان پس از سه هزارساعت کارسازمان یافته‌استراتژیک، به‌این نتیجه رسیدندکه برای شروع مبارزهٔ مسلحانه مکتبی ، باید ثبات‌رژیم را برهم زد و مقدمتا" به تور پلیسی ساواک حمله کرد . و در پیرو این خط مشی بود که گروه اطلاعات سازمان مجاهدین به‌مسئولیت شهید محمـود عسگری‌زاده دراواخر سال ۴۸ رسما" تشکیل شد . وحول چندمحورکارعملی خود را شروع کرد :

الف ــ شناسائی افراد ساواک

ب ــ شیوه‌های ساواک و حفاظت

ج ــ اماکن و ماشینهای ساواک

د ــ افراد منفور و سرسپرده رژیم و ارتش

هـ ــ شیوه‌های رژیم و ارتش

و ــ اماکن رژیم و ارتش

ز ــ شناسائی مستشاران و صاحبان صنایع ، و صنایع امریکائـی و انگلیسی و اسرائیلی .

در مورد ساواک ، گروه اطلاعات سازمان موفق شد که هزار و سیصد

نفر ساواکی را شناسائی نموده و مقدار زیادی از رویه‌های آنرا کشف نماید. که متأسفانه پس از ضربه سال ۵۰، بدست شکنجه‌گران ساواک افتاد.

روزیکه این‌مدارک بدست آنها رسید، زلزله‌ای دربین آنها بوقوع پیوست و کریم باصری‌نیا معروف به حاجی اخوان (که معدوم شد) گفت: "هراسمی که در اینجا نوشته شده از یک مسلسل خطرناکتر است." و شهید محمود را با زبان روزه به‌زیرشکنجه برد تاعوامل نفوذی‌سازمان را درساواک کشف‌کند. ولی‌محمود بامهارت خاص خودتوانست ثابت‌کندکه‌این‌شناسائیها بدون نفوذ درساواک و از طریق اعضاء سازمان بوده وموقتا" دست‌ازشکنجه او برداشتند. پس از سال ۵۲ "کار اطلاعات" در تیم‌های سرشاخه انجام می‌شد.

شهید عسگری زاده در زندان‌اوین پیش بینی می‌کردکه او راحتما" اعدام خواهند کرد چرا که عظمت کار خود را می‌دانست و ساواک هم‌نسبت به‌اوحساب فراوانی داشت. وقتی درسلول اوین بود و خبر مسافرت‌نیکسون به‌ایران را دریافت‌کرد، بلافاصله پیش‌بینی کردکه او وچند نفر ازموءسسین سازمان را پیش پای نیکسون قربانی خواهند کرد و اتفاقا" پیش بینی او تحقق یافت.

شهید محمد و سعید و اصغر و رسول و محمود در ۴ خرداد ۵۱ به شهادت رسیدند و نیکسون دهم خرداد ۵۱ به‌ایران آمد.

محمود ما راهت را ادامه می‌دهیم و هرگز فراموش نمی‌کنیم‌که‌وقتی دربیدادگاه رژیم‌ازخلق ایران دفاع‌می‌کردی روی‌سخنت بامادر رنجدیده‌ات بود و نه‌افسران دادگاه و آنجا هم به‌خلق اصالت دادی نه‌رژیم.

ساواک در شب اعدام تو و مجاهدین دیگر در مقابل سلولتان یک چراغ زنبوری قرارداد تا پس از چند ساعت روشنائی، بتدریج خاموش‌گشته و بدین وسیله فلسفه پوچی خود را که جهان محدود و پوچ است، ثابت‌کند ونشان دهدکه زندگی شما روبه‌خاموشی گرائیده است. ولی‌شماها درآخرین

لحظات حیاتتان منطق حق را اثبات کرده و سعادت و ابدیت را باشهادت خود انتخاب کردید.

آری ارتجاع تا دم شهادت هم انسانرا رها نمی‌کند.

کتاب حاضر تحلیلی است که ساواک از جریان انقلاب نموده است زمان تحلیل، مربوط می‌شود به‌بعداز قیام ۱۷شهریور. این تحلیل درمنزل یکی از عناصر ساواکی منفور و سرسپرده رژیم بدست آمده است.

ما برای تداوم‌کار شهید عسگری‌زاده به‌استخراج بعضی ازشیوه‌های ساواک از درون این تحلیل دست‌زدیم که البته بسیار اجمالی و مقدماتی است و باید کتاب مفصلی در مورد شیوه‌های پلیس سیاسی نوشته شود که به آینده موکول می‌کنیم.

ازنیروهای انقلابی می‌خواهیم که شیوه‌های ساواک را برای مردم جمع‌آوری نموده و منتشر کنند تا مردم را قادر سازد از شیوه‌ها به‌انحرافات و یا وابستگی‌ها پی‌ببرند.

هم‌چنین از مسئولین امر می‌خواهیم که اسناد ساواک را برای‌مردم منتشر نمایند. در ضمن به‌خوانندگان پیشنهاد می‌کنیم که از نظرآموزشی اول تحلیل ساواک را خوانده و انحرافات آنرا بطور مستقل کشف نمایند و پس‌از اتمام این کار به‌پاورقی‌ها یا "ضد تحلیل" رجوع کنند.

هم‌چنین تقاضاداریم هرگونه مدارکی‌که ما را دراین راه‌کمک‌می‌کند به‌صندوق پستی ۷۱/۵۴۴ تهران ارسال دارید.

اعضاء سازمان مجاهدین خلق ایران
مستقل از جنبش ملی مجاهدین

بخش اول :

مقدمه :

در ماههای اخیر در اکثر نقاط کشور ناآرامیها و تشنجاتی بوجود آمد که روز بروز پردامنه تر و وسیع تر، امنیت ملی را دستخوش اختلال ساخت.[1] این ناآرامیها هر روز اقشار و گروههای تازه ای را در بر گرفت و ضمن اینکه دائماً بر تجری و جسارت عوامل مخرب و مخالف افزود، متدرجاً سبب شد که میهن پرستان دچار یاس و تردید شوند و بطور تصنعی عوامل دست اندرکار امور اجرائی و تصمیم گیری را در سطح کشور نگران و مردد نمود.[2] دلسردی و تردید مذکور بصورت القائی گسترش یافت و بهر حال میرفت تا شرایطی را بوجود آورد که دستگاه حکومت نه بر اساس واقعیات و وجود نیروی غیر قابل کنترل مخالفین بلکه بعلت نومیدی، دست پاچگی و کم بها دادن به امکانات موجود، خود را در مقابله با حوادث ناتوان احساس کند و هر آینه[4] تصمیم قاطع در امر استقرار فرمانداری نظامی اتخاذ نمیشد،[5] چه بسا که احتمال داشت کنترل امور به مقیاس زیادی از دست خارج شود.

استمرار فعالیتهای اخلالگرانه و جسارتی که اخلالگران حد اقل در امر شعارهائی که میدادند و مقابله ای که با مامورین انتظامی بعمل میآوردند،[6] تا حدودی اثراتی در کادرهای انتظامی گذاشته و از سوی دیگر تلاشهای پراکنده، غیر ضروری و شتابزده ای توسط افراد مسئول و حتی غیر مسئول برای باصطلاح اعاده آرامش انجام میگردید که این مسائل نیز خود بخود به تشدید وخامت اوضاع کمک میکرد.

با استقرار حکومت نظامی، موقتاً مسائل فوق از شدت وحدت افتاده، معهذا مسائل اساسی که اکان بر جای خود هست و لذا بررسی همه جانبه ای پیرامون مسائل جاری مملکت

بویژه / ...

بویژه از دیدگاه امنیتی ضروری است.[۸]

آنچه که مقدمتاً در این میان واجد اهمیت و فوریت میباشد ، آنست که بررسی شود ، رویدادهای اخلالگرانه ، چطور و از کجا ناشی شده ، چه عواملی در ایجاد و توسعه آن مداخله داشته و دارند ، سهم هریک از این عوامل چیست ، ابتکار عمل در دست کدام نیرو میباشد ، روند فعالیتها و مراحل آن چگونه بوده و مقاطع و نقاط عطف در این میان کدام و کجا بوده و بالاخره تدابیری که تاکنون بکار برده شده تا چه حد کارآمد بوده و چه رویه ای اثرات مثبت و کدام اقدام تاثیرات منفی در برداشته و سرانجام در مقابل واقعیتی که هم اکنون پیش روی مسئولین مملکتی برای حل مشکلات وجود دارد ، چه راه حلهای عملی میتوان یافت؟[۹]

بدین سبب بدواً ضرورت دارد که در زمینه های اشاره شده در بالا که در واقع ابهامات مسئله میباشد ، مروری بررسی مختصری صورت گیرد ، تا با شناخت نسبی که بدست می آید ، بتوان در مورد گزینش راه حل به چاره اندیشی پرداخت.

نگاهی به روند فعالیتهای اخلالگرانه اخیر در ایران :

بی مناسبت نیست مقدمتاً یادآور گردد که کمونیستهای توده ای پس از شکست در ۲۸ — امرداد سال ۳۲ و متعاقباً در سال ۳۶ ، بدستور حزب کمونیست شوروی ، به بررسی پیرامون علل و موجبات شکست حزب منحله توده در ایران پرداختند و در گرد هم آئی سال ۳۸ که به " پلنوم وسیع " مشهور شد ، اینطور نتیجه گیری کردند که انگیزه اساسی شکست آنها در ایران در عامل عمده بوده است.

عامل عمده اول تعلق خاطر ایرانیان به عنصر " شاه " در نظام شاهنشاهی و عامل عمده دیگر پای بند بهای شدید ملت ایران به مذهب است و گردانندگان حزب در زمان

فعالیت/ . . .

فعالیت چه در دوران طفلی وچه در ادوار فعالیتهای زیرزمینی ، باین دو عامل کم بها داده و آنطورکه لازم بوده ، بدان نپرداخته اند .

برمبنای این نتیجه گیری بود که به گروههای کمونیست دستور داده شد در ایران در پی راههائی باشند که اولا" بتدریج دلبستگی طبقاتی را نسبت به شاه از میان ببرند و ثانیا" با در نظرگرفتن نقش مذهب در جامعه ایران ، استراتژی پیروزی کمونیسم را در میان ملت ایران مورد پیگیری قرار دهند .

بی هیچ مجامله ای باید گفت که کمونیستها طی نزدیک به بیست سال گذشته ، با کوششهای پیگیر در این زمینه ، به مقیاس زیادی در اجرای نقطه نظرهای مذکور توفیق بدست آورده اند .[۱۰]

فعالیتهای ضد حکومتی در ایران ، بویژه از بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ ، همواره بر این محور متمرکز بوده که کوششهای آنها سرانجام منجر به براندازی رژیم شاهنشاهی بشود . در مراحل مختلف شیوه ها و تاکتیکهای گوناگونی برای نیل به هدف مذکور بکار برده شده و در هریک از مراحل مذکور ، گاه پیروزی در شعار رژیم و موجودیت طبقاتی ایران چنان نزدیک مینموده ، که تمامی روزنه های امید برای میهن پرستان سد و د بنظر میرسیده ، اما در نهایت ، گردش احوال جز آن بوده است .[۱۱]

آخرین تاکتیک و روش در این زمینه ، بخدمت گرفتن عامل " تروریسم " بوده که از سال ۱۳۴۶ به بعد در ایران و خارج از ایران به اشکال مختلف ، چه بصورت " تروریسم مسلحانه همراه با خرابکاری " وچه بصورت " تروریسم تبلیغاتی " از جهت تبلیغات وسیع ضد ایرانی در خارج از ایران و تبلیغات ضد حکومتی در داخل که پی آمد ملموس و محسوس آن بی اعتقادی و بی تفاوتی نسبت به حکومت و کلیه نهادها و بنیادهای

وابسته / . . .

وابسته بآن بوده ، جلوه های آشکار خود را در جنبه های مختلف اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و حتی فرهنگی نشان داده است.

تروریسم مسلحانه هنگامی در ایران آغاز شد و گروههای مسلح تروریست باد ست زدن به یک سلسله فعالیتهای مخرب و تروریستی ، اعلام موجودیت کردند ، که اولین اثرات انقلاب شاه وملت در شرف مشاهده و بازدهی بود و در مقبال آن تبلیغات گسترده ای در خارج از ایران علیه رژیم ایران جریان داشت. در واقع در آن زمان دو عامل " تروریسم تبلیغاتی " در خارج و " تروریسم مسلحانه " در داخل کشور بطور موازی و تکمیل کننده یکدیگر حرکت بودند و هر اقدام کوچک تروریستی در داخل کشور ، بصورت یک اقدام بزرگ و قهرمان ساز در خارج منعکس میشد و مبارزات ضد تروریستی دولت شاهنشاهی ، سبب شد که عوامل مخالف ، بهانه تبلیغاتی جدیدی تحت عنوان " کثرت زندانیان سیاسی در ایران " و " اعمال فشار جسمی و روحی بر شکنجه روی زندانیان " بدست آورند . در واقع عنوان و مستمسک تبلیغاتی تحت عناوین بالا ، سایر زمینه های تبلیغاتی ضد ایرانی را تحت الشعاع قرار داد . وسعت این تبلیغات ظرف سه سال اخیر به مقیاس وسیعی سبب بدبینی محافل ناآگاه جهانی به حقایق اوضاع ایران گردید . یکی از اقداماتی که بطور مستقیم و موثر میتوانست در خنثی کردن تبلیغات مضره و نادرست مذکور که اخیرا" بدل بیک جنگ روانی شده بر علیه ایران شده بود ، کارآمد باشد ، ارائه واقعیات ، لااقل در رابطه با وضعیت زندانیان ضد امنیتی ایران می بود . بهمین انگیزه بود که به نمایندگان صلیب سرخ جهانی اجازه داده شد از زندانهای ایران بازدید و مستقیما" با زندانیان ضد امنیتی مذاکره نمایند . این اقدام اگرچه در فروکش نمودن تبلیغات ضد ایرانی در این مورد

خاص/ . . .

خاص اثرات عمیقی داشت، اما ازجهت دیگرسبب تجری مخالفین وجسارت بیشتر آنان درطرح خواستهای بزرگترگردید. بعلاوه این تصوراز آنان بوجود آورد که دولت ایران تحت تاثیرفشارهای شدید خارجی ناگزیربه عقب نشینی وتسلیم در اینمورد شده وآنگاه بود که موضوعات دیگری رابعنوان مواد اولیه تبلیغاتی مورد توجه قرار دادند وسوژه این بار "عدم وجود آزادی" درایران بود.

ازطرف دیگر، کوشش درجهت کشف ودست یابی به هسته هاوگروههای تروریست مسلح ادامه داشت وسرانجام درتابستان سال ۱۳۵۵ تقریبا" افراد کادرهای رهبری گروههای تروریست دستگیروباد رپرخورد های مسلحانه معدوم گردیدند و نتیجه آن شد که گروههای مذکوردراخل کشوربحال پراکنده وتاحدودی مضمحل شده درآمدند. بقایای این گروهها که ازابتدای امربابرخی محافل خارجی وبویژه باسازمانهای تروریست فلسطینی مرتبط بودند، بخارج ازکشورگریختند ودرپاریس، بیروت، عدن، پایگاههائی ایجاد وضمنا" باگروه تروریست آلمانی (باد رماینهوف) درارتباط قرارگرفته وباد ولت لیبی تماس برقرارنموده وازحمایت این دولت برخوردار شدند.

دراینجاذکرد ونکته ضرورت دارد:

نکته اول اینکه تااین زمان، یعنی تااواخرسال ۲۵۳۵ شاهنشاهی، غیرازآنکه اکثر سازمانهاوگروههای مخالف رژیم ایران درخارج ازکشور، تبلیغات وهمدردیهائی باتروریستها نشان میدادند، درداخل کشور، نیروهاوستجات مخالف ازحمایت علنی وآشکارازتروریستها، احترازداشتند. علاوه برآن اصولا" فعالیت مخالف متشکلی درایران علیه رژیم وحتی دولت بچشم نمیخورد وفقط علی اصغرخاج سید جوادی

نامه/...

نامه سرگشاده ای به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر نوشته وطی آن بوجود نارسائیها د رامور کشور اعتراض وانتقاد کرده بود .

نکته دوم این است که روح اله خمینی د رفتوائیه ای که بین سالهای ۴۹ و ۵۰ منتشر شد ، به پیروان مذهبی خود یاد آور شده بود که وجوه شرعی خود را د راختیار گروه تروریست مجاهدین خلق ایران قرار دهند واین فتوائیه سبب تقویت بنیه مالی گروه گردیده وامکانات قابل توجهی راد راختیار آنها قرار داده وعلاوه برآن حمایت خمینی ازگروه تروریست مذکور ، مشوق روی آوری بسیاری ازجوانان متعصب مذهبی باین گروه وحمایت محافل مذهبی ازاعضاء آن گردیده بود .

این گروه وگروههای تروریست دیگر ، برای نیل به اهداف خود ، بریک تاکتیک اساسی تکیه فراوان داشتند وآن عبارت بود ازاینکه به نیروهای مخالف وبه افرادی که بهر کیفیت ، طیه رژیم فعالیت دارند ، تفهیم نمایند که ازمقابله باپلیس ونیروهای مسلح نهراسند ودرقلمرومبارزات خود ، شدیداً "وبدون هراس با مامورین ونیروهای مسلح مقاومت ومقابله کنند . اماآنها د رطول هشت سال فعالیت ، باوجود آنکه تعدادی کشته صرفاً "د رروابط باهدف" ریختن ترس ازپلیس" دادند ، معهذا تاسال ۱۳۵۵ توفیقی د رپیشبرد این مقصود حاصل نکردند .

د رژانویه ۱۹۷۷ (زمستان سال ۵۵) جیمی کارتر عضوحزب د موکرات امریکا بعنوان ریاست جمهوری این کشور بقدرت رسید . ازهمین زمان نیروهای مخالف حکومت ، بویژه عوامل جبهه باصطلاح ملی که باجناحی ازد موکراتهای امریکائی د رارتباط بوده اند ، همانگونه که د رسال ۱۳۳۹ کندی روی کارآمد ، تصورکردند که جوّ مساعدی ازجهت ابرازموجودیت برای آنها فراهم آمده است .

(جناحی / ۰۰۰

(جناحی از دموکراتهای امریکائی همواره عقیده داشته‌اند که رژیمهای سلطنتی در جهان در مقابل کمونیزم دارای آسیب پذیری بیشتری هستند ولذا برای جلوگیری از تسلط کمونیستها بر جوامعی با رژیمهای سلطنتی ، باید نیروی جایگزین شونده غیر کمونیست ، حداقل برای حفظ منافع امریکا روی کار بیاید . در مورد ایران ، آنها جبهه ملی را چنین نیروی میدانند واز زمان حکومت مصدق ، همواره بر این فکر تاکید وتکیه داشته‌اند ولذا بروز فکر پیدایش جو مناسب ، در حال بقدرت رسیدن کاندیدای حزب دموکرات امریکا ، از ناحیه عوامل جبهه مذکور که ضمناً تعدادی از اعضاء آن در امریکا با دموکراتها در رابطه میباشند ، بی مناسبت نبوده است) .

در چنین حالتی بود که اولین نشانه های تحرک در بقایای جبهه باصطلاح ملی در واپسین روزهای سال ۱۳۵۵ دیده شد . آنها گرد همائیهائی تشکیل داده ونخست کوشش داشتند که تمامی نیروهای سابق را گرد آورند ومتشکل سازند ، اما بجهت اینکه گردانندگان جبهه مزبور عموماً "جاه طلب وخود خواه وانعطاف ناپذیر بودند ، توفیقی در ایجاد وحدت بدست نیاوردند وسرانجام پس از مدتها بحث وگفتگو وارزیابی اوضاع واحوال ، درد وجناح مشخص وجدا از هم وارد عرصه فعالیت شدند .

یک جناح به رهبری مهدی بازرگان وهواداران آنس وجناح دیگر متشکل از هواداران داریوش فروهر ، کریم سنجابی وشاپور بختیار بود . جناح اخیر با احتیاط وشکل بسیار محافظه کارانه ای در خرداد سال ۱۳۵۶ ، اعلامیه ای تحت عنوان " نامه سرگشاده به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی " منتشر نمود وبدون ذکر نام جبهه ملی و با امضاء سه نفر فوق ، به نارسائیهای مملکتی اشاره وانتقادات ملایمی بعمل آورد .

این اقدام ، پس از نامه سرگشاده طی اصغر حاج سید جوادی ، دومین مرحله شروع فعالیت/ . . .

فعالیت گروههای مخالف بود .

در این هنگام ، عوامل جبهه ملی نگران آن بودند که دستگاه حکومت نسبت به اعلامیه آنها عکس العمل نشان بدهد ، اما در عمل عکس العملی ندیدند .

ازسوی دیگر طی اصفر حاج سید جوادی نیز که در قبال نامه سرگشاده قبلی خود ، عکس العمل خاصی ندیده بود ، اعلامیه مفصل دیگری منتشر کرد و با استعدادی از شعرای دوگرا و نویسندگان افراطی و سابقه دار کمونیست و بطور کلی مخالفین حکومت ، رابطه برقرار ساخت و متعاقبا" مسئله تثبیت و تشکیل کانون نویسندگان ایران را که ازسال ۳۴ اجازه تشکیل آن داده نشده بود ، عنوان نمود .

این افراد با جمع شدن به دور یکدیگر ، شروع به اذن اعلامیه و نامه سرگشاده نمودند و بموازات آن به تشکیل اجتماعاتی تحت عنوان " شب شعر " پرداختند . اولین اجتماع آنها در دانشگاه تهران بود و متعاقبا" بمدت ده شب در انجمن فرهنگی ایران و آلمان ، جلساتی تشکیل دادند که در آن اجتماعاتی تا ده هزار نفر تشکیل گردید . در این جلسات بود که برای اولین بار بطور علنی و صریح علیه مقامات عالیه مملکت و نمودن آزادی و نقض قانون اساسی و امثال آن ، سخن گفته شد و شرکت کنندگان که عموما" دانشجویان دانشگاهها و موسسات عالی آموزشی بودند ، بشدت تحریک شدند و در محلهای تحصیل خود در روزهای بعد ، به تظاهرات و اخلالگری پرداختند و متعاقبا" دامنه افتشاشات دانشجوئی در تهران ، به دانشگاههای سرتاسر کشور سرایت کرد و سبب بروز حوادث نامطلوبی گردید و اکثر کلاسها و دانشکده ها به تعطیل کشیده شد و بالاخره تشکیل شب شعر در دانشگاه صنعتی آریامهر بود که وقایع بعدی آن سبب تعطیل دانشگاه مذکور و تشکل استادان این دانشگاه علیه دولت گردید که هنوز هم ادامه دارد و آنها

میروند / . . .

میروند تا خود سرانه این دانشگاه را در وضعی بکلی خارج از معیارهای قانونی مملکتی قرار دهند والبته از جانب محافل مخالف دولت هم بشدت حمایت میگردند .

این مرحله سوم فعالیتهای ضد حکومتی بود که جلوه‌های آن بدواً در محافل دانشجوئی ومراکز دانشگاهی آشکار شد ومتعاقباً از اینطریق موضوع امکان فعالیتهای طنی مخالف دولت باطلاع عامه رسید ودوانمود گردید که دولت در قبال مخالفین دست به مماشات زده است والبته قرینه‌های دیگری هم در این مورد ارائه میگردید از جمله بازدیدهای مکرر نمایندگان صلیب سرخ از زندانهای ایران ، محدود بودن فعالیتهای سازمانهای امنیتی وانتظامی در دستگیری عوامل مخرب وعدم مشاهده بازتاب موثر در مقابل گروههای مخالف .

نکته قابل اشاره در اینجا آنست که رهبری مملکت بهرحال بعد از اجرای اصول انقلاب شاه وملت ، مشاهده کرد که از نظر اقتصادی زمینه‌های زیربنائی تا حدود زیادی مستحکم شده ومسیر حرکت منطقی خود را یافته ، اما از جهات معنوی وسیاسی وسیر طبیعی وسالم این حرکت ، نیاز به جامعه آزاد با انسانهائی آزاده ، متفکر ، کارآمد وپرورش یافته است واین مقصود حاصل نمیشود ، جز با ایجاد وتوسعه فضای آزاد سیاسی واجتماعی که طی آن مردم بتوانند با تعاطی فکر وعقیده ، اصل حاکمیت برخود را اعمال نمایند وبا درک حقوق طبیعی ، انسانی ، ملی واجتماعی خود ، افرادی صاحب عزم واراده برای اداره میهن باشند . این بود که زمینه های لازم برای گسترش آزادیهای سیاسی واجتماعی فراهم آمد . اما همزمانی این واقعه تاریخی ونیز ترغیب نمایندگان صلیب سرخ جهانی به ایران وبازدید / . . .

وبازدید اززندانها وزندانیان ضد امنیتی ایران ، باروی کارآمدن جیمی کارتر در امریکا ، موجب شد که عوامل مترصد وفتنه گر این فکر را در جامعه ایران القاء کنند که رژیم ایران تحت فشار سیاستهای خارجی ، ناچار به تفویض برخی از آزادیهای صوری شده وتبلیغات درباره آزادیهای سیاسی واجتماعی ، جنبه فریب مردم را دارد واز اصالت برخوردار نیست.[۱۹] مبلغین این طرز تفکر ، خود نیز متاثر از تبلیغاتی که خود میکردند ونه توجه به واقعیات ، به مقیاس زیادی به موضوع غیراصیل بودن آزادیها ، اعتقاد یافتند وبجهت آنکه ارزیابی کنند موضوع تا چه حد صحت واصالت دارد ، دست به تحریکات واقدامات زدند .

توسعه شایعات مربوط به فشار محافل خارجی وبین المللی به دولت ایران ، برای کم کردن از قاطعیت در مبارزه علیه عوامل ضد ملی ومشاهده عینی گروههای مخالف در مورد عدم دستگیری عناصر منحرف ومحرک ضد ملی ، سبب گردید که متدرجاً نیروهای بالقوه مخالف رژیم کشور ، وارد میدان فعالیت ومبارزه شوند . گروههائی که فعالیت را آغاز کرده بودند ، در بادی امر باین امید که دولت امریکا با دولت ایران مخالف است وآنها را در قبال دولت ایران مورد حمایت قرار خواهد داد . وارد عرصه شدند ، اما بعداً اگرچه در عمل دیدند که حکومت جدید امریکا ضمن اینکه روابط صمیمانه خود را با دولت ایران ادامه داد ، حتی آنرا بهبود بخشیده است ، معهذا هنگامیکه عملاً مشاهده کردند اقدام جدی در مقابل تحریکات وفعالیتهای آنها ، صورت نمیگیرد ودولت روش بسیار تعدیل شده ای را در قبال اخلالگران اتخاذ کرده ، لذا به تلاشهای ضد ملی خود توسعه بیشتری بخشیدند .

در این هنگام در عمل دو جناح مشخص وارد عرصه فعالیت شده بودند (تابستان سال

۵۶) . یکی کانون غیررسمی نویسندگان که متشکل از نویسندگان و باصطلاح روشنفکران چپ و کمونیست بود و دیگری جبهه باصطلاح ملی که از حزب ایران، حزب طبقه ایران، جامعه سوسیالیستهای نهضت باصطلاح ملی و تعدادی از رهبران منفرد جبهه ملی متشکل شده و تحت رهبری کریم سنجابی، شاپور بختیار و داریوش فروهر قرار داشتند.

جناح اول فعالیت در میان دانشجویان و به تشنج کشیدن محیطهای عالی آموزشی را وجهه همت قرار داده و بعد از موفقیت تقریبی در این زمینه، تا حدودی از تحریک دست کشیده و به کار سازماندهی تشکیلات خود پرداخته بود و جناح دوم مقدمات برگزاری اجتماعات سیاسی را در ایام مذهبی فراهم مینمود.

این اجتماعات در روز عید فطر، عید قربان و میلاد حضرت حسین (ع) برگزار شد و طی آن، معلاتی به رژیم شد و انقلاب شاه و ملت مورد تخطئه شدید قرار گرفت.

وضع باین ترتیب پیش میرفت، اما گسترش فعالیتها به کندی صورت میگرفت و بعلاوه صرفنظر از همنوائیهائی که از سوی قشرهای دانشجوئی با مخالفین شده بود، دیگر گروههای اجتماعی استقبال قابل اعتنائی از تحریکات مخالفین نکرده بودند.

در نیمه سال ۱۳۵۶ شمسی، حادثه غیرمنتظره‌ای رخ داد که این حادثه دوباره بازار رسال از رونق افتادن مخالفین را گرمی بخشید. حادثه مزبور، مرگ مصطفی خمینی پسر روح الله خمینی در عراق و بعلت سکته قلبی بود. حادثه مذکور سبب شد که عناصر جبهه باصطلاح ملی (با بتکار داریوش فروهر)، که در ماههای اخیر با زاریان، لرفسنجانی و خمینی در تهران و چند تن از روحانیون هوادار او در قم، تماس گرفته بودند، شروع به برگزاری مجالس ترحیم و یاد بود برای مصطفی خمینی کنند و طی آن

تبلیغات/ . . .

تبلیغات دامنه داری هم انجام دادند . نحوه عمل آنها در این زمینه بصورتی بود که نزدیک به دو ماه در اکثر نقاط ایران ، مجالس متعددی با این مناسبت برگزار شد و بسیاری از افراد و بویژه روحانیون میانه رو حتی مخالف خمینی از ترس و بعلت رودربایستی ، ناچار به برگزاری مجالس یاد بود شدند .[۲۱] نتیجه این شد که طی این مدت خمینی در سراسر ایران مطرح شد و چون دولت هم عکس العملی نشان نداد ، بر تجری مخالفین افزوده شد و بتدریج جبهه ملی خود را در قالب هواداران مذهبی و متکی به رهبران مذهبی جازد و خمینی را بصورت پیرمردی مظلوم ، فریب ، دافعیده و طرد شده از وطن جلوه گر ساخت . این وضعیت میتواند شکل مرحله چهارم فعالیتهای اخلالگرانه و تاکتیک مخالفین در جلب توجه توده های مردم و آماده ساختن جامعه برای مخالفت با رژیم را مشخص سازد .

حادثه دیگری که ذکر آن در این مرحله بی مناسبت نیست ، تحریم بانک صادرات ایران از طرف شیخ یحیی نصیری نوری ، معروف به علامه نوری میباشد . مشارالیه در سال ۵۶ فتوائیه ای نوشت و طی آن اعلام کرد که چون سهام فراوانی از بانک صادرات متعلق به هژبریزدانی سرمایه دار معروف و پیرو مسلک بهائی میباشد ، حرام است . این اقدام موجب گردید که مقدمتاً" بسیاری از متعصبین مذهبی پولهای خود را از این بانک خارج کنند و بعداً" قشریون در گوشه و کنار به شکستن شیشه های شعب بانک مذکور دست زدند .[۲۲]

مقارن با این وقایع و دقیقاً" در حالتیکه صرفت در جامعه گرایشات مذهبی رنگ تندتری بیابد و توجه به سخن و نظر مراجع مذهبی فزونی یافته بود و از طرف دیگر بعد از قتل مرگ پسر خمینی و مطرح بودن او نزد یک به دو ماه در سراسر کشور و توجهات گروههای

زیادی / . . .

زیادی از مردم باو، اقدام دیگری صورت گرفت که کاملا" غیرمنتظره وشاید نابهنگام بود وآن مقاله‌ای بود که در تاریخ ۱۷/۱۰/۵۶ تحت عنوان " استعمار سرخ وارتجاع سیاه " در روزنامه اطلاعات بچاپ رسید وطی آن تا حدودی ماهیت خمینی مورد شرح واقع وتلویحا" منتسب به بیگانه خوانده شده بود .

انتشار این مقاله در آن زمان علاوه براینکه اقدام تبلیغاتی تجریدی وبدون مستندات روشن می‌بود ، اصولا" ازنظر اکثریت مردم که نسبت به داغدیدگی وباصطلاح مظلومیت وغربت خمینی ، درگیر عواطف واحساسات تند بودند ، اقدام تحریک کننده‌ای میتوانست باشد .[۲۳] مضافا" باینکه درهمان تاریخ ، ضمن تشکیل کنگره فوق العاده حزب رستاخیز ملت ایران ، سمت دبیرکلی حزب بار دیگر به نخست وزیر تفویض ودر افکار وانمود میشد که حزب نتوانسته توفیقی در بسیج مردم بدست آورد . اعتراضات بصورت زمزمه هائی علیه دولت آغاز شده وگروههائی از مردم ذهنا" آمادگی کشیده شدن به مجرای آشوب واخلال را داشتند .[۲۴]

انتشار مقاله درهمان روز ۱۷ دی ، وروز بعد از آن بازتاب مهمی در پی نداشت . باوجودیکه روزنامه در قم منتشر شده بود ، معهذا روحانیت طراز اول قم به قضیه توجه نشان نداد وبنظر میرسید که درج این مقاله اثرات چندانی نداشته است . گردانندگان جبهه باصطلاح طی که با جناح افراطی روحانیون وهواداران خمینی در تماس بودند ، با مشاهده این بی تفاوتی مراجع مقیم قم ، برآن شدند که با استفاده از فرصت طلائی بدست آمده ، عملا" مذهب را در برابر دولت قرار دهند . آنها در اجرای این نظر بقم رفتند وآیت اله سید صادق روحانی را که ازقبل با او ائتلاف داشتند /...

د لشتند وازطرفد اران خمینی ومخالف رژیم ایران است ، واد ارکرد ند که نسبت بـــه
مقاله عکس العمل نشان بد هد . اواعلامیه ای تهیه کرد وبه آیات ثلاثه پیغـــــام
فرستاد که برای نشان د اد ن عکس العمل باین اقد ام یعنی " اهانت به روحانیت "
اقد ام کنند وازجمله د رس ونمازرا بعنوان اعتراض تعطیل نمایند . آیات ثلاثه ابتـد ا
باین پیغام توجهی نکرد ند وحتی آیت اله شریعتمد اری گفته بود ، کارسیاست کرد ن
این نتایج راهم د ارد واگرراجع به خمینی حرفی زد ه شد ه ، ارتباطی باما نـــد ارد .
این پاسخ سبب تحریک روحانی وسا یرمد رسین وطلاب طرفد ارخمینی که بتد ریج جمع
شد ه وبه حد ود ۵۰۰ نفررسید ه بود ند ، شد وگروهی ازآنها به مجلس د رس آیت اله
شریعتمد اری رفته وباتوهین به مشارالیه ، عملا" اورا ازاد امه تد ریس بازد اشتند واین
عمل آنان سبب شد که آیت اله شریعتمد اری د رس را تعطیل واعلامیه ای باامضـــا ۰
آیات گلپایگانی ونجفی صاد رو به د رج مقاله اعتراض کند . قم تعطیل شد ود ستجـات
طلاب وقشریون مذ هبی د رحالیکه د رپس پرد ه توسط گرد انند گان جبهه ملی رهبری
میشد ند ، به تظاهرات پرد اختند ود رخیابانهای قم به کارهای اخلالگرانه وتخریبی
د ست زد ند . ازجمله کارهای آنها شکستن شیشه های شعب بانک صاد رات بـود .
د رباد ی امرماموربن انتظامی سعی د رپراکند ه کرد ن اجتماع کنند گان نمود ند وهنگامی
که گروه زیاد ی ازآنها به کلانتری یک شهرقم حمله کرد ند وقصد گرفتن سلاح پاسبا نان
راد اشتند ، بسوی آنها آتش گشود ند ود راین ماجراعد ه معد ود ی کشته شد نـــد .
مرگ این عد ه ، سبب وسعت افتشاشات د رقم شد وآیات ثلاثه راعملا" ناگزیرکـــرد
تاد رمقابل د ولت بایستند . باین مناسبت اعلام تعطیل عمومی وبرگزاری مجلس ترحیم
کرد ند ود رمجالس ترحیم شعارهای ضد د ولتی د اد ه شد واخلالگری وسعت گرفـت .

آیات/ . . .

آیات عظیم قم، مجازات مسببین تیراندازی وتنبیه رئیس شهربانی قم را خواستار شدند وچون در رحل گناهی متوجه رئیس شهربانی وعوامل او نبود، باین تقاضا ترتیب اثر داده نشد. نتیجه آن بود که روحانیون از راه دیگر وارد شدند وآن تحریک مردم بضد بیت پادولت بود.[۲۵]

انتشار مقاله "استعمار سرخ وارتجاع سیاه" در روزنامه اطلاعات وحوادث منجر به خونریزی در شهر قم مرحله پنجم بروز تشنجات در داخل کشور است. مرحله ششم این حوادث که در واقع نقش تعیین کننده حوادث بعدی را داشته ودر این مرحله خمینی باصدور اعلامیه های تند، مخالفت صریح با رژیم را عنوان کرده وتماسی فعالیتهای گروههای ضد رژیم، زیرپوشش شعارهای مذهبی وتبعیت ظاهری از مراجع تقلید قرار گرفته، بروز افتشاش در ۲۹ بهمن ۵۶ در شهر تبریز است. مروری عمیق تر درباره حوادث بهمن ماه تبریز، روشنگر بسیاری از واقعیات در رابطه با تشنجات وناآرامیهای کشور میتواند باشد.

حوادث اخلالگرانه ای که از صبح روز ۲۹ بهمن ماه ۵۶ تا بعد از ظهر آن روز وحتی صبح روز ۳۰ بهمن ماه در تبریز بوقوع پیوست، در ایران در نوع خود بی نظیر بود وبالا اقل از بعد از افتشاش ۱۵ خرداد سال ۴۲ تهران، تا آن تاریخ سابقه نداشت.

حوادث مذکور به انگیزه برگزاری مراسم یاد بود چهلمین روز کشته شدگان وقایع دیماه قم، بوجود آمد. در این جریان عواملی که شرایط زمانی واجتماعی را مناسب اجرای نظریات خود یافته بودند، از انگیزه های خاصی سود جستند. در آذربایجان، آیت اله شریعتمداری از محبوبیت ونفوذ زیادی برخوردار است. مردم تبریز و شهرهای دیگر وروستاهای آذربایجان، از آیت اله شریعتمداری پیروی میکنند و

دستورات/ . . .

دستورات اورالازم الاجراء میشمارند . بنابراین ، تحت عنوان اینکه آیت الله شریعتمداری تعطیل عمومی اعلام کرده ، براحتی میسربود ، مردم این منطقه تحریک شوند .

درآن زمان درقم ، تهران ومشهد ، آمادگی قوای انتظامی بصورتی بود که برپائی تظاهرات میسرنبود وتبریزهم شرایطی داشت که میشد بطورغافلگیرانه درآنجا دست به اقدام اساسی زد . دانشجویان دانشگاه تبریزآمادگی نسبی برای فعالیت داشتند . هنگامی که طبق دستورآیت اله شریعتمداری تعطیل عمومی اعلام میشد ، واقعاً" تمامی مردم درگروههای مختلف اجتماعی ، این دستوررا اجابت میکردند و درنهایت ، جمعیت آماده برای برپائی تظاهرات وحرکت پردامنه ، دردسترس بود که تحریکات بشود وجمعیت بسمت هدفهای خاص هدایت گردد .

براساس این شرایط واحیاناً" شرایط مناسب دیگری بود که بلافاصله چند روزبعد ازحوادث دیماه شهرقم ، طلاب ووعاظ متعددی که بسیاری ازآنها ازهواداران خمینی بودند ودستورات خود راازآیت اله روحانی دریافت کرده بودند ، زیرعنوان فرستادگان آیت اله شریعتمداری ، به نقاط مختلف آذربایجان شرقی اعزام ودر مجالس روضه خوانی ومذهبی متعدد ، اعلام نمودند که بدستورآیت الله شریعتمداری روز ۲۹ / ۱۱ / ۵۶ تعطیل وعزای طی برپا خواهد شد تامراسم چهلم کشته شدگان قم هرچه باشکوه تربرگزارگردد . مدتی نزد یک به یکماه این تحریکات وتبلیغات که بصورت سخنرانیهای وعاظ وچه بصورت توزیع اعلامیه های متعدد روحانیون وهمچنین گروههای مذهبی ناشناخته ، درآذربایجان جریان داشت و زمینه ازجهت ذهنی برای تعطیل عمومی وبرپائی تظاهرات وسیع آماده میگردید .

درروز ۲۹ بهمن ماه ، متعاقب اعلامیه ای که ازطرف روحانیون تبریزبرای تشکیل

مجلس / . . .

مجلس ترحیم وباد بود د ریکی ازمساجد واقع د ربازاراین شهرصاد رشد ،گروههای زیاد ی ازنقاط مختلف حومه ومحلات شهربصورت د ستجات ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفری بطرف بازارتبریزحرکت کرد ند .

اجتماع کنند گان اکثرا" فقط برای اطاعت د ستورآیت اله شریعتمد اری کارخود را تعطیل کرد ه بود ند وصرفا" برای شرکت د رمجلس باد بود بحرکت د رآمد ه بود ند . البته د رمیان آنها عوامل محرک وجود د اشتند ود رجستجوی بهانه بود ند . این بهانه وقتی بد ست آمد که سرایند ارمسجد د رب آنجارا بسته ورفته بود وما مورین پلیس ازمرد م میخواستند که متفرق شوند . افراد ی ازمیان جمعیت بما مورین پرخاش کرد ند وجواب متقابل شنید ند وبعد حمله کرد ند ومتقابلا" پلیس شلیک کرد وبهانه مناسب ولازم برای تحریک فراهم آمد . جمعیت ازد رون بازاربه خیابان آمد وحمله به پلیس شروع شد . باآتش زد ن موتورسیکلت وکیوسک پلیس، قد مهای اولیه خرابکاری برد اشته شد .

شرح جزئیات واقعه تبریزموجب اطاله مطلب میشود ود رج آن ضرورتی ند ارد ، اما خلاصه آن بود که پس ازحرکت جمعیت د رخیابانها ، ابتد احمله به پلیس شروع شد وما مورین انتظامی عقب نشستند ود رکلانتریها ، موضع گرفتند . آشوبگران به آتش زد ن بانکها ، سینماها ، مشروب فروشیها پرد اختند . چون مقاومتی ند ید ند ، به سازمانهای د ولتی وحزب رستاخیزحمله برد ند ، به غارت پرد اختند وچون مانعی د رراه خود ند ید ند ، د رصد د حمله به شهربانی تبریزوپافین کشید ن تند پس شاهنشاه آریامهربرآمد ند . د رتبریزوضع فوق العاد ه اعلام شد ونیروهای نظامی وارد شد ند وبتد ریج آشوب مهارشد ، د رحالیکه ویرانگری وتخریب وآتش سوز ی

بخش/ ...

بخش عمده ای از مناطق شهری را در برگرفته بود .

در متن حادثه ۲۹ بهمن ماه سال ۵۶ تبریز و متعاقب آن ، موارد زیر داده و نقطه نظرهائی مطرح گردیده که در ارتباط موضوع مورد بحث در این گزارش ، شایان دقت است و ضرورتاً در اینجا بطور اختصار مورد اشاره قرار میگیرد :

— برای اولین بار طی ۱۵ سال گذشته ، یک اغتشاش عمومی در داخل کشور رخ داد و در آن گروه کثیری از مردم یک منطقه از مملکت شرکت داشتند . این امر به رهبران گروههای مخالف آموخت که تحریک مردم کاری است نه چندان مشکل ولی میتواند کارآمدی داشته باشد .(۲۶)

— در این رخداد ، بطور مستقیم مقاومت و درگیری با نیروهای انتظامی صورت گرفت و حدّت جریان در همان لحظات اول بصورتی بود که تعدادی از افراد پلیس ناگزیر به گریز از مقابل اخلالگران شدند . اماکن و وسایل پلیس مورد حمله قرار گرفت و موضوع ترس از درگیری با پلیس که تروریستها طی هشت سال فعالیت مسلحانه برای از میان بردن آن کوشش کرده و توفیقی حاصل نکرده بودند ، در این ماجرا صورت واقع بخود گرفت و بر جسارت اخلالگران افزود .(۲۷)

— برای اولین بار فعالیتهای اخلالگرانه و اغتشاشات عمومی ، وسائل و مواد آتش زا بکار گرفته شد و به آتش کشیدن اماکن و وسائل مورد نظر ، اقدام تخریبی شیشه شکستن و ویران کردن را تکامل بخشید .

— تجربه جدیدی بدست مخالفان حکومت داد و طی آن نشان داده شد که میتوان با یورشهای جمعی ، به ویرانگری بدون برخورد با مقاومت موثر دست زد .

— به روحانیون این تجربه را داد که در صورت استمرار برنامه های تبلیغاتی با استفاده از منبر و صدور اعلامیه ، میتوان حرکت عمومی را در جهت تعقیب خواستهای

مختلف ، / . . .

مختلف ، سبب گردید . در واقع نیروی مذهب وتوانائی آنرا بصورت یک واقعیت ملموس در جامعه ایران ، متجلی ساخت وخلاصه آنکه روحانیت ازجهت اجتماعی احساس قدرت فراوان کرد .

— برای گروههای مخالف این نتیجه را بارآورد که دریافتند برای نیل به مقاصد خود بهترین راهی که میتوانند طی کنند ، حرکت ازطریق مذهب وزیر شعارهای مذهبی است واین تاکتیک بعنوان معقد به عمل ومسئله موثروزمینه ساز ، تاکتیک کارآمدی میباشد .

— برگزاری مراسم چهلم قیام تبریز وبروز حوادث تلخ در این جریان ، تاکتیک تازه ای برای رسیدن به اهداف مخالفین قرار داد وآن عبارت بود ازبرگزاری مراسم یاد بود مقتولین حوادث . چه این مراسم تشکیل اجتماعاتی را بدنبال دارد ودر اجتماعات مذکور که مردم اجتماع کنند ، ضمناً تهییج شده هم هستند ، میتوان به تحریک بیشتر پرداخت وهیجانات را دامن زد وبعد به بهره برداری از احساسات تحریک شده پرداخت .

— وقایع قم وتعاقب آن تبریز ، در فاصله مدتی حدود ۴۰ روز که ماحصل آن رود روئی مذهب وسیاست ویا روحانیت ودولت بود (۲۸) ، فرصت طلائی برای کمونیستها شد که ازموقعیت پیش آمده برای انجام مقصود دیرین خود ، یعنی بهره برداری ازعنصر مذهب برای آماده کردن زمینه های ذهنی وحتی عینی در جامعه ایران بر ضد رژیم قانونی کشور ، سود فراوان ببرند ، ولوآنکه دارای تشکیلات منظم هم نباشند ، در ساختن وپراکندن شعارهای محرک وضد طی ومارکسیستی پیشگام باشند ودر مواجهیتهای مناسب ، جمعیت هیجان زده را بسوی هدفهای خاص رهبری نمایند .

— بروز/۰۰۰

— بروزحوادث قم اگرچه در رابطه مستقیم با توهینی بود که نسبت به خمینی صورت گرفته بود ، معهذا برای خود او هم قابل تصور نبود که بتواند از این حادثه بهره برداری فراوانی بعمل آورد و در مدتی کوتاه توجهات توده های وسیعی از مردم را بخود جلب نماید . بهمین لحاظ عکس العمل شخص او تا بروز وقایع تبریز ، دارای جنبه های محافظه کارانه و تردید آمیز بود . اما واقعه تبریز و وسعتی که از نظر مخالفت صریح با دولت داشت ، بر جسارت و تجری خمینی افزود و او بطور جدی تر و فعالانه تر به میدان مبارزه مستقیم با رژیم قانونی کشور وارد شد .

— متعاقب حادثه تبریز در حالیکه وحشت فراوانی مردم را در بر گرفته بود ، بازار شایعه سازی و ایجاد جنگ روانی بشدت رایج شد و به گروههای مخالف آموخت که از این رهگذر در تضعیف روحیه مردم و حتی سازمانهای دولتی بکوشند .

یکی از صدمه ترین ابزارهائی که در مراحل بعدی توانسته در توسعه و تشدید تشنجات و دلواپسیهای مردم موثر باشد ، همین شایعه پراکنی و جنگ اعصاب به مناسبتهای مختلف بوده است .

— چند روز پس از واقعه تبریز درست همزمان با اعلامی که هیئت عالی بازرسی بفرمان مطاع ملوکانه برای بررسی علل این رخدادها در تبریز مشغول فعالیت بود ، یکنفر سرباز از پادگان تبریز در حالیکه با افسر فرمانده خود ، بر سر مسائل کاملاً خصوصی درگیری داشته ، و برابا یکی دیگر از سربازان هدف گلوله قرار داده و با جنگ و گریز از خیابانهای شهر عبور کرده و در شهر ولیعهد ، رئیس کلانتری ۷ را که در صدد دستگیری او برآمده بود ، کشته و بعداً دستگیر شد . این واقعه سبب بروز شایعات فراوانی گردید از جمله به عصیان و شورش و سربیچی نظامیان در قبال اعلام وضعیت فوق العاده / . . .

فوق العاده در تبریز، تعمیم گردید. این حادثه در حد خود، واقعه کوچکی بود ولی اثرات آن در آنزمان بسیار زیاد بود و راهنمائی برای مبلغین گروههای ونیروهای مخالف شد تا بعداً" بر آن مبنا سعی در تضعیف روحیه وتبلیغات روی نظامیان بعمل آورند.

— تغییر برخی مقامات مسئول از جمله استاندار و روسای سازمانهای امنیتی وشهربانی تبریز بلافاصله بعد از این حادثه وشایعاتی که در ارزیابی وتعیین مقصرین شده بود، وانعکاس این مطلب که شورش مردم سبب این تغییرات شده، افراد ناراحت را بر آن داشت تا پس از آن، به حق وبناحق، ایجاد جنجال نمایند وبه مقامات مملکتی درهرورده، متعرض شوند.

— انعکاس شتابزده وقایع تبریز وتفسیرها وتوجیه هائی که در همان ایام در این باره صورت گرفت، ضمناً" بمنزله گشودن دریچه هائی بود که از درون آن نارضایتیها ونارسائیهای اجتماعی منعکس میشد وبمردم سایر نقاط هم آموخت که گویا برای نشان دادن عدم رضایت وارائه کمبودها در سطح جامعه، راهی جز عصیان وشورش وجود ندارد.

— انجام تظاهرات پرداخته حزب رستاخیز ملت ایران، به فاصله اندکی پس از حادثه تبریز و عنوان کردن اینکه، واقعه مذکور ساخته دست بیگانگان است، سبب تجری وعصیانیت روحانیون شد وآنها را واداربه نشان دادن عکس العملهای بعدی کرد وبعلاوه غیرعقلانی بودن تفسیرهائی که درباره ورود خارجیان به تبریز وساختن حادثه این شهر صورت گرفت، این نظریه را که در بسیاری موارد تحریکات خارجی در امور براندازی وضد ایرانی دخالت دارد، مورد تردید قرار داد واثرات

تبلیغی / . . .

تبلیغی موضوع د رموارد جد ی را تا حد ود ی خنثی کرد .[۳۱]

— کشته شد ن عد ه ای د رحواد ث تبریز ، زمینه ای فراهم ساخت تا باین مناسبت برگزاری مراسم یاد بود ، تد اوم یابد وروحانیون وبویژه هواد اران خمینی مجدا ل بد ست آروند تا به تبلیغ مرد م بپرد ازند .

— بروز حواد ث قم وتبریز بعلاوه سبب شد که ازجانب روحانیون ، عید نوروز تحریم شود وبعنوان عزای ملی وتبلیغ د راین زمینه ، برروحیه ووحشت مرد م افزوده شود و شعارفرطلبی وسنتهای مرد می د ستخوش تاثرات مذ هبی گرد د .

— حاد ثه تبریز د رابطه با عنصر " روحانیت " سبب چیرگی خمینی د رجنبه روحانیت شد ود یگران بجهت ترس از برچسب " د ولتی بود ن " ، مرعوب اوشد ند و اکثریت روحانیت بی طرف وحتی گروهی ازموافقین د ولت د رجبهه مخالف قرارگرفته وروحانیت تقریبا" بصورت یکپارچه علیه د ولت متحد شد .

— د ستگاههای اجرائی مملکت که تاآن زمان به روحانیون اهمیتی نمید اد ند وحتی د رموارد ی برعکس خواسته آنان کارهائی میکرد ند ، باوقوع حاد ثه تبریز ، د رتماس با روحانیون واظهارضعف وتسلیم کامل ، فی الواقع د ستگاه حکومت راد رقبال روحانیت ناتوان وضعیف قلمد اد کرد ند ود راجرای نظریات د رست یا غلط وگاه مغرضانه روحانیون با یکد یگرمسابقه گذ اشته وروحانیون نیزکه چنین د ید ند ، ضمن اینکه تقاضاهای متعد د ممکن وغیرممکن خود راعنوان کرد ند وازاین رهگذ رنسبت بهاطرافیان وطرفد اران خود ابرازقد رت ونفوذ نمود ند ، د رعین حال بجای آنکه اقد امی د رجهت تخفیف هیجانات وتمایلات اخلالگرانه مرد م بعمل آورند ، بیشتربه تحریک پرد اختند ود امنه آشوب راتوسعه د اد ند .

— مجموع/ . . .

- مجموع این وقایع که در قم، تبریز و دیگر نقاط کشور روی داد، توجه محافل خبری جهان را نسبت به اوضاع ایران معطوف داشت و سیل خبرنگاران خارجی را روانه ایران ساخت، مضافاً باینکه در خارج از کشور نیز از جانب گروههای مخالف خبرنگاران خارجی به عزیمت به ایران و تماس با محافل مخالف دولت ترغیب میشدند. در آن هنگام نام چند تن از روحانیون بویژه آیت اله شریعتمداری بعنوان رهبر مخالفان مطرح بود و سبب اشتهار بیش از پیش وی شد و او را که ذاتاً مردی خود خواه و شهرت طلب میباشد، در وضعیتی از رضایت خاطر از این اشتهار قرار داد که لا اقل بطور موقت مصالح دین و ملت و جامعه ایرانی را از یاد برد و جانب مصلحت اندیشی را برای مدتی رها کرد.[۳۲]

- بر اثر وقوع حوادث اخلالگرانه و تشنج در برخی از نقاط ایران، سازمانهای تبلیغاتی ضد ایرانی به تحریف واقعیات پرداختند و حادثه تبریز سبب شد که مسائل ایران جای مهمی را در برنامه های تبلیغاتی و خبری سازمانهای تبلیغاتی جهان اشغال کند و همین انعکاس وسیع اخبار مربوط به ایران در وسائل ارتباط جمعی جهان و بویژه رادیوهای لندن و مسکو بود که برای مخالفین رژیم ایران، پایان دوران حکومت شاهنشاهی را نزدیک جلوه گر ساخت و البته از این دو فرستنده که ضمناً شنوندگان زیادی در ایران دارد، راهنمائیها و هدایتهائی بطرق غیرمستقیم و کنایه آمیز انجام گردید.

موارد مذکور در بالا و موارد فرعی دیگر، حادثه تبریز را از آنجهت نسبت به وقایع مشابه، متمایز میسازد که ثمرات درونی و بیرونی آن، در فعالیتهای براندازی و اخلالگرانه بعنوان سرمشق و نقطه عطف در اینگونه فعالیتها، مورد توجه قرار

گرفته/ ...

گرفته ونتایج کلی آن به فعالیتهای مورد بحث، تداوم بخشیده است.

پس ازحادثه تبریز، ایام نوروزسال ۵۷، فاقد نشاط همیشگی برای اکثرمردم بود و هرروزد رنقطه ای یانقاطی ازکشورحوادث اسف انگیزی رخ میداد ونهم فروردین مصادف باچهلم واقعه تبریزبود ودرتبریز واهوازوکازرون عده ای کشته شدند. بعلاوه اینکه حوادث کوچک وپراکنده ای د رنقاط مختلف کشوررخ میداد واین حوادث د رسطح وسیعی د رجراید ورسانه های گروهی د اخل کشورانعکاس یافت ومقارن سیزده فروردین وحشت عمومی فراگیرشده بود وصرفت تامرحله بعدی فعالیتهای اخلالگرانه آغازگرد د.

قبل ازآنکه به ادامه مطلب د رابطه باتداوم فعالیتهای اخلالگرانه پرداخته شود، ضرورت دارد که پیرامون مواردی که د رخارج ازحوزه فعالیتهای مذکورود ر رابطه بااقدامات سایرگروههای مخالف رژیم وحکومت، طی زمستان سال ۵۶ وبهار سال ۵۷ رخ داده، بررسی مختصری صورت گیرد.

عوامل جبهه باصطلاح طی که د رد رون خود بااختلاف نظرهای اساسی مواجه بود ند، سرانجام نتوانستند د رامورمختلف بایکد یگربه توافق برسند، اما د رمورد مبارزه علیه رژیم خط مشی تقریبا" مشترکی راتعقیب میکرد ند. آنها د رحوزه امکانات خود د ر تمامی زمینه هائی که میتوانستند به تحریک وفعالیت پرداختند. باتحریک زند انیان ضد امنیتی، آنهاراواد اربه اعتصاب کرد ند ومتعاقبا" کمیته د فاع اززند انیان سیاسی" راتشکیل د اد ند. بد نبال آن تشکیلاتی بنام " انجمن ایرانی د فاع از آزادی وحقوق بشر " بوجود آورد ند وبه نامه پراکنی وپخش اعلامیه پرداختند. آنها د ر محیطهای د انشجوئی تحریکاتی میکرد ند وباوقوع حوادث قم وپس ازآنکه روحانیون

رابه/ ...

را به آشوب وادار کردند ، به تاکتیک قدیمی تعطیل بازار تهران روی آوردند و از آن پس کرارا" بازار پایتخت را به بهانه های مختلف وبطور عمده زیر بهانه همدردی با بازماندگان مقتولین حوادث ویا " پاسخ به ندای روحانیت مترقی" به تعطیل کشیدند واین روش بتدریج به سراسر کشور سرایت کرد.[۳۳]

در طول این مدت وبویژه بعد از حوادث تبریز وطرح موضوع حوادث مذکور در مجلس شورایطی ، بتدریج زمزمه های مخالفی در میان نمایندگان مجلس شورایطی آغاز شد واحمد بنی احمد ابتدا بعنوان اعتراض به حوادث تبریز وبعد در جهت مخالفت با حکومت، بفعالیت پرداخت وبهمراه او نمایندگان پان ایرانیست نیز نغمه مخالفت را ساز کردند واین دو گروه بتدریج بسوی روحانیون کشیده شدند وبا آیت الله شریعتمداری در رابطه قرار گرفتند . ضمن اینکه بنی احمد بعدا" بعنوان نماینده مطبوعاتی شریعتمداری معین گردید.[۳۴]

گفتار این افراد در مجلس وسهل انگاریهائی که در مورد حزب رستاخیز ملت ایران و جدی نگرفتن نقش آن اعمال شد ، بتدریج سبب رویگردانی جامعه از این حزب گردید . بدیهی است موارد بالا ضمن اینکه مسیر خود را ادامه میداد در عمل تحت الشعاع وقایعی بود که در رابطه با کوششهای روحانیون انجام میگردید وطبعا" از اوائل فروردین ماه سال ۵۷ ، عملا" رهبری " اپوزیسیون " بعهده روحانیت درآمد و همه فعالیتها در پوشش مذهب وبنام روحانیون صورت میگرفت.

بازتاب وقایع تبریز ، تبلیغاتی که در داخل وخارج کشور علیه رژیم شاهنشاهی انجام میشد ، چیرگی که روحانیون احساس میکردند ، انعکاس وسیع حوادث پراکنده و موضعی اخلالگرانه در جراید ورادیو - تلویزیون ، حرکت محسوس گروههای

مخالف/ ...

مخالف ، نبود ن د فاع ومقاومت جد ی لا اقل از جانب بنیاد ها ونهاد های ملی و آمیزشی که د اقعا" از جانب هسته‌های مخفی براند ازد اده میشد ، بتد ریج د رغرور بین مـــاه ابعاد وسیعی به کوششهای اخلالگرانه د اد .

د راین هنگام ، آتش زد ن بانکها ، سینماها ، مغازه ها وتخریب موسسات خصوصـــی و د ولتی ، برپائی تظاهرات د رنقاط مختلف وتعطیل بازار واعتصاب کسبه ، بصورت رویـه متد اول د رآمد وحوادث بعد ی د رشهرهای مختلف وکشته شد ن تنی چند از اخلالگران مزید برطلت شد .

این روند همچنان اد امه د اشت. خمینی که بصورت آلت بی اراد ه ای د رد ست هوا مـــل مخالف د ولت ایران د رخارج د رآمد ه بود (۳۵) وبعلاوه شخصا" هم وسعت فعالیتهـــای ضد حکومتی راد رک کرد ه بود ، به مقیاس وسیعی با ارسال پول وصد ور اعلامیه های متعد د ، به هسته های مخفی که د رد اخل کشور به تحریک وفعالیت مشغول بود ند ، کمک میکرد و به آشوب د امن میزد . د راین مرحله خمینی عملا" ورسما" رهبر مخالفین شد ه بود ، وسایـر مراجع وآیات رابشد ت تحت الشعاع خود قرارد اد ه بود . سایرآیات اگرچه د رباطـن ازاوخوشد ل نبود ند ، معهذ ا شد ت جریانات روزآنهارا د رمسیری قرارد اد ه بود کـــه چاره ای جز تبعیت وتاثیرپذ یری از اووافکاروا عمالش ند اشتند .

د رجریان تد اوم برپائی مجالس یاد بود که هرروز د رنقطه‌ای وبه مناسبتی برگزار میشـــد ، روزهای ۲۰ و ۲۱ د ر بهشت وقایع اسف بار بگری د رقم رخ د اد . د راین زمان قرار بـود مراسم چهلم کشته شد گان یزد واهواز وجهرم واصفهان د رقم برگزار شود . تحریکـــات د امنه د اری باین مناسبت انجام شد ه بود و د رقم آماد گی زیاد ی وجود د اشت. ایـــن آماد گی نه تنها برای روز چهلم کشته شد گان وقایع یزد ود یگر شهرها ، بلکه بتد ریج برای

آشوب وبلوا بوجود آمده بود . در همه ارکان طوم دینی شعارهای تند وضد رژیم و اهانت آمیز داده میشد وحتی از دیوارها آویخته شده بود هر روز و هر شب خرابکاری، آتش سوزی، انفجار، تظاهرات ودادن شعارهای تند توسط عوامل اخلالگر انجام ودادده میشد . با توجه باین آمادگیها بود که احتمال بروز حوادث نامطلوب واحیانا" خرابکاری و آتش سوزی وسیع میرفت وبهمین علت وضع فوق العاده در رقم برقرار بود . باوجود مراقبت وتقویت نیروهای تامین در روزهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ ارد بیهشت ماه وقایع ناگوار و اخلالگرانه ای در این شهر بوقوع پیوست وسرانجام سبب شده که درگیری نیروهای پلیس واخلالگران تا منازل آیات شریعتمداری وگلپایگانی کشیده شود والبته در این دو محل وقایعی رخ داد که سبب تهییج وتحریک بیشتر مردم شد . این حوادث رسما" و علنا" دولت وروحانیت را مقابل هم قرار داد وشرایط مساعدی را از جهت تحریک وتبلیغ بیشتر علیه دولت بوجود آورد .

گروههای مخالف وبویژه کمونیستها و عوامل جبهه ملی وهواداران خمینی از این واقعه بهره برداری شدیدی کردند واز آنجا بود که عقدماتی را برای یک شورش بزرگ در ۱۵ خرداد ماه تدارک دیدند . با تلاشهائی که بعمل آمد در واقع ۱۵ خرداد با آرامی برگزار شد ، اما حوادث در گوشه وکنار مملکت اتفاق می افتاد . هر روز بهانه بها بهانه هائی برای تظاهرات بدست می آوردند وبه اخلال می پرداختند . بتدریج اوضاع وخامت بیشتری می یافت وهر واقعه واجتماعی بزرگتر از حادثه و واقعه قبلی میبود .

مرگ همزمان شیخ احمد صافتی کافی وآیت اله طالقانی معصومی همدانی وآیت الله طاهری ، سبب تازه ای برای تشکیل اجتماعات در مساجد بود ودر مجالس ترحیم و یادبود / ...

یاد بود این سه نفرکه تقریبا" در اکثرنقاط کشوربرپا شد ، تظاهرات پرد امنه ای برخ داد واین تظاهرات خمینی ود بگرد ست اند رکاران فعالیتهای ضد رژیم را برآن د اشت کـه حد اکثربهره برد اری را ازچنین اجتماعاتی بعمل آورند وبهمین جهت بود که طـــرح تبلیغات وتحریکات پرد امنه ماه مبارک رمضان راتد ارک د ید ند .

پس ازآنکه رویـد اد های مختلف د رجریان ماه مبارک رمضان وحوادث بعد ازآن کـه د ر واقع مراحل نهائی فعالیتهای ضد طی را بطورکامل متجلی ساخت ، مورد اشاره قرارگیرد ، ضرورت د ارد که موارد ی د ر رابطه باد سته بند یها وجهت گیری فعالیتها ، مـــــورد ملاحظه قرارگیرد .

بطوریکه د رشرح مراتب فوق ، اشاره گرد ید ، مراحل ومقاطع حوادث وناآرامیهای د اخل کشور ، د رهرزمان نقاط عطف وتعیین کننده ای است که این نقاط عطف بطورعمـــده حول محورمذ هب بود وبا گذ شت زمان ، بتد ریج تاثیرات وجلوه های مذ هب واثـــرات رهبران مذ هبی بیشتراز پیش نمود ارمیگرد ید .

د راین زمان بطورمشخص تقریبا" تمامی رهبران مذ هب ، باستثناء چند تن ازآنان کـــــه همواره موضع موافق خود رانسبت به د ولت ورژیم حفظ کرد ه اند ، د رصف مخالفین قـرار گرفته بود ند .

خمینی بتد ریج توانسته بود نقش رهبری وبا صطلاح فرماند هی خود را بردیگران تثبیـــت کند . اثرنفوذ ی آیات ثلاثه قم بتد ریج بی رنگ میشد . د رقم سید صاد ق روحانـــی ، د ر یزد شیخ محمد صد وقی ، د رتبریزمحمد علی قاضی طباطبائی ، د راصفهان سید حسیـــن خاد می ، د رشیرازصد الحسین د ستغیب وصد رالد ین حائری که تااین زمان بطوردسته ازآیات ثلاثه قم تبعیت صوری د اشتند ، بطورمشخص د رصف طرفد اران خمینی قـــرار گرفته ود ستورات خود را ازنجف د ریافت میکرد ند .

وحاظ / . . .

وعاظ. اکثرا" از خمینی تبعیت میکردند وحتی آنهائی هم که از پیروان آیات ثلاثه قم بودند، ترجیح میدادند که در شرایط کنونی تظاهر به اطاعت از خمینی کنند.[۳۷] روحانیون تهران هم متشکل شده و با احساس این واقعیت که دولت در صدد اعمال روش عادی در مورد آنان نیست، خود را برای یک حمله وسیع تبلیغاتی علیه دولت آماده میکردند.

دستجات مخالف غیرکمونیست، از قبیل جناحهای دوگانه جبهه ملی و اصطلاح طلبی و جمعیتها و احزاب وابسته به آن در تدارک اقداماتی بودند که بتوانند از اجتماعات مذهبی در ماه مبارک رمضان بهره برداری کنند. آنها و دیگر دستجات مخالف خارج از کادر جبهه ملی در اجرای این نظر، بطور مطلق خود را مذهبی نشان میدادند و هرکدام در ایجاد رابطه با مراجع روحانی از یکدیگر پیشی میگرفتند.

دستجات کمونیست هم با احساس جو مذهبی - سیاسی، اساس تحریکات و تبلیغات خود را بر مبنای ائتلاف با مذهبیها قرار داده و خود را متحد آنها قلمداد میکردند. در چنین شرایطی بود که اعلامیه و پیام خمینی که اگرچه در رابطه با حوادث - مشهد و سایر نقاط، صادر شده بود، ولی در واقع دستورالعمل برای وعاظ و روحانیون در مورد اقدامات برای ماه مبارک رمضان بود، در داخل کشور انتشار یافت. در این اعلامیه ها و پیامها با تاکید بر ضدیت با رژیم کشور و سلسله شاهنشاهی پهلوی، یاد آور شده بود که در طول ماه مبارک رمضان و در جلسات مذهبی، شدیدا" تبلیغات صورت گیرد و مردم به شورش و بلوا برانگیخته شوند. در محیط پر از وحشت و رعبی که هواداران خمینی در میان وعاظ و روحانیون بوجود آورده بودند، برای کمتر واعظی مجال سرپیچی از این دستور وجود داشت. خمینی بعلاوه در پیام دیگری به سایر

طبقات/ . . .

طبقات اجتماعی وبخصوص به پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی توصیه کرده بود که علیه رژیم ایران قیام کنند .

بهمین لحاظ بود که ازهمان شبهای اول ماه مبارک رمضان تقریبا" درسراسرکشور تبلیغات ضد رژیم ازمنابرومساجد آغازشد . وعاظ وبویژه آنهائیکه مستقیما" از عمیقی پول دریافت کرده بودند ، بشدت به تحریک مردم پرداختند .

این آماده سازی ازسوی وعاظ درمجالس جریان داشت وعوامل مخالف دیگر رهبران مردم به شایعه پراکنی ونشراکاذیب مشغول شدند ودرهمان روزهای اول رژیم ایران راضد دین ومخالف شرع مقدس اسلام معرفی کردند . دامنه تحریکات روزبروزتوسعه می یافت وشکاف بین مردم که احساسات مذهبی شان تحریک شده بود ، بارژیم تعمیق میشد . تاروزهای دو۷ماه رمضان تقریبا" وعاظ آزادانه به تحریکات پرداختند .

درتهران وچند نقطه دیگرتظاهرات اخلالگرانه وسیعی شروع شد وهرروزاقدامات تخریبی وآتش سوزیهای عمدی بیش ازروزقبل بود . مراکزفرهنگی وتفریحی ، موسسات طبی ودولتی وماموربن پلیس ، آماج اولیه حملات متعصبین وقشریون مذهبی وعوامل اخلالگر کمونیست وخرابکاربودند .

بااوج گیری تحریکات وعاظ ، دستگیریها آغازشد وتحصن ها وتظاهرات بمناسبت دستگیری وعاظ بگونه وسیعتری شروع شد ودرگیریهای متعددی بوجود آورد . ازاواسط ماه مبارک رمضان به بعد ، شعارهای ضد سلطنت ، تجزیه طلبی ، کمونیستی وامثال آن جای شعارهای مذهبی راگرفت وتقریبا" سرتاسربازارهای مملکت به اعتصاب کشیده شد . رویدادهای وبرانگرانه وتظاهرات ضد ملی درروزهای ۱۹ تا ۲۱ ماه مبارک رمضان گسترش زیادی داشت وبتدریج شهرها وروستاها رادربرمیگرفت .

باتغییردولت درروز ۲۱ ماه مبارک رمضان ، تخفیفی درتشنج اوضاع احساس نشد .

بلافاصله / . . .

بلافاصله گروههای مختلف مذهبی، کمونیست وغیرکمونیست عکس العمل نشان دادند ووظایف تحریکات خود را تشدید کردند وچون تا پایان ماه رمضان مدتی نماند، وبزعم آنها وقت از دست میرفت، برآن شدند که با شدت بخشیدن به جریان، پیشرفت حوادث را بنفع مقاصد خود، تسریع نمایند. خمینی اعلامیه های مکرری صادر کرد ورابطینی را بطور محرمانه بایران گسیل داشت (این رابطین شناخته نشدند، اما اطلاعاتی پیرامون ماموریت آنان از منابع موثق دریافت شد که نشان میداد خمینی طی دستخطی از عوامل خود خواسته بود که هرچه شدیدتر به آتش سوزیها، خرابکاریها وتحریکات مردم دامن بزنند وتا پایان ماه رمضان انقلاب عمومی را بانجام برسانند)".

حادثه سینما رکس آبادان که طی آن ۳۷۷ نفر به وضع فجیعی بهلاکت رسیدند، تمامی ملت ایران را متاثر ومزاد ارساخت وعوامل متوصد بلافاصله دست بکار شدند. ابتدا کمونیستها اعلامیه ها وتراکتهائی منتشر ساختند وارتکاب این جنایت را به دولت نسبت دادند وبعد از آنها، روحانیون مخالف وعوامل جبهه ملی از این موضوع بهره برداری کردند وخمینی اعلامیه ای داد وبا اشاره به فرمایشات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر که در اشاره به اثرات تسلط ارتجاع سیاه و استعمار سرخ، "وحشت بزرگ" را در شرایط چنین تسلطی، یاد آور شده بودند، ادعا کرد که عوامل رژیم ایران برای ارائه نمونه "وحشت بزرگ" دست بآتش زدن سینمای مذکور زده اند.

این موضوع در تحریک خشم توده مردم اثر فراوان داشت وبهره برداریهای بعدی شروع شد وحوادث روزهای عید فطر تا ۱۷ شهریور ماه وبرقراری فرمانداری نظامی در تهران / ...

در تهران و سایر نقاط کشور ، ادامه یافت .

از آنجاکه در جریان ماه مبارک رمضان بحد کافی تحریکات و تبلیغات ضد رژیم بعمل آمده و احساسات مردم برانگیخته شده بود ، عوامل جبهه ملی ، روحانیون مخالف و کمونیستها در سازمان دادن یک راه پیمائی طولانی با شرکت جمعیتی بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر در تهران توفیق حاصل کردند و در این جریان امکانات خود را از جهت جمع آوری نیرو و جهت دادن بحرکت مردم مورد ارزیابی قرار دادند .[۴۱]

اجتماع روز عید فطر و تبعیت اجتماع کنندگان از دستورات گردانندگان این راه پیمائی این نتیجه را از جهت رهبران گروههای مخالف در بر داشت که در آن زمان متوجه شده بودند نیروهای قابل ملاحظه ای را تحت تاثیر قرار داده اند . از طرف دیگر آنها در ارزیابیهای خود باین نکته نیز توجه نمودند که دولت واقعاً از درگیری و مواجهه جدی در قبال تظاهرات و اجتماعات ، پرهیز میکند .

مجموع این نتیجه گیریها ، آنها را بر آن داشت که برای روزهای بعد هم بفکر بهره برداری باشند و از همین جا بود که در مقیاس زیادی در صدد اجرای روشهای تجربه شده در حوادث تبریز برآمدند . (آتش سوزی ، حمله به پلیس ، تخریب ، دادن شعارهای تند ضد سلطنت ، جلب مردم عادی به میدان تظاهرات و فعالیتهای براندازی و بالاخره وانمود کردن این امر که در همه حال دولت و رژیم مقصر است) .

در اجرای سیاست تزلزل در روحیه مردم ، رود رو قرار دادن نیروهای انتظامی و مردم ، تضعیف اعتماد عمومی نسبت به دولت ، تحریک و تحریص اجتماعات به ویرانی و آتش سوزی و بالاخره تبدیل تظاهرات به یک افتشاش بود که تدارک تظاهرات روز بعد با وسائل کافی فراهم آمد و به اعلامیه دولت در مورد ممنوع بودن تظاهرات خارج از شرایط محدود قانونی ، توجهی معطوف نگردید .

از روز / ...

ازروز ۱۴ شهریورتا صبح روز ۱۷ شهریورتظاهرات وخرابکاری بطورمستمراد امه داشت وابتکارعمل ازدست روحانیون خارج شده ودردست کمونیستها بود وآنها ضمن حفظ ظاهرمذهبی عملیات خود ، سعی درکشانیدن اجتماعات مردم به اقدامات خشونت آمیزکردند وروز ۱۷ شهریورهم باوجود برقراری فرمانداری نظامی، باتدارکی که ازقبل فراهم آورده بودند ، دست به ویرانگریهای وسیعی زدند و کارآنها تاشب همان روزادامه داشت.[۴۲]

باین ترتیب عوامل اخلالگرباسوء استفاده ازآزادیهای اعطائی وسوء تعبیر روابط خارجی ایران وتکیه بربرخی نارسائیهای موجود درجامعه ، طی مدتی کمتر از یکسال امنیت ملی رامتزلزل کرده واستقلال وتمامیت مملکت رامورد مخاطره قرار دادند . بررسی فوق نشانه فرازوفرود عملیاتی است که طی این مدت انجام شد و وقایعی که دراین فاصله زمانی رخ داد ، عوامل موثردرایجاد این وضعیت گروهها و سازمانها وعوامل مختلف ضد رژیم بودند که باهوشمندی ازشرایط مستعد اجتماعی میهن استفاده نمودند وباید منصفانه اعتراف کرد که درقبال سیل تحریکات و تبلیغات واقدامات آنها مانع ومدافع موثری هم وجود نداشت ودرعوض همواره بامخالفین ومعترضین علنی ، بامماشات وازموضع ضعف سخن رفت وبرتجری و جسارت ودامنه توقع آنها افزود.[۴۳]

درخاتمه این مبحث اشاره باین نکته ضرورت دارد که طی سی وپنج روز ، یعنی از اول ماه مبارک رمضان تاروز ۱۷ شهریورماه (روزاستقرارحکومت نظامی درتهران و یازده شهردیگرکشور) مجموعاً حوادث ووقایعی رخ داده که اوج گیری آن تقریباً ازروز ۹ شهریوربه بعد بوده وطی این مدت جمعاً ۶۸۷ مورد شکستن شیشه ، ۲۰۶ مورد آتش سوزی ، ۵۲۸ مورد قتل مردم ومامورین انتظامی ، ۶۹ مورد حمله به

مامورین / ...

مامورین ، ۳۸مورد بمب گذاری ، ۲۷مورد حمله به موسسات مختلف دولتی وملی ، ۲۳۸۰جلسه سخنرانی مذهبی در سراسرکشورکه طی بیش از ۱۷۵۰ جلسه ازاین جلسات، در رضدیت بارژیم وتحریک مردم به آشوب وبلواسخن گفته شده واوزیع متجاوزاز ۲۴۳نوع اعلامیه ونشریه باناام مشخص وغیرمشخص مبنی برضدیت بارژیم وحکومت ایران وبرپائی نزدیک به ۹۲۳مورد تظاهرات نسبتا"توام با خشونت در نقاط مختلف مملکت رخ داده وسازمان یافته است که با برقراری فرمانداری نظامی ازتاریخ ۵۷/۶/۱۷ ، بسیاری ازاین موارد موقوف وحوادث واقع شده به نسبت۳ ٪ باحوادث پیش ازبرقراری فرمانداری نظامی بوده است.

۲- احزاب، گروهها ، دستجات وعوامل مختلف مخالف :

دراین مبحث باختصارد رباره احزاب وگروهها وعوامل مختلفی که درتحریک مردم به شورش وایجاد ناامنی، ایفاگرنقشهائی بوده وسبب سازبسیاری ازناآرامیهای کشور بوده اند ، اشاره میگردد . ترتیب بیان مطلب درباره هرگروه ورسته دراین مبحث معرف درجه تاثیرآن درحوادث نیست وبطورکلی درسه گروه کمونیستها ، روحانیون و عوامل قشری ومذهبی واحزاب ودستجات وعوامل مخالف غیرکمونیست، درباره آنها اشاراتی بعمل می آید :

الف - کمونیستها :

اگرچه کمونیستها ازنظرمسلکی وروشهای کار ، بایکدیگراختلافاتی دارند وهمواره با یکدیگردرمبارزه اند ، اماوجه اشتراک تمامی آنان درارابطه بافعالیتهای داخل و خارج ایران ، مبارزه ومخالفت دائمی بارژیم ایران وبمنظوربراندازی آن است ، کمونیستهای طرفدارشوروی که بطورمشخص درقالب اعضاء وهواداران حزب منحله توده شناخته میشوند ، اگرچه باعملیات تروریستی به سبک وروش گروههای مافوانیست

وتروریست/ ...

وتروریست ، موافق نیستند ، معهذا باصطلاح خود شان در ایجاد شرایط عینی و ذهنی باصطلاح انقلاب در جامعه ایران ، از دست آویزهای متعدد بهره گیری مینمایند .

کمونیستهای مائوئیست وتروریستها توسل به عوامل خشونت ، ترور وخرابکاری را سبب تسهیل وتسریع در پیشرفت انقلاب عمومی میدانند وبهمین جهت از این شیوه سود می جویند .

(۱) گروه تروریست چریکهای فدائی خلق :

این گروه در سال ۱۳۴۶ با ترکیبی از عوامل حزب منحله توده وسازمان جوانان جبهه ملی با اعتقادات مارکسیستی واعمال شیوه های تروریستی شکل گرفت واز سال ۱۳۴۸ رسماً وفعالانه به تلاش پرداخت . گروه مذکور از ابتدا در رابطه با سازمانهای چپ گرای فلسطینی بود وچند نفر از اعضاء آن مدتها در سازمانهای تروریستی فلسطینی فعالیت داشتند .

گروه مذکور تا سال ۱۳۵۵ فعالیتهای متعددی انجام داد . در سال ۱۳۵۵ کادر رهبری آن متلاشی شد وگروهی از فعالین آن بخارج از کشور رفتند وهم اکنون در اروپا وکشورهای لیبی ، یمن جنوبی ولبنان پایگاههائی دارند .

بقایای گروه مذکور در سال ۱۳۵۵ به دو دسته تقسیم شدند . یکدسته از آنها فعالیتهای تروریستی را بی نتیجه خواند وباصطلاح بسوی فعالیتهای سازنده و سیاسی کشیده شد ودسته دیگر به بازسازی سازمان متلاشی شده پرداختند وطی دو سال گذشته در رابطه با تشنجات داخل کشور تلاش وسیعی را برای خشونت بخشیدن به تظاهرات ورود رو قرار دادن مامورین ومردم بعمل آورده وفقراتی از فعالیتهای / . . .

فعالیتهای تروریستی انجام داده اند .

آخرین اقدام آنها حمله به قرارگاه گارد شهربانی در تهران در تاریخ ۵۷/۶/۱۵ بود که ازمکانیسم عمل آنها در ایجاد تجری در عوامل اخلالگر اثراتی داشت. آنها با انتشار اعلامیه های متعدد سعی در هماهنگی کردن خشونت وافتشاش بعمل آوردند وبعلاوه دستورالعملهای این گروه در ارتباط با ختن عوامل اخلالگر به تخریب وآتش سوزی اثرات فراوانی در بر داشت .

(۲) گروه تروریست مجاهدین خلق :

ازسال ۱۳۴۲ که جمعیت باصطلاح نهضت آزادی منحل شد ، تعدادی از اعضاء این جمعیت وکمونیستهائی که در آن نفوذ کرده بودند ، در صدد تشکیل یک گروه مخفی برآمدند وسرانجام در سال ۱۳۴۵ هسته اولیه این گروه با تعدادی نزدیک به ۱۰۰ نفر شکل گرفت .

آنها در ابتدای امر افراد خود را برای آموزش به سازمانهای فلسطینی فرستادند وتا سال ۱۳۴۹ تعدادی از آنها در پایگاههای جبهه آزاد بیخش فلسطین آموزش دیدند و متدرجاً به ایران برگشتند . سه نفر از اعضاء این گروه در حالیکه مقداری اسلحه وسموم تهیه کرده وقصد داشتند که آنرا از دبی به ایران بیاورند ، دستگیر شدند وبعداً به یک هواپیما به ایران اعزام شدند . سه نفر از همفکران آنها به دبی رفته وبا اجرای یک طرح در همان هواپیما سوار شدند وآنرا به عراق بردند . باین ترتیب موجودیت گروه مذکور طی شد .[۴۵]

بانیان این گروه درباره ایدئولوژی آن گفتند که ازلحاظ زیربنائی به اصول اسلامی پایبند هستند اما از آنجاکه اسلام طرز مبارزه مدرن را نمی آموزد ، باید طرز مبارزه را از مارکسیسم فراگرفت وبهمین جهت ایدئولوژی التقاطی " مارکسیسم اسلامی " را بوجود آوردند .

آنها / ...

آنها ازسلسله نظریات طی شریعتی ، افکارحاکم برنهضت فلسطین ، سوسیالیسم ـ ناصریسم (ایدئولوژی ساخته شده توسط تئوریسینهای جمال عبد الناصر) ، متاثربوده اند وسرانجام هم در سال ۱۳۵۳ بکلی اسلام راکنارگذارده واعلام موضع مارکسیستی کرده اند.[۴۷]

گروه مجاهدین خلق طی سالهای ۵۰ تا ۵۵ عملیات تروریستی متعددی انجام داد وضربات سنگینی را متحمل شد . این گروه درخارج ازکشورپایگاههائی درفرانسه ولبنان دارد و ابوالحسن بنی صدروصادق قطب زاده واحمد سلامتیان ازجمله حامیان طبقی وشناخته شده آن میباشند که ضمناً با خمینی درارتباط نزدیک هستند .

با اعلام موضع مارکسیستی درایدئولوژی گروه ، تعدادی ازافراد آنکه حاضربه تمکین نسبت به عقاید مارکسیستی نبودند ، انشعاب کردند وگروههای پراکنده ای بوجود آوردند . این گروهها سهم زیادی درخشونت بخشیدن به فعالیتهای افراطیون مذهبی داشتند . ازجمله عوامل موثراین گروه شخصی بنام سید طی اندرزگوبود که دراوایل شهریورماه سال جاری درتهران کشته شد . اوبا پولهای هنگفتی که ازخارج از کشورد ریافت مینمود ، دست به یک سلسله تبلیغات وعملیات شدیدزد وازجمله عواملی بود که برای تبلیغ روی نظامیان تلاش زیاد میکرد . ازاقداماتی که گروه تحت رهبری اوانجام داد ، انفجاردررستوران خوانسالاردرتهران بود.[۴۸]

بطورکلی گروه باصطلاح مجاهدین خلق که درردشاخه مارکسیست واسلامی فعالیت دارد ، ضمن داشتن تماسهای خارجی ، درداخل کشورفعالیتهای وسیعی را روی ـ کارگران وانشعابون مذهبی اعمال مینماید ودرواقع ربط دهنده فعالیتهای مذهبی و مارکسیستی میباشد .

(۳) گروههای تروریست متفرقه :

ازسال ۱۳۴۹ که فعالیتهای تروریستی ، جلوه هائی ازخود راد رایران نشان داد ، افرادی باعقاید مذهبی یا مارکسیستی ، متاثرازتبلیغاتی که درزمینه عملیات باصطلاح مسلحانه صورت میگرفت ، بسوی ایدئولوژه فعالیتها کشیده شدند . تعدادی ازاین افراد درسیر گروههای تروریست دوگانه بالا قرارگرفته وبآنها جذب شدند . تعدادی دیگردست به تشکیل گروههای تروریستی مستقل زدند . گروههای رزمندگان خلق ، آرمان خلق ، جبهه دموکراتیک خلق ، گروه مهد وبون ، ابوذر ، سازمان رهائی بخش خلقهای ایران وامثال آن ازجمله این گروهها بودند .

تعدادی ازافراد گروههای مذکور ستگیروتعدادی دیگرد رجریان درگیریهای مسلحانه کشته شدند وبقایای این گروهها نیزبه گروههای تروریست دیگرجذب شدند . بودند کسانی از این گروهها ونیزگروههای تروریست دوگانه بالا که بعلت دستگیری یا معدوم شدن رابطین خود ، ازمرکزرهبری جدا ماندند وهسته های کوچک خود راحفظ کردند . این هسته ها تدریجاً گسترش یافته ودرحال حاضرگروههائی ازقبیل " طرفداران جریکهای فدائی خلق " ، " ارتش آزادیبخش خلق مسلمان ایران " وامثال آن با انتشاراعلامیه ها و نشریات بویژه درموسسات عالی آموزشی ، ابرازوجود میکنند .

(۴) حزب منحله توده :

حزب منحله توده باتحمل ضربات شدید طی سالهای ۱۳۳۲ و ۱۳۳۶ ، تقریباً متلاشی شد . این حزب ازابتدای فعالیت ازشوروی الهام میگرفت . باد ستگیری خسروروزبه در سال ۱۳۳۶ تقریباً آخرین پایگاه متشکل خود راد رایران ازدست داد . باقیماندگان توده ای که فاقد رهبری بودند ، درگروههای محفلی وهسته های پراکنده ، ارتباط غیرفعالی درسطح

اعضاء / . . .

اعضاء وسمپاتیزان محدود داشتند . اما توده‌ایهای فراری از ایران در بلوک شرق گرد هم آمدند و پس از مدتی از طرف حزب کمونیست شوروی تحت فشار گرفتند که فعالیتی را شروع کنند . آنها قبل از آغاز هرگونه فعالیتی «الزاماً» باید باین سئوال پاسخ میدادند که علت شکست آنها در ایران، علیرغم وجود امکانات و استعدادهای زیاد و از جمله وجود نیروهای شوروی و بعد از آن نفوذ وسیع در ارتش ایران و ائتلاف با حکومت مصدق، چه بود؟ برای پاسخ باین سئوال بررسیها آغاز شد و از افرادی در ایران نیز استمداد بعمل آمد و سرانجام در سال ۱۳۳۸ در یک جلسه حزبی که به پلنوم وسیع معروف شد، در اروپای شرقی جواب این سئوال باین گونه داده شد که چون حزب توده به عامل مذهب کم بها داده و بعلاوه در قطع ارتباط ریشه دار موجود بین مردم و شاه توفیق داشته، لذا با شکست مواجه شده است. باین جهت در خط مشی فعالیتهای آینده حزبی، باید، اولاً از الان مذهب بمورد و ثانیاً در متزلزل ساختن اعتقادات طبقی نسبت به نظام شاهنشاهی کوشید.[۲۹]

توده‌ایها ضمناً باد رک این واقعیت که گروههائی از جوانان ایرانی در اروپا و امریکا مشغول تحصیل هستند که میتوان آنها را تحت تاثیر قرار داد و آنگاه به تشکیل شبکه‌های حزبی در داخل ایران اقدام کرد، دست به تشکیل سازمانهای دانشجوئی و سپس کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج زدند و از اینرو یک ایران را بوجود آوردند تا بتوانند عجالتاً ارتباط یکطرفه تبلیغاتی با داخل ایران برقرار سازند .

بروز شکاف در کمونیزم بین الملل و بوجود آمدن قطبهای پکن ـ مسکو، حزب توده را با ضربه شدید دیگری مواجه ساخت و تقریباً تا سال ۱۳۵۰ فعالیتهای این حزب چندان تصرف آشکاری نداشت .

از ـ/۰۰۰

ازآن ببعد حزب توده طیه فعالیتهای تروریستی به انتقاد پرداخت ودرهمانسال ضمنا" به تایید خمینی وفعالیتهای افراطیون مذهبی همت گماشت .

حزب توده درسال ۱۳۵۳ ناگهان تغییرلحن داد ونسبت به تروریستها ابراز موافقت کرد وتکیه خود رابرایجاد " جبهه متحد ضد رژیم ایران" قرارداد . ازآن ببعد است که جهت گیری این حزب همواره براین مبنا بود که مخالفین رژیم همه با هم وبدون توجه به پای بند بهای ایدئولوژیک ، باید به " مبرمترین هدف وخواست مشترک یعنی براندازی رژیم ایران" بپردازند . واین هدف تامین نمیشود ، جزاینکه همه آنها در یک " جبهه متحد " متشکل شوند . طبیعی است که توده ایها توقع دارند که این جبهه متحد تحت رهبری خود آنها باشد .

باین ترتیب حزب مذکورکه ازسال ۱۳۵۰ ببعد حرکت تازه ای راآغازکرده بود ، ازسال ۱۳۵۳ ببعد ، بحرکت خود جنبه تعرضی بیشتری داد وتااین زمان صرفا" نشریات حزبی که درخارج تهیه وچاپ میشد ، مخفیانه بایران ارسال وتوزیع میگردید ، بتدریج به انتشارنشریات درداخل دست زد وابتدا نشریه " بسوی حزب" ومتعاقبا" نشریه ای بنام " نوید " رادرایران انتشار داد . جلوه های بارزحرکت تعرضی حزب منحله توده درسالهای اخیرچنین بوده است :

— کوشش درایجاد " جبهه متحد ضد رژیم ایران" بامشارکت تمامی گروههای مخالف اعم ازمذهبی ، کمونیست وغیرکمونیست .

— تضعیف مبانی اعتقادی مردم نسبت بدستگاه حکومت ازطریق تکیه برپاره ای نارسائیها وتنگناهای اجتماعی .

— نفوذ درمیان کارگران وایجاد اعتصابات موضعی وگاه همگانی .

— همصدائی باروحانیون وقشریون مذهبی درمخالفت بارژیم .

— کوشش /۰۰۰

- کوشش در ایجاد تزلزل در صمیمیت اعضاء نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران .
- سعی در ایجاد فاصله میان مردم و دولت از طریق جنگ روانی و شایعه پراکنی و دروغ پردازی .
- نفوذ در محافل مذهبی و جهت دادن به فعالیتهای مذهبیون و شکل دادن با اصطلاح انقلابی دادن باین فعالیتها .
- پراکندن شعارهای ضد رژیم شاهنشاهی .
- سعی در بدنام کردن مقامات دولتی .
- کوشش در پراکندن تخم بی اعتقادی و بی ایمانی در اذهان عمومی .

(۵) سایر گروههای کمونیست :

علاوه بر گروههای فوق تشکیلات اشاره شده در بالا ، احزاب و گروههای کمونیستی دیگری در رقابت با رژیم ایران ، فعالیت دارند . این گروهها اکثراً در خارج از کشور شکل گرفته و طی سالهای اخیر ، کادرهای خود را برای تشکیل هسته های مخفی ، روانه ایران نموده اند . برخی از این هسته ها شناخته شده و برخی دیگر کماکان بفعالیت مخفی خود ادامه میدهند .

گروههای مذکور عبارتند از :

- سازمان انقلابی حزب منحله توده - این سازمان اولین گروهی است که از حزب منحله توده انشعاب کرده و ابتدا با کوبا تماس گرفت و بعداً به تبعیت از نظرات مائوتسه تونگ با حزب کمونیست چین رابطه برقرار کرد . اولین گروهی که در ایران به عملیات مسلحانه دست زد ، شاخه ای از این سازمان بود .
- سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان - ابتدا گروهی از عناصر چپ گرای

جبهه / ...

جبهه ملی این سازمان را بوجود آورد و بدنبال آن گرایشات کمونیستی را آشکار کرد . این سازمان بعد از حزب منحله توده بیشترین سهم را در به انحراف کشانیدن جوانان ایرانی دور از وطن داشته است.

— حزب کمونیست کارگران و دهقانان — این گروه ، شاخه‌ای است منشعب شده از گروه مارکسیست — لنینیستی توفان که از نظر تاکتیکی اختلاف نظرهائی با کادر رهبری داشت وجدا شده. اعضاء سازمان اخیر پیرو نظریات مائو و انور خوجه رهبر آلبانی هستند .

— سازمان انقلابیون کمونیست — این سازمان در شمال امریکا و کانادا شکل گرفت و در صدد ایجاد رابطه با گروههای فلسطینی برآمد ولی توفیقی نیافت. افرادی از این سازمان در ایران هسته‌ای بوجود آورده بودند که شناخته شد .

— گروه کمونیستی کادرها — تعدادی از انشعابیون انقلابی حزب منحله توده هستند که بطور کامل در اختیار سازمانهای تروریستی بین المللی قرار گرفته‌اند و همین افراد بودند که مسبب برقراری ارتباط بین گروه چریکهای باصطلاح فدائی خلق با گروه بادرماینهوف و کشور لیبی شدند .

— گروه ۱۹ بهمن — شاخه ای از اعضاء و طرفداران چریکهای فدائی خلق در انگلستان موجد این گروه است و گروه مذکور سعی وافر در حمایت از تروریستهای ایرانی دارد .

— تروتسکیستها — این گروه که کمونیستهای هوادار بین الملل چهارم هستند ، ابتدا در امریکا علیه مائوئیستها تجهیز شدند و بعد با الحاق تعدادی از کمونیستهای دیگر بتدریج موجودیت قابل ملاحظه ای در میان دانشجویان و ایرانیان مقیم امریکا و اروپا احراز کردند .

تروتسکیستها بعد از رفتن رضا براهنی به امریکا در سال ۱۳۵۴ ، با برخی مقامات

امریکائی / . . .

امریکائی تماس گرفتند وبیشترین تبلیغات ضد ایرانی بویژه در امرزندانیان ضد امنیتی وادعای وجود شکنجه در زندانهای ایران ازناحیه آنها بود . تروتسکیستها ضمناً باگروههای مخالف در ایران تماس دائمی دارند وکانون غیررسمی نویسندگان ایران ازطریق سیاوش کسرائی ، علی اصغرحاج سید جوادی ، نعمت میرزا زاده و دیگران ، دائماً اطلاعات تحریف شده راازطریق رضا براهنی در اختیارمحافل خارجی میگذارند وبه تبلیغات ضد ایرانی دامن میزنند .

ـــ علاوه برگروههای اشاره شده دربالا ، گروهها وهسته های کوچک تر کمونیستی نیزگاه وبیگاه بدون وابستگی به احزاب وگروههای فوق الذکر ، اعلام موجودیت میکنند وبه فعالیت میپردازند .

اگرچه درمیان تمامی گروههای مشروحه بالا ازنظرمسلک واعتقادات تاکتیکی ، اختلاف نظروحتی رقابت ودشمنی برقراراست ، اماوجه مشترک کلیه آنها ، ضدیت بارژیم ایران است که درعین مبارزه بایکدیگر ، هرکدام درقلمروو امکانات خود در زمینه مذکورفعالیت مجدانه دارند .

ب ـ روحانیون مخالف وافراطیون مذهبی :

سوابق تاریخی نشان میدهد که روحانیت شیعه درادوارمختلف ، باستثناء مقاطعی اززمان ، همواره تایید کننده مقام سلطنت درایران بوده است . اما در عین حال رهبری مذهبی بویژه درمذهب شیعه ، همواره حالت حاکمیت به مراجع بخشیده ودرکنارد ولت وسیاست ، مذهب نیزقدرت قابل محاسبه ای بوده است .

بررسی مسائل تاریخی درزمینه رابطه روحانیت ودولت درایران ، دراین گزارش نمی گنجد ، اما اشاره باین نکته بی مناسبت نیست که گفته شود ، روحانیون ازبعد از

مشروطیت/ . . .

مشروطیت ، علاوه برجنبه های مذهبی ، برای خود زعامت ورهبری سیاسی نیز قائل شدند وهمین امرود خالت مذهب در سیاست، آنهم نه بشکل منطقی وموجه آن بلکه ، بصورت اعمال افراطی ونظرات خاص، همواره عامل کند کننده پیشرفت اجتماعی کشوربوده است.(۵۰)

در زمان شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه کبیر ، روند اوضاع بنفع روحانیون نبود . اصلاحات پهلوی اول ، با افکار ارتجاعی وکهنه گرای قشریون مطابقت نداشت ولذا معارضاتی آغازشد ودراذهان روحانیون بدبینیهائی نسبت به اعلیحضرت رضا شاه بوجود آمد که اثرات مخالفت برخی ازروحانیون باشاهنشاه فقید ، هنوزهم باقیست.(۵۱)

ازشهریورماه سال ۲۰ببعد ، فعالیتهای مذهبی درایران اشکال متفاوت ودرحسن حال متعرضی یافت وافراطی ترین شکل آن در ظهورجمعیت فدائیان اسلام متجلی شد .

درفاصله سالهای ۲۶ تا ۳۰ که تشنجات گوناگونی درکشورحکفرما بود، فعالیت جناحهای مذهبی نیزرواج داشت وسازمان مجاهدین اسلام که ازآیت اله سید ابوالقاسم کاشانی حمایت میکرد ، ازجمله سازمانهای متشکل مذهبی بود که جنبه های سیاسی رانیزدرنظرداشت وهنگامیکه دکترمصدق اقداماتی راطیه مقام سلطنت آغازنمود ، جناحهای مذهبی ازاوروبگردان شدند وبه معارضه بااوبرخاستند .

بعد ازقیام ملی ۲۸ امرداد سال ۱۳۳۲ ، به روحانیون واصولا" مذهب بهای قابل توجه داده شد وازآن زمان این باورقوت گرفت که برای دفاع ازوطن درقبال تهاجم اندیشه های مارکسیستی وماتریالیستی ، استفاده ازعامل مذهب، ازاهمیت ویژه ای برخورد اراست واین امرونیزوجود مرحوم آیت اله بروجردی درزمینه مذهبی شیعه ،

روابط / ...

روابط حکومت وروحانیت راد رشکلی بسیارعالی وصمیمانه قرارداده بود وایـــــن وضع تادرگذشت آیت اله بروجردی د رسال ۱۳۴۰ ، ادامه داشت.

با رحلت آیت اله بروجردی ، مخالفت آشکارقشرهائی ازمذهبیون وتنی چنـــد از روحانیون د راواسط سال ۱۳۴۰ آغازگردید واین د رست همزمان با ظهـــــور طلیعه هائی ازانجام اصلاحات اساسی د رکشوروتهیه مقدمه اصلاحات ارضـــی بـود .

بتد ریج ازسال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۱ ، تعداد زیادی ازروحانیون به مخالفت طیـــه حکومت ایران پرد اختند ونسبت به اصلاحات ارضی وسایراقدامات انقلابـــــی اعتراض نمودند . این اعتراضات ومخالفتها ادامه داشت تاوقایع اخلالگرانـــه ۱۵ خرداد سال ۴۲ بوقوع پیوست . قبل ازاین تاریخ ، سید روح اله خمینی بتد ریـــج بعنوان سمبل مخالفین د ولت ، ابرازموجودیت کرده بود .

ازبعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲ ، بتد ریج روحانیون ایران د رسه گروه مشخص قـــرار گرفتند . گروه اول کسانی بود ند که باواقع بینی واعتقاد نسبت به الزامات اجتماعی ، اقتصادی وسیاسی د رامر دگرگونی وتحول د رمشی جامعه ایرانی ، نسبت به رونـــد تکاملی جامعه ابرازموافقت کرد ند ود رصف موافق قرارگرفتند . گروه د وم راآن عـــده ازمراجع وروحانیون تشکیل میداد ند که اگرچه د رباطن با جنجال آفرینـــــی و آشوب طلبی موافق نبود ند ، معهذا ازجهت برخورد اری ازخصیصه های محافظه ـ کارانه وعوام فریبی وهمچنین نگرانی ازرویگرد انی مریدان وهواد اران ، وقطـــــع احتمالی بوجوه شرعی ، حالت بیطرفانه ای نسبت به اوضاع اتخاذ وباتوجه بـــه شرایط واوضاع واحوال ، واکنشهای مثبت یا منفی نشان میداد ند .

گروه / . . .

گروه مخالف که بتدریج خمینی در رأس آن قرار گرفت، از ابتدا در مورد اصلاحات ارضی و متعاقب آن با هر اقدام اصلاحی دیگر به مخالفت برداخت. گروه مذکور اگرچه تشکل سازمانی نداشت، معهذا از ارتباط پیوسته بین اعضاء آن برقرار بود و طی سالهای ۴۰ تا ۴۳، توانست توجه گروههای زیادی از قشرهای مذهبی را بسوی خود معطوف سازد. در سال ۴۳، خمینی با اعتراضاتی که نسبت به قوانین مملکتی میکرد و مردم را به شورش تحریک مینمود، سرانجام تبعید شد و به عراق رفت.[۵۳] او تا سال ۵۰ مخالفتهائی با حکومت ایران داشت، لیکن هواداران وی در ایران تقریباً ساکت بودند و فعالیتهایشان در اختفای کامل انجام میگردید.

خمینی در سال ۵۰ با تأیید گروه تروریست مجاهدین خلق،[۵۴] حرکت تازه ای را در فعالیتهای ضد رژیم بوجود آورد، اما وسعت این حرکت چندان قابل ملاحظه نبود. از سال ۵۴ که تردد ایرانیان برای زیارت عتبات عالیات به عراق آزاد شد، برقراری ارتباط با خمینی از سوی هواداران آسانتر گردید و او توانست از این طریق روابط نزدیکتری برقرار سازد و طرح تحریکات تازه ای را بریزد.

از زمانیکه آزادیهای سیاسی در ایران ابعاد وسیعتری یافت، تحریکات خمینی و به موازات او، هواداران در ایران آغاز شد و همانطورکه در شرح وقایع اخلاگرانه اخیر، بطور مشروح مورد اشاره قرار گرفت، بتدریج گروههای مبانه رو بی تفاوت را نیز تحت تاثیر قرار داد و موضع رهبری " اپوزیسیون " را احراز کرد و از سوی هواداران خمینی بنام " امام خمینی " نامیده شد و در واقع زیر نام او همه گروههای مخالف به ضدیت با رژیم ایران پرداختند و در حال حاضر قطب اساسی و ملموس مخالفین رژیم را تشکیل میدهند.

ب - احزاب / ...

ب - احزاب، دستجات، گروهها وعوامل مخالف غیرکمونیست :

در میان احزاب ودستجات وگروهها وعوامل غیرکمونیست مخالف حکومت ایران ، گروههائی هستند که نمیتوان آنها را بطور مطلق مخالف رژیم ایران دانست، اگرچه گروههائی از آنها برخلاف تظاهر به موافقت با رژیم، در باطن با آن مخالف میباشند. احزاب ودستجات وگروههای مذکور به شرح زیر مورد شناسائی هستند :

(۱) جمعیت باصطلاح نهضت آزادی :

این جمعیت توسط مهدی بازرگان، بدالله سحابی، آیت اله سید محمود طالقانی وتعدادی دیگر از همفکران آنها در سال ۱۳۴۰ بوجود آمد. افکار حاکم بر اعضاء جمعیت مذکور از نوع افراطی ومتاثر از " سوسیالیسم - ناصریسم " بود . آنها برحکومت اسلامی با در نظرگرفتن شرایط امروز جهان تکیه میکردند واز همان ابتدا با رژیم ایران مخالف بودند .

جمعیت مذکور اگرچه وابسته به جبهه ملی بود ، معهذا بدلیل داشتن افکار افراطی، رسماً به جبهه مذکور نپیوست وچندی بعد در جریان فعالیتهای ضد رژیم به اقدامات براندازی دست زد وبالاخره در حوادث ۱۵ خرداد سال ۴۲ نقش فعالانه ای داشت که بهمین جهت، سران وگردانندگان آن در دادگاه محاکمه وبجرم " تشکیل واداره جمعیتی با مرام ورویه ضد سلطنت مشروطه " محکوم شدند .

تعدادی از اعضاء این جمعیت با تفاق کمونیستهائی که با کتمان افکار واقعی خود در جمعیت مذکور رسوخ کرده بودند ، گروه تروریست مجاهدین خلق یا "مارکسیستهای اسلامی " را تاسیس کردند .

بازرگان وهمفکران او تا اوایل تابستان سال ۵۶ فعالیت موثری نداشتند وبعد از آن -

ابتدا / ...

ابتدا برای همکاری با جناحهای دیگر جبهه ملی دعوت شدند ، اما بجهت اختلاف نظرهای فراوان ، اتحاد و یکپارچگی آنها شکل نگرفت و این جمعیت با اعضاء حزب مردم ایران که از جهت پای بندیهای مذهبی و عقاید افراطی سیاسی ، مشابهت هائی با هم دارند ، بهمکاری پرداختند و از همان ابتدای امر بر "مذهب" و "آزادی" تکیه کردند .

جمعیت نهضت آزادی از بدو تاسیس تاکنون هرگز طرحی در جهت سازندگی کشور و جامعه ارائه نکرده و از نظر اید تولوژیک در فضای غیرمتعارف " تطبیق علم جدید با پیش گفته های قرآن کریم " فرق نبوده و در هر سخن و نشریه ای ، تحریکات ، تحریص و ترغیب به خرابکاری ، آشوب و عصیان موج میزده است .

با نهان این جمعیت بطور کاملا" یکطرفه ولجوجانه بر جنبه های انقلابی اسلام و زمینه های تعرضی مذهب شیعه تکیه داشته و با انتشار نوشتجاتی درباره تفاسیر مذهبی و تحلیل آیات قرآنی ، سعی در بدعت گذاری در اصول مذهبی نموده اند . این افراد از جهت جهان امروز و واقعیات حاکم بر آن ، مردمانی دگم و متحجرند ، اما از آنجهت که از لحاظ شخصی افرادی سالم و درستکار هستند و در جامعه به عناصر صالح اشتهار دارند ، لذا از نقطه نظر افکار عمومی مذهبیون ، همیشه این تصور وجود دارد که آنها کسانی هستند که میتوانند اصول مذهبی را با طمع خود رآمیزند و پایه های حکومت باصطلاح اسلامی را بریزند . این افراد بر مبنای القاء چنین فکری در جامعه ایران ، اعتباری تحصیل کرده و بر آن پایه تحریکات خود را دنبال میکنند و در امر عوام فریبی دستمهارت وافری دارند ولذا اکثریت آنها با رژیم قانونی کشور میتواند حاوی اثراتی باشد .

(۲) حزب مردم ایران :

این حزب باعقاید ی مشابه جمعیت نهضت آزادی ، دارای رویه‌های افراطی بود که تعداد ی ازاعضاء خود راازدست داده است. معهذا بقایای آن باتکیه بر " سوسیالیسم اسلامی " ازاولین گروههای پایه گذاری عملیات خشونت آمیز بوده اند. حزب مردم ایران هواداران زیاد ی ندارد ، اما د رسازماندهی وتبلیغ ازتجربه فراوانی برخوردار است ود رجناح بند ی جدید سازمانهای جبهه ملی باصطلاح طی ، د رصف هواداران جمعیت نهضت آزاد ی قرارگرفته است.

جمعیت نهضت آزاد ی وحزب مردم ایران ، د رجریان تجدید فعالیتهای سیاسی مخالف ، با برقراری ارتباط با محافل د ینی ، ابتکار تشکیل اجتماعات زیربنائی هسته های مذهبی رابکار بردند وازاین رهگذر توانستند ، طی یکسال اخیر ، هواداران رابسوی خود جلب وتحریکات عمیقی رابعمل آورند وهم آنها بود ند که د رروزهای آخر ماه مبارک رمضان وبعد ازآن صریحا" مخالفت خود را با رژیم عنوان وخواهان کناره گیری اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر شد ند .

(۳) اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران :

جبهه ملی که د رسال ۳۹ مرحله د وم فعالیت خود را شروع کرده بود ، د رسال ۴۳ تقریبا" متلاشی شد وعلت آن عبارت بود ازجاه طلبی ها ، اختلاف نظرها و وابستگیهای متفاوت گردانندگان این جبهه وعلاوه برآن نداشتن یارای مقاومت د ر قبال اصول اساسی انقلاب شاه وملت .

پس ازآن ، این جبهه نتوانست شکل وموجودیتی احرازکند . گروههای زیاد ی از اعضاء وطرفداران آن د رجهت مصالح ملی ود روند عملی جامعه جذب شد ند و

آنها / . . .

آنها هم که باقی ماندند ، بطور مجزا از یکدیگر موجودیت با اصطلاح " کمونی " داشتند .
در سال ۵۶ که جو متفاوتی بر مناسبات سیاسی ـ اجتماعی کشور حاکم شد ، بقایای این جبهه با امید و تصور اینکه با تغییراتی در اوضاع جهانی و روی کار آمدن دموکراتها در امریکا زمینه های لازم برای آنها فراهم است ، در صدد احیاء تشکیلات سابق برآمدند و مقدمتاً جلساتی تشکیل دادند ، اما به توافقی دست نیافتند .

داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران که سابقی فراوانی در این مورد بکار میبرد ، با شاپور بختیار ود کتر کریم سنجابی دیدارهائی کرد و از آنجاکه نتوانستند باد یگر جناحها ، به مرز مشترکی درباره فعالیت برسند ، بدون ذکر نام جبهه ملی ، یک نامه سرگشاده بعنوان اطیحضرت همایون شاهنشاهی و با امضاء خود شان نوشته و توزیع کردند . اقدام آنها در خرداد سال ۵۶ ، توام با احتیاط بود و چون عکس العملی ندیدند ، به توسعه تلاشها پرداختند و سرانجام در زمستان سال ۵۶ گروهی بنام " اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران " بوجود آوردند که فقط بقایای حزب ایران ، حزب ملت ایران و جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی در آن مشارکت داشتند و بدنبال آن ، به انتشار نشریه ای تحت عنوان " خبرنامه " دست زدند .

این افراد نتوانستند جاذبه سیاسی محسوسی برای خود فراهم آورند و بهمین جهت در مسیر فعالیتهای مذهبی قرار گرفته و با امید کسب نفوذ و اعتبار بیشتر ، به تایید روحانیون مخالف دولت پرداختند .

جبهه مذکور اگرچه هرگز بطور صریح مخالفت خود را با رژیم قانونی ایران ابراز نکرد و همواره بر اجرای صحیح و دقیق اصول قانون اساسی تکیه داشته ، معهذا نوع و کیفیت فعالیت و تبلیغات گردانندگان آن ، نشانه مخالفت باطنی این جبهه با رژیم ایران میباشد .

(۴) نهضت رادیکال ایران :

اگرچه / . . .

اگرچه نمیتوان این جمعیت (نهضت رادیکال ایران) راگروه وسیع وبانفوذی دانست ومحورموجودیت آن به رحمت اله مقدم مراغه ای ووابستگیهای آن به دکتر علی امینی نخست وزیراسبق محدود میشود ، معهذا انتشاربیانیه های متعدد از سوی نهضت مذکور ، در تحریک مردم بی اثرنبوده است.

(۵) " کمیته دفاع اززندانیان سیاسی ایران " :

این کمیته با بروزاعتصاب درمیان زندانیان صدامنیتی درزمستان سال ۵۶ ، توسط تعدادی ازعناصر جبهه ملی ، جمعیت نهضت آزادی وکانون غیررسمی نویسندگان ، بوجود آمد و بعنوان دفاع اززندانیان مذکور ، تلاشهائی انجام داد که رویهمرفته تحریکاتش بی اثرنبود . این کمیته بعداً درگروه دیگری بنام " جمعیت دفاع ازآزادی وحقوق بشردرایران " ادغام شد که درجای خود مورد اشاره قرارگرفته است.

(۶) کانون غیررسمی نویسندگان ایران :

علی اصغرحاج سید جوادی که قبلاً عضوحزب منحله توده بوده وبعداً بعضویت جامعه سوسیالیستهای نهضت ملی درآمد ومدتها درجراید کشورمقالاتی می نوشت ، ازجمله اولین کسانی بود که طی سه سال اخیر ، باانتشارنامه های سرگشاده واعلامیه ، بادولت ایران ابرازمخالفت کرد.(۵۵)

به تبعیت ازمشارالیه ، نویسندگان افراطی دیگرنیزوارد درفعالیت شدند وبتدریج احیاء کانون نویسندگان ایران راکه درسال ۴۷ تشکیل ولی رسمیت نیافته بود ، مورد توجه قرارداد ند .

کانون نویسندگان مرکب است ازافرادی ، چپ گرا ، مارکسیست ، تروتسکیست و کمونیست وهرآینه کسانی هم دربین اعضاء این کانون باشند که پیرو" ایسم ها " ی

مذکور / . . .

مذکور فعالیت شده و در نهایت با رژیم ایران مخالفند . کانون مذکور از طریق رضا براهنی با محافل مخالف رژیم ایران در خارج از کشور ارتباط دارد و از این طریق با نشر اکاذیب و ترتیب دادن به تبلیغات ضد ایرانی در خارج از کشور فعالیت مینماید و در داخل کشور نیز با انتشار اعلامیه و بیانیه و تشکیل شب شعر و امثال آن ، در تحریک افکار عمومی علیه رژیم و ایجاد رویگردانی و عدم اعتماد مردم نسبت به دولت ، نقش موثری داشته و همواره تز " همه گیر ساختن مبارزه علیه حکومت " را تعقیب میکرده است .

(۷) جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران :

احزاب ، دستجات و گروههای اشاره شده در بالا (۱ تا ۶) ، اگرچه در زمینه های مختلف با یکدیگر اختلاف نظرهائی دارند ، اما از آنجا که ظاهرا" و واقعا" در یک زمینه هدف مشترک دارند و آن ضدیت با رژیم کشور است ، لذا بطور تاکتیکی بر این توافق تکیه کرده اند که هدف مذکور را از طریق گرد هم آئی در کانون مستقل و جدا از احزاب و گروههای مربوط بخود تعقیب نمایند . جمعیت فوق الذکر با مشارکت اعضاء جبهه ملی ، جمعیت نهضت آزادی ، کانون نویسندگان ، نهضت رادیکال و تعدادی منفرد بین چپ گرا ، بر اساس همین انگیزه ، شکل گرفته و برای پیشبرد اهداف خود ، در عین حال فعلا" موقعیت خود را زیر چتر حمایتی روحانیون طراز اول قرار داده است .[۵۶]

(۸) احزاب ، گروهها و دستجات و محافل مخالف دیگر :

در حوزه اقدامات مخالفت آمیز با دولت ، احزاب و دستجات و گروههای دیگری نیز وجود داشته و دارند که اگرچه تبلیغات ، اقدامات و گفتار رهبران آنها در تشدید و خامت اوضاع اثر داشته ، معهذا با رژیم مملکت ضدیت ندارند و میتوان آنان را موافقان مشروط رژیم ایران تلقی نمود .

حزب زحمتکشان ملت ایران از آن جمله است .[۵۷] حزب پان ایرانیست نیز با خروج از حزب رستاخیز / . . .

رسدا خیز ملت ایران و موضع گیری ضد دولتی در مجلس و تایید روحانیون ، در راستای زمینه سهم داشته است.

علاوه بر آن مخالفین منفرد و کسانی که تحریکات حساب شده ای کرده اند ، که اگرچه حاوی اثرات وسیع نبوده ، معهذا حضور و مشارکت آنها در فعالیتهای ضد دولتی ، نمیتواند نادیده و بی اثر تلقی گردد .

۳— طبل سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی بروز نا آرامیها در داخل کشور :

در رابطه با بحث پیشین پیرامون بروز اخلالگریها و ناامنی های یکسال اخیر در کشور و همچنین وضعیت گروههای مخالف و محرک ، بحث شد . اما باید در نظر داشت که گروههای مخالف ، با تحریکات خارجی ، زمانی در جامعه اثر میگذارد که زمینه های لازم از جهت تاثیرگذاری و آسیب پذیری در سطح مردم وجود داشته باشد . در این گزارش نقطه نظرهای تحریکات خارجی مورد بحث قرار نگرفته است و نیاز به بررسی جامع تر از سوی متخصصین امر دارد ، اما قابل اشاره است که کمونیزم بین الملل و دو ابر آن آمریکا و شرکتهای بزرگ نفتی و قدرتهای غربی ، مسلما در ایران نقطه نظرهائی دارند و برحسب تجارب تاریخی ، تحریکاتی کرده اند[۵۸] . در جریان فعالیتهای اخیر ضد امنیتی ، دیده شده که رادیو پولندن با رادیو مسکو و سایر محافل تبلیغاتی خارجی تفسیرهای مغرضانه ای پخش کرده اند ، اما در این گزارش جائی برای پرداختن به مسائل مذکور نیست ولزوما در این مبحث به طبل اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی داخلی اشاره میشود . از جمله این طبل و مسائل میتوان به موارد زیر اشاره کرد :

الف — تحریک حس ضد التخواهی مردم ایران نه آزادیخواهی آنها . زیرا مردم ایران در وهله اول و مستمر در جامعه ایرانی بصورتی بوده است که در تمام

دورانی / ...

دورانی که ایران مستقل بوده، مردم آن آزاد بوده اند، ولی هرگاه طغیان و یا عصیانی دیده شده، برای تامین عدالت بوده است. عدم توزیع عادلانه درآمد، وجود تبعیض در موارد ی از زندگی روزمره مردم، عدم مبارزه جدی با فساد و امثال آن، سبب حساس ترشدن حس عدالت خواهی و در نتیجه عصیان مردم شده است.[۵۹]

ب - روند زندگی اجتماعی بشر در نیمه دوم قرن بیستم، به گونه ای بوده که تمایل بیشتری بسوی مادی گرائی یافته و طبعاً جامعه ایرانی نیز از تاثیر چنین روندی برکنار نبوده است. بسیاری از خانواده ها و گروههای اجتماعی که پای بند بهای معنوی و اخلاقی و مذهبی قویتری داشته ولی بعلت شرایط حاکم بر روند زندگی بشر نیمه دوم قرن بیستم، قادر به نشان دادن عکس العمل نبوده اند، با استفاده از موقعیت پیش آمده و برای اعاده حاکمیت معنوی اخلاق و مذهب بر شئون حیات اجتماعی و فردی، دست بکار شده اند و اینجاست که نقش روحانیت و اثر بخشی تحریکات مذهبیون متجلی میگردد. و با اینکه روحانیت فعلی کشور نیز محیط ایده آل عرفانی نیست، معهذا عده ای از مردم که از عدم فضیلت و تقوای اجتماعی بستوه آمده اند، به آن پناه برده اند

ب - بی تردید انقلاب شاه و ملت در ایران، ثمرات پرباری برای جامعه ایرانی داشته و از جمله دست آوردهای آن، افزایش سطح درآمد عمومی بوده است. اما متاسفانه بعلت ناتوانی دستگاههای اجرائی مملکت در تنظیم یک برنامه صحیح و سالم اقتصادی، این درآمد به کیفیت عادلانه توزیع نشده است. باین معنی که عده معدودی با برخورداری از ثبات و امنیتی که بر کشور حاکم بوده، با دلیل یا بدون دلیل، صاحب ثروتهای هنگفت شده اند. آنان از طریق بورس بازی، انتقال سرمایه از زمین به صنعت، زمینخواری، شرکت در کارهای تولیدی پرمصرف، شرکت در

مقاطعه / ...

مقاطعه کاریهای بزرگ وبند وبست های گوناگون ومخصوصاً اخذ کمیسیون و دلالی در کارهای دولتی ووابسته بدولت، صاحب ثروتهای بی حساب شده اند. در عوض اکثریت مردم، اگرچه بسطح رفاهی بهتری ارتقاء یافته اند، ولی تناسبی بین این ارتقاء در تمام سطوح جامعه، وجود ندارد. اگر فی المثل درآمد اکثریت مردم نسبت به گذشته ده یا بیست برابر شده، درآمد اقلیت اشاره شده، صد یا هزار و یا در موارد حتی ده هزار برابر گردیده است.(۶۰)

برخی از صاحبان ثروت آنچنانی، با خرید ن ویلاها، ساختمانهای مجلل با تزئینات خیره کننده، برپا داشتن مهمانیهای پرزرق وبرق وخود نمائی وتظاهرهائی از اینگونه سبب بروز عقده های بزرگ در نهاد خیلی از مردم بخصوص جوانان و دانشجویان شده اند. مردم وبویژه جوانان که قادر به هضم این پدیده ها نیستند وطبعاً متاثر از تلقینات وتبلیغات مضره هم میباشند، بخشم آمده وبه نشان دادن عکس العملهای ویرانگرانه برانگیخته شده اند.

ث — ازجمله دگرگونیهای ارزشی که انقلاب شاه وملت در سطح جامعه ایران بوجود آورده، پیدایش طبقات وگروههای اجتماعی تازه ای است که در جمع بندی طبقات وگروههای اجتماعی پیشین ایران، مطرح نبوده اند. این گروههای اجتماعی که عمدتاً طبقه متوسط ومشتمل بر تحصیلکرده ها وکارمندان دولت (کارمندان درجه دو سه، باادراک اجتماعی بیشتر وطلب زندگانی مرفه تر)، وقشر سرمایه دار جدید هستند که در واقع رفته رفته، اکثریت محسوسی را در سطح جامعه شامل شده اند (بخواهان بحساب آمدن ودر متن تصمیم گیریهای اجتماعی قرار گرفتن هستند. آنها چون درمدارهای تعیین کننده تثبیت نشده اند، میکوشند تا چنین مداری را

بوجود / ...

بوجود آورند وطبعاً" در چنین تلاطم وحرکتی ، برخورد بوجود می آورند ."[۶۱]

ث — طی سالهای اخیر ، زمینه های فراهمی فراوان وبی حسابی را اختیار مردم قرارگرفته وباصطلاح استعدادهای لازم برای زود بولد ارشدن وبی رنج به گنج رسیدن فراهم آمده است. مردم بازحمت وتلاش کمتر ، به درآمدهای بیشتری رسیده اند . این امر ، حس شاکربودن ازنعمت را بتدریج در مردم کشته یا تضعیف نموده وچون رنج زیادی برای بدست آوردن خواستهای خود تحمل نکرده اند ، ضمن اینکه تمایلی برای دفاع ازآنچه که دارند ، درآنها قوت ندارد ، اصولاً" به روند نامطلوب رنج کمتر ، بادآش بیشتر ، عادت کرده اند . هرگاه درقبال این خواسته وبدیده غیرمطلوب اجتماعی ، تنگناهائی بوجود آمده ، ابراز مخالفت وعکس العمل نموده اند وشاید ضایق اعتباری سال گذشته که ظاهراً" برای جلوگیری ازرشد تورم بوده ، ولی موجب وارد آمدن فشاربرمردم شده ، اثرعمیقی در این زمینه داشته است."[۶۲]

ج — شاید اگرفعالیت شاخص وعمده ای را درامرهرج ومرج فکری وبی ایمانی عمومی در جامعه ایران جستجوشود ، بروشنی این واقعیت جلب نظرکند که درامرتثبیت انقلاب شاه وملت درمتن جامعه ایران واذهان ایرانیان بعنوان یک واقعه سازند ، وهثبت تاریخی ، کوشش لازم صورت نگرفته است.

هرگزیک سازمان مسئول که بتواند فلسفه انقلاب ایران را تبیین کند وازآن یک جریان ایدئولوژیک جاذب برای جامعه بسازد ودرمتن اجتماع جریان دهد وازآن مفهوم تازه ای برای استحکام موجودیت ملی بوجود آورد ، وجود نداشته است.

درسالهای اخیروبدنبال ناتوانی سازمانهای سیاسی وتبلیغاتی کشور درزمینه بالا ، حزب رستاخیزملت ایران عهده دار این مهم شد ، ولی متاسفانه بعلت ناتوانی مسئولین ورقابتهای غیرمعقول ، وناهمگونی ترکیبی حزب مزبور ، این حزب نه تنها

نتوانست/ . . .

نتوانست چنین رسالت مهم وبزرگی را بثمر برساند ، بلکه سرنوشت ناهنجار وناگواری از اعتبار آن ، بطور مستقیم به ارکان انقلاب ایران خدشه هائی وارد کرد .

براین مبنا ، باید اذعان داشت که توده های مردم از بسیاری از واقعیتها و اندیشه های اصول انقلاب ایران بی خبرند وچون نسبت بآن آگاهی ندارند ، طبعاً" اصالت آنرا نمی شناسند ولذا ایمانی هم ندارند . چون ایمانی در کار نیست ، توجهی نیست وچون ایمان وتوجه نیست ، دفاع از دستاوردهای انقلاب ، بصورت یک فریضه ملی ، معنی وجود نکرده وحتی گروههائی از مردم که مورد تبلیغات ضد رژیم هستند ، انقلاب ایران را یک پدیده ناتوان در تامین خواستهای همگانی ملت ایران ، تلقی کرده وبا آن به معارضه برخاسته اند [۶۳] .

ج — تردیدی نیست که عوامل اجرائی اصول انقلابی ایران ، دستگاههای اداری مملکت بوده اند . برای آماده ساختن دستگاه اجرائی مملکت وانطباق آن با روند انقلابی جامعه ، اصل دوازدهم انقلاب یعنی انقلاب اداری تدوین گردیده است . اما متاسفانه با همه تاکیدی که در این مورد شده ، انقلاب اداری بمرحله اجراء درنیامده وروز بروز اصل تمرکز و بوروکراسی حاکمیت وحشتناکتری بر امور جاری مملکت احراز نموده است . بسیاری از مجریان ومسئولین مملکتی هنوز نتوانسته اند درک کنند که بقاء خود وموقعیت وحیثیتشان در گروه خدمت صادقانه است . لذا آنها بندرت به مخاطرات عدیده ناشی از سهل انگاری ، سوء استفاده ، وظیفه شناسی وامثال آن ، توجه نموده اند [۶۴] .

ح — رواج فساد ، دزدی ، ارتشاء ، تبعیض ، جایگزین شدن روابط بسر ضوابط وبرخوردهای نامطلوب بین کارمندان دولت با ارباب رجوع ، از جمله طل

مهم دیگری است که در سطح جامعه ایران، خالق نابسامانیها، کم کاریها، بی عدالتیها و نهایتاً نارضایتیهای عمومی بوده است.

خ — ناهماهنگی و حتی در بسیاری از موارد معکوس عمل کردن در امور مختلف از طرف سازمانهای دولتی، نه تنها موجب هدر رفتن نیروهای مادی و انسانی کشور شده، بلکه سبب نارضائی شدید مردم بوده است.

د — مشکلات اقتصادی از قبیل افزایش تورم، بالا رفتن بی رویه و روزافزون قیمتها، کمبود برخی مایحتاج ضروری و نگرانی مردم از این بابت و استیصال گروههای زیادی از مردم با درآمدهای ثابت در مقابل افزایش قیمتها و بالاخره ناتوانی مسئولین امر در زمینه کنترل مشکلات مذکور، از جمله عوامل دیگری میتواند بحساب آید.

ذ — توزیع غیرمتعارف پول در سطح جامعه و افزایش تمایل به مصرف، جامعه را بدل به یک جامعه مصرفی مبذر نموده و لوکس پرستی را در مردم رواج داده و نهایتاً به نوعی فساد متمایل ساخته است. این امر بطور مستقیم بر کیفیت و میزان تولیدات داخلی و رواج محصولات خارجی، افزوده و جامعه را وابسته به اقتصاد بیگانه ساخته است.

ر — عدم توفیق در برخی از قسمتهای بخش کشاورزی و کوچ بی رویه روستائیان بشهرها، ضمن اینکه نیاز مملکت را به وارد کردن اقلام فراوان محصولات کشاورزی از خارج، افزایش داده، سبب بروز مشکلات عدیده تازه و پیدایش ناهنجاریهای اجتماعی شده است.(۶۵)

ز — مشکلات گوناگون و متعدد شهری و ناتوانی سازمانهای مسئول در حل و رفع مشکلات مذکور، جامعه تازه به رفاه رسیده، تبدیل شده، پرتوقع و سطحی نگر را عصبانی میسازد. و در بسیاری از موارد عدم توجیه مردم و استعداد نکردن از خود آنها،

مسائل را بزرگتر و پیچیده تر از آنچه که هست، نشان میدهد و بر نگرانی و وحشت و بی قراری مردم می افزاید.

ز — مشکل جوانان، مشکلی است که سالها سخن از آن میرود، اما هنوز برای حل آن، فرمول قاطعی پیدا نشده است. برای جوانان مملکت جاذبه های ایدئولوژیک و فکری سالم وجود ندارد. گروهی مارکسیست شده اند. عده ای به مذهب و تعصبات مذهبی گرویده اند، جمعی بی بند و باری و لاقیدی را پیشه کرده اند.

آنها در مجموع، جهت حرکت متعادل و سالمی برای ساخته شدن آینده مملکت ندارند. آنها امروز با عصیان خود، آرامش جامعه را بهم میزنند و فردا با محتوای ذهنی خالی و بی بند و بار یا مغرض، نیروی انسانی سالم و مفیدی برای جامعه ایران نخواهند بود.[۶۶]

س — بی ایمانی مردم نسبت به بسیاری از مسئولین امور، واقعیتی است که نباید در بررسی مسائل اجتماعی کشور، از نظر مخفی بماند. استعمار غرب بر شرق در گذشته و شیوه زیرکانه ای که در مورد بخدمت گرفتن برخی از مسئولین امور مهم مملکتی توسط عوامل خارجیان، بخصوص انگلیسیها در کشور ما بکار گرفته شده[۶۷] و از سوی دیگر، سوء استفاده ها و تجاوزات آشکار از حدود وظیفه و بهره وریهای غیر قانونی از قدرت، که توسط برخی از مسئولین دولتی انجام گردیده و اثرات آن در سطح جامعه آشکار شده یا بطرقی با طلاع مردم رسیده و بالاخره دادن وعده های بی عمل فراوان از طرف عده ای از مسئولین بمردم، که برمبنای آن از سوی محافل مغرض داخلی و خارجی، تبلیغاتی صورت گرفته و حتی کتابها و نشریاتی در این زمینه ها چاپ و توزیع گردیده،

بهرحال / . . .

بهرحال ایمان واعتقاد عمومی را نسبت به بسیاری از مسئولین امور مملکتی تضعیف، وبعضاً بکلی ازبین برده واین عدم اعتقاد در مواردی، بحدی است که حتی مردم عینیات را هم باور ندارند.

ش - تحولی که در نحوه تفکر وبرداشت ونهایتاً عمل معلمین محترم و استادان دانشگاهها در رابطه با مسائل اعتقادی وفکری بوجود آمده وجنبه هائی از بی ایمانی وبی اعتقادی در معلمین واستادان رسوخ کرده، مستقیم وغیرمستقیم، اثرات خود را برافکار جوانان دانش آموزو دانشجوی مملکت، بجای گذارده است.

ص - به موارد بالا، نقطه نظرها ونکات دیگری نیز میتوان افزود. ازجمله اینکه تحولات فکری در جهان وتاثیر مستقیم آن برروند فکری وزندگی جامعه ایران، نبود یک سیستم تبلیغاتی مجهز ومتمرکز وآگاه ودلسوز در کشور، نفوذ عوامل محرک ومغرض در رسانه های گروهی کشور وزهرهائی که این عوامل از لحاظ ذهنیات در جامعه می پراکنند، سکوت دستگاههای تبلیغاتی در قبال تحریکات ضد ملی، نرمش بیش از حد لازم در قبال محرکین واخلالگران، عدم اجرای صحیح وکامل قانون درباره حفظ امنیت کشور در یکسال گذشته، اهمال وسهل انگاری واغماض نسبت به متجاوزین ومتعدیان به حقوق عمومی، نگرانی مردم نسبت به ثبات اوضاع، سردرگمی وبی برنامگی که در تمامی شئون کشور بچشم میخورد، تسلط رعب ووحشت ناشی از اقدامات اخلالگرانه اخیر بر جامعه وامثال آن ازجمله موارد دیگری است که بعنوان عوامل اثرگذارنده بر میزان قابل ملاحظه ومطالعه میباشد.

۴- برآورد نسبی اوضاع در رابطه با امنیت داخلی کشور:

اوج گیری اقدامات اخلالگرانه وتخریبی که سرانجام منجربه بروزاغتشاش در تهران و برخی دیگر از نقاط کشورگردید، بالاخره دولت را ناگزیر به توسل به برقراری فرمانداری

نظامی / . . .

نظامی کرد . این اقدام با وجودی که از جهاتی دیر صورت گرفت، معهذا عامل موثری در متوقف ساختن روند سریع فعالیتهای براندازی بود و توانست در مدت کوتاهی، آرامش نسبی را به مملکت بازآورد و به یاس و وحشتی که شدیداً مردم را در برگرفته بود، بطور موقت پایان دهد .

عامل فرمانداری نظامی در وضعیت فعلی مملکت، فقط میتواند این نقش اساسی و بسیار مهم را ایفاء کند که مردم را آرام سازد، از دامنه تشنج بکاهد و گروههای تحریک شده اجتماعی را بر جای خود بنشاند و به دولت و گردانندگان مملکت، فرصت بدهد که در پناه آرامش مزبور، به حل و فصل مشکلات اساسی جامعه بپردازند، اوضاع عمومی کشور را مورد ارزیابی و بررسی قرار دهند و بالاخره شرایطی را بوجود آورند که زمینه های بروز چنان حوادثی از میان برداشته شود .

از طرف دیگر، شدت تبلیغات انجام شده روی مردم، آمادگی که در گروههای مختلف برای تحریک شدن وجود دارد، بهانه ها و مستمسکهای گوناگونی که محافل مخالف و ضد رژیم برای انجام تحریکات دارند (حوادث تهران، کشته شدن عده ای در تهران و نقاط دیگر، ایجاد محدودیت برای خمینی در عراق و امثال آن)، پابرجا بودن مشکلات اجتماعی مختلف و در راس همه، تمایل دولت به حفظ چهره لیبرالیستی، روند اوضاع را در آینده مبهم نشان میدهد . از هم اکنون محصلین مدارس متوسطه در برخی نقاط کشور اخلالگریهائی را شروع کرده اند، دانشجویان از حضور در کلاسهای درس یا جلسات آزمایش خودداری میکنند، تعدادی از اعضاء هیئت های علمی دانشگاهها در موضع مخالفت علنی خود با دولت پابرجا میباشند و در خفا فعالیت و تحریکات را ادامه میدهند، اعتصابات کارگری اعم از

منطقی / . . .

منطقی یا غیرقانونی در بخشهای صنعت و خدمات وسعت گرفته، در میان کارمندان بخشی از موسسات دولتی زمزمه های اعتصاب و خودداری از انجام کار شنیده میشود، احزاب و دستجات و گروههای مخالف به فعالیت شدیدی مشغولند و در برخی از مناطق کشور که فرمانداری نظامی حضور ندارد، ناآرامیهائی از قبیل تظاهرات، اخلالگری، آتش سوزی، خرابکاری، دادن شعارهای مضره و امثال آن جریان دارد.

با این ترتیب پیش بینی میشود که در قلمرو مسائل امنیتی کشور، مواردی دشوار در پیش است که بطور عمده باید در بادی امر این مشکلات را در دانشگاهها و مراکز آموزشی و متوسطه و بعد در مراکز کارگری مورد ملاحظه قرار داد. چنانچه با سرعت مشکلات موجود در حوزه های کارگری و خدمات از میان برود، در موسسات عالی و متوسطه آموزشی، حل مشکل بسادگی میسر نخواهد بود و طبعاً اثرات گسترده ای در سطح جامعه نیز خواهد داشت.

هرآینه با خوشبینی فقط بروز مشکلات در موسسات عالی آموزشی و مدارس بنظر آید و حادثه و واقعه خاصی، تشنجات و ناآرامیهای دیگری را پیش نیاورد، ضمن اینکه موسسات عالی آموزشی، دستخوش ناآرامی خواهد بود، میتوان پیش بینی کرد که در ماههای محرم و صفر که بار دیگر تریبون منبر بطور وسیع در دست روحانیون مخالف قرار میگیرد، تحریکات ریشه دارتر و وسیع تری صورت خواهد گرفت و در مجموع، این روند مسائل بزرگتر و معضلات پیچیده تری را تا آغاز انتخابات آینده مجلسین تدارک خواهد نمود. زیرا در جریان انتخابات، برقراری فرمانداری نظامی اقدامی برخلاف آزادیهای سیاسی تلقی میگردد و به آزادی انتخابات خدشه وارد میکند. بعلاوه برخی مشکلات و نارسائیهای اقتصادی که از هم اکنون محسوس است، مردم را با شدت بیشتری در تنگنا قرار خواهد داد و از این زمینه ها، گروهها و احزاب مخالف برای پیشبرد هدفهای

خود / ...

خود بهره برداری خواهند کرد وزمینه های آشوب وبلواوبرخورد های خشن تـــر را بیش ازپیش، فراهم خواهند آورد .

۵ — نظریـــــه وپیشنهـــاد :

باتوجه بآنچه که در بالا باستحضار رسید ، مسئله اساسی وحیاتی برای کشور ، مسئله موجودیت آن واستقلال ملی وامنیت عمومی است . میهن ما ایران در گذرگاه تاریـــخ ، با مشکلات ومصائب گوناگون روبروشده وتدابیرجاوازخود گذشتگیهای حماسه آفرین وبموقع فرزندان خلف این آب وخاک ، در مقاطع حساس ولحظات تاریخ ساز ، ناجـی موجودیت ایران زمین بوده است . این حقیقت نباید فراموش شود که در هیچ دورانـی ازادوارتاریخی این سرزمین ، پادشاهان ایران ، بآن اندازه که در لااقل ۱۷ســال اخیراعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهربا این آب وخاک خدمت کرده اند ودر رفاه مردم ایران کوشش بکاربرده اند ، اقدامات وسیع وهمه گیربعمل نیامده وطبیعـــی است که مسائل ومشکلات دورانهای مذکورهم قابل مقایسه بااین دوره نبوده است . در ایران هرگزاینهمه امکانات مالی ، هوشمندیهای سیاسی وخردمندیهای رهبـری وجود نداشته ومتاسفانه عدم درک این شرایط عالی وکم بهاداد ن بآنچه کمداشتیم نتوانسته به ایده آلهای پرارج وممتاز رهبری مملکت جامه عمل بپوشاند .

تردیدی نیست که چنانچه مسئولین امرومجریان ، هرکدام در سطح خود وبسهـــم خود ، کوشش هماهنگی در سازندگی ایران میداشتند وبیش ازآنچه که بفکرخـــود و رسیدن به آرزوهای خود بودند ، به مسائل مملکتی ووظایف طی وآرمانهای اجتماعـی توجه نشان میدادند وفضیلت وتقوی راپیشه میساختند ، امروزجامعه ما دچـــار تب وتاب وتشنج نمیبود وملت ایران ، یکدل ویک جهت ، بسوی مراحل متعالی ترگـام برمیداشت/ . . .

برمیداشت. توجه یک جانبه به مسائل، بی‌توجهی به ضروریات والزامات مادی ومعنوی مردم، انحراف از اخلاق اجتماعی، فقط توسل به پول برای ساکت کردن معترضین، اغماض در مورد منحرفین اعم از منحرفین غدملی یا آنهائی که متجاوز به حقوق عمومی بودند، همه وهمه مصائبی را ببار آورد که ساخته ها را هم در مخاطره وبران شدن قرار داد.

بهرحال آنچه که در یکسال اخیر، ابتدا بصورت برخی اقدامات پراکنده آغاز شده وبعداً با بروز بهانه ها وستمسکهای گوناگون، شدت یافت وبهم پیوست وبصورت یک عارضه اجتماعی واخلالگری وافتشاش متجلی شد، از عوامل مختلفی نشأت گرفته بود که تا حدودی در سطور بالا بآنها اشاره گردید.

اینک بروشنی قابل لمس است که بسیاری از معماران هادرهم ریخته، ناباوریها بر سطح جامعه حاکم است، تردیدها مانع از پرداختن جدی باموور مختلف شده، مجلس ماههای شورایطی آخرین این دوره را میگذراند ونیروهای مختلف در حال آماده شدن برای شرکت فعالانه در انتخابات هستند وازطرف دیگر این باور هنوز در جامعه تثبیت نشده که واقعاً آزادی به مفهوم کلمه برای برقراری یک نظم اجرائی وقانون گذاری، در جهت سازندگی کشور وغلبه بر مشکلات، جای ویژه خود را در روند مسائل مملکتی احراز کرده است. مملکت امکانات فراوان مالی وانسانی برای مقابله با مشکلات دارد واکثریت مردم ایران از ناآرامیها ناخشنودند وازاینکه به مقدسات آنها حمله شده ومیشود، سخت مضطرب ونگران وخشمگینند. اکثریت مردم بحد کافی در چند ماه اخیر طعم تلخ ناامنی را چشیده وبا فکر وباحد اقل بافریزه دریافته اند که چه مخاطراتی مملکت را تهدید میکند ودر شرایطی غیر از این، با چه مصائبی مواجه خواهند بود. مردم، همه وهمه، چشم بدولت دوخته اند ومنتظر اقدامات کارسازی هستند که دولت

انجام/ . . .

انجام دهد و به نابسامانیها و ناامنی‌ها خاتمه بخشد . خلاصه آنکه جامعه آماده پذیرش تحول است. تحولی اساسی ، بنیادی و همه گیر که بتواند به اکثریت جامعه ایران دلگرمی بدهد ، موجودیت مملکت را حفظ کند ، آرامش را اعاده دهد و تثبیت نماید و به بهانه‌های مخالفین ، پایانی خوشایند بدهد . بنابراین زمان یک حرکت سالم ، مطمئن ، سازنده و توام با فداکاری و تدبیر فرارسیده و آنچه در رابطه با مسائل مطروحه در این گزارش بنظر میرسد که میتواند موثر باشد ، بشرح زیر مورد پیشنهاد قرار میگیرد :

الف — ایجاد یک جریان فکری متشکل و سالم و جاذب ملی که از تمامی جنبه های ملی ، مذهبی ، انقلابی و فرهنگی ایران ریشه گرفته باشد و بتواند در شرایط کنونی مملکت ، بایده لازم را از جهت دربرگرفتن گروههای مختلف ملی ، فراهم آورد و در واقع توانائی و تنوع ملی داشته باشد .

با تلاشی شدن حزب رستاخیز ملت ایران ، اگرچه ساختن تشکیلاتی شبیه به آن همان نتیجه را خواهد داشت که در این اواخر حزب مذکور داشت ، اما حقیقت این است که برای میهن پرستان و آنهائیکه میخواهند واقعاً در جهت حل مشکلات مملکتی کاری بکنند ، رجعتی وجود ندارد . سازمان یا سازمانهای سیاسی کارسازی برای کشور لازم است و هم اکنون جای آن کاملاً خالی است.[۷۱]

ب — استفاده از متفکرین جامعه شناس برای شناخت بهتر جامعه و نیازهای آن و تاثیر دادن برداشتها و نقطه نظرهای متفکرین مذکور در تصمیم گیریها و اقدامات مختلف .[۷۲]

پ — سعی در تجزیه و تفکیک عوامل و دستجات مخالف رژیم و عوامل مغرض ،

از گروههای / . . .

ازگروههای ناراضی وناخوشدل اما میهن پرست وتضعیف کلی جناحهای مخالف رژیم کشورکه ظاهرا" متحد بنظرمیرسند ، اما در باطن گرفتار انواع اختلافات وتضادها میباشند[۷۳].

ت — بکاربردن تدابیرکارسازی که بتواند معنویات واخلاقیات جامعه را ازحالت بیمارگونه وفاسد کنونی نجات دهد وفضیلت ، تقوی ، پاکدامنی ودرستکاری اندیشه راد رسطح جامعه وبویژه گروههای موثراجتماعی تثبیت نماید[۷۴].

ث — ایجاد یک سازمان متکی برافکاروایده های درست میهن پرستانه ، برای اصلاح امورتبلیغاتی کشوروتصفیه رسانه های گروهی ازعناصر ناباب ومغرض ومنحرف . ازجهت آنکه بتواند خدمات دولت رابطورکامل بمردم ارائه دهد . درآگاه سازی طلبی بکوشد وباجنگهای روانی مبارزه موثروقاطع بعمل آورد .

ج — هرچه زودتربه مشکلات دانشگاهها ومراکزعالی آموزشی رسیدگی وخاتمه داده شود وبهرکیفیت ممکن ، آرامش به محیط های علمی ودانشگاهی اعاده گردد . دراینمورد توجه باین نکته ضروری است که تشکل هیئتهای علمی دانشگاهها ، میرود تا یک تشکل رسمی وهمه گیرد انشجویان رابدنبال بیاورد واین موضوع ازلحاظ امنیتی خطری جدی بنظرمیرسد[۷۵].

چ — درمواردی که کارگران موسسات مختلف دولتی یا خصوصی ویا کارکنان دولت وبانکها ، خواستهائی دارند ، این خواستها سریعا" مورد رسیدگی قرارگیرد و آنچه که عملی وقانونی است فورا" اجابت گردد وآنچه که غیرمعقول است ، بآنها توجه داده شود وبهانه ووسیله تحریکات ازدست مغرضین خارج گردد وبعلاوه تدابیری برای رفع تبعیض درمورد حقوق وامتیازات کارکنان دولت درسازمانهای مختلف دولتی اتخاذ شود ، زیرا این تبعیضات سبب بدبینی شدید کارمندان است[۷۶].

ح — باتوجه/۰۰۰

ح — باتوجه باینکه ضیقه های اعتباری سبب رکود بازار بسیاری از صاحبان حرف ومشاغل آزاد شده ، به ترتیب کاملا دقیق وحساب شده ای ، این ضیقه ها ازمیان برداشته شود ، تارفاه پولی د ربازار ، بتواند علاوه برفع نارضائی بازاریان د رامرضیقه پولی ، آنها رابیش ازپیش سرگرم فعالیت اقتصادی کند تاد نباله روی ازجنجالهای بی شرسیاسی .[۷۷]

خ — تنگناهای قابل پیش بینی ازجهت مایحتاج اصلی مردم ، ازهم اکنون برطرف شود تاد رآینده مشکلات ناشی ازاین تنگناها ، مزید برعلت نگردد .

د — توجه سریع به مسئله کشاورزی واتخاذ تدابیری د راین زمینه ، به ترتیبی که بتواند مملکت راازاین جهت هرچه کمتراز وابستگی بواردات کردن محصولات کشاورزی بیگانه رهاکند وبه مشکلات روستاهای کشورخاتمه دهد .[۷۸]

ذ — اتخاذ تدابیری کارسازبرای جلوگیری ازتورم وافزایش بی رویه قیمتها ، بویژه قیمت کالاها وخدمات مورد نیازعمومی .[۷۹]

ر — اگرچه تدابیری که د رمورد کاهش دادن بهای مسکن بکارفته ، تاحدودی کارسازبوده ، معهذا مشکل مسکن هنوزازجمله مشکلات اساسی جامعه بشمارمیرود . میتوان صاحبان صنایع وکارخانه داران بزرگ راواداربه ساختن خانه برای کارگران وکارکنان خود کرد وباتخصیص اعتبارجهت شرکتهای تعاونی مسکن واحدهای مختلف دولتی ، د رورفع مشکل مسکن ، گامهای اساسی برداشت .

ز — هرچه زودتربه مشکلات زندگی ومالی پرسنل نیروهای نظامی وانتظامی توجه گردد . نارضائی ، خستگی ویاس د رپرسنل نیروهای انتظامی ، آینده نگران کننده هایرا بنظرمی آورد .

ژ — اگرچه/ ...

ژ — اگرچه مبارزه با فساد ، دزدی ، کم کاری ، تبعیض و سایر ناهنجاریهای موجود در دستگاههای اجرائی ، آغاز شده ، اما روند بسیار کند و مایوس کننده ای دارد . این کار باید با سرعت ، دقت ، سخت گیری و بدون ملاحظه آغاز و استمرار یابد ، تا مردم بپذیرند که واقعاً روند اوضاع ، در جهت بهبود است.

س — بی تردید اکثر مراجع مذهبی در ایران با خمینی و اقدامات و افکار او مخالفند . اما واقعیت این است که مرعوب او و عواملش میباشند و بعلاوه پراکنده ، از یکدیگر و ترس از همدیگر ، ناگزیرند حتی با او هم جهتی هائی هم داشته باشند . باید آنها را بطرق مختلف تقویت کرد و با متشکل ساختن آنان ، بتدریج نیرو [illegible] رقبال خمینی بوجود آورد .[۸۰]

ش — در دادن امتیاز به مخالفین دولت باید با حوصله ، بردباری و بدور از هرگونه تعجیل و شتابزدگی ، اقدام کرد . باید توجه داشت که توجه بیش از حد به مخالفین و اجابت درخواستهای آنها ، آنهم بطور یکطرفه و بدون گرفتن امتیازات خاصی ، نه تنها آنها را به جهت موافقت با حکومت تغییر موضع نمیدهد ، بلکه جبراً آنها را قویتر میکند و بعلاوه زیان عمده تری که دارد ، آنست که موافقین را ناراضی ، مایوس ، مرعوب و از دست خارج میسازد .[۸۱]

ص — باید با کسانی که برخلاف قانون عمل میکنند ، شدیداً و برابر موازین قانونی عمل کرد . این افراد و کسانیکه اخلالگر ، محرک و ضد رژیم هستند و فعالیت میکنند ، شدیداً تنبیه و سرکوب گردند . عدم سرکوبی این عده ، سبب تجری آنها و دست زدن به اقدامات وسیعتر میگردد .[۸۲]

ض — آزاد کردن زندانیان محکوم ضد امنیتی با سرعت و بدون در نظر گرفتن مصالح سیاسی ، مشکلی را بر مشکلات قبلی می افزاید ، بدون اینکه سبب انصراف آنان از افکار

و اعمال / . . .

واعمال ضد امنیتی شود . آزاد کردن اینگونه زندانیان صرفاً "باید در رابطه با مصالح عالی سیاسی مملکت ودر قبال امتیازات مهمی باشد .

ط — همه اقدامات دولت، الزاماً" باید از موضع قدرت، نه از موضع ضعف ودر جهت مصالح ملی ومملکتی صورت گیرد . اقدامات به گونه‌ای نباشد که جنبه باج‌دهی در قبال اعمال فشار مخالفین را بخود بگیرد وعناصر مخالف هر اقدام دولت را بحساب کارها وفعالیتهای خود بگذارند . در این قبیل امور باید روانشناسی مردم ایران راکه مجذوب قدرت صالح وسالم میشوند ، مورد توجه دقیق قرار داد .

ی) موارد بالا باید اصول فداکاری ، ازخودگذشتگی ، صداقت، شجاعت، فضیلت ، تقوی و عشق خدمت بمردم ومیهن را اضافه نمود . باشد تا جامعه ایرانی به آرمانهای مقدس خود برسد .

بخش دوم :

پاورقی ها

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

پروردگارا ما را از تحلیل‌های ساواک و وسوسه‌های شیطانی بدور دار

۱ــ ساواک و عناصر رژیم در منطقشان هرگونه حرکت اصیل مردم را "ناآرامی، تشنج و اخلالگری" عنوان می‌کنند و مخالف امنیت ملی. و منظورشان از امنیت همان امنیت برای شاه و دارودسته‌اش می‌باشد. و بهتر است بگوئیم "سازمان امنیت برای شاه". و نه امنیتی که در آن تکامل و حرکت باشد. و دیدیم که بعضی از مبارزین ساده‌اندیش هم بسیج مقدس مردم را باکلماتی نظیر شورش، حرکت خود بخودی و بی‌رویه و یا ویتنام شدن ایران قلمداد می‌کردند.

۲ــ ساواک درمنطقش حرکت‌های اصیل رامخرب خوانده ومنظورش از میهن پرستان همان عوامل ساواک و فاشیتهای رژیم می‌باشد.

۳ــ منطق ساواک این است که انقلاب را القائی و ناشی از شرط خارج دانسته و از این مسئله غافل است که مبنا یعنی شرایط ذهنی و عینی در مردم وجود دارد ولی جرأت ابراز آنرا ندارند.

۴ــ درمنطق ساواک ازآنجا که به‌خود اصالت می‌دهد نیروی واقعی خلق را به‌هیچ شمرده و علت ضربات متعدد را در نومیدی، دست پاچگی و

کم بها دادن به‌امکانات موجود می‌داند. خود را "مبنا" و خلق را "شرط" و تابع خود می‌داند. علت ضربه خوردن باطل درطول تاریخ همین ایده‌آلیسم و باطل محوری است که تا آخرین لحظه حاضر نیست اصالت را از خود نفی نموده و خلق را برسمیت بشناسد.

۵ـ این امر نشان می‌دهد که فاشیتهای ساواک معتقد بوده‌اند که از ابتدای شروع حرکت می‌بایستی با حکومت نظامی جلوی آنرا گرفت تا از کنترل خارج نشده و ثبات ساواک در اندیشه‌ها و هم‌چنین ثبات عینی آن ضربه نخورد و مردم جسارت و گستاخی پیدا ننمایند. و نشان می‌دهد که ساواک ازکوچکترین حرکتی وحشت داشته است. و بار دیگر استراتژی‌پلیس سیاسی دائر بر "سرکوب درنطفه" مشخص می‌شود. نگاهی مختصر "به‌قانون مقدمین علیه‌امنیت‌کشور" نشان می‌دهدکه وقتی سه‌نفرباهم‌کتاب‌می‌خوانند آنرا مقدمهٔ یک حزب دانسته و در نطفه سرکوب می‌کنند. در صورتیکه علی (ع) تا وقتی‌که دشمن توطئه نمی‌نمود وجنگ را شروع نمی‌کرد به‌سرکوب آن نمی‌پرداخت.

۶ـ ساواک در حرکت مردم سه‌ویژگی می‌دیده است بشرح زیر: اول: استمرار در حرکت و پیگیری آن که همین امر ساواک را عاجزکرده بود و فرصت جمعبندی به‌آن نمی‌داده است. دوم: گستاخی در شعار، که استراتژی ساواک از بدو تأسیس براین بوده که کسی شعار گستاخ ندهد. چرا که می‌داند شعار گستاخ (نظیر مرگ برشاه) زمینهٔ داخلی در باطن مردم دارد و مردم را بسیج می‌کند و لذا مایل بود که به‌همه ارگانها انتقاد بشود جزشخص شاه وکینه‌ها را متوجه او ننماید. سوم: مقابله با مأمورین‌انتظامی است که بعد از ۱۵ خرداد حرکت قم و قیام تبریز بی‌سابقه بوده و خوب می‌داندکه‌اگر مردم بی‌اسلحه جسارت مقابله پیدا کنند کارش ساخته است. البته از سال ۵۰ به‌بعد حملات مسلحانه بصورت جنگ و گریز وجود داشته است که ثبات ساواک را لرزان نموده بود.

۷ــ ساواک ازافراد مسئول وغیرمسئولی‌که سعی‌شان‌براعادهٔ‌آرامش بوده نگران بوده است و بلکه معتقد بوده که بایستی با شدت جلوی‌حرکات ایستاد. و هیچگونه امتیازی نداد و حرکت بعضی از جناح‌های رژیم نظیر امینی ــ شریف‌امامی ــ بنی احمد را بنفع حرکت مردم می‌داند. واین‌است منطق و جوهر ضد خلقی ساواک.

۸ــ منطق ساواک در تأیید حکومت نظامی یک وجهاش این بوده تا مسائل را از شدت وحِدّت ظاهری آن انداخته و با فرصت کافی به بررسی ریشه‌ای و سیاسی آن بپردازد که به‌خطرناکترین طرحهای ضد انقلابی هم می‌رسد و آن عبارت است از طرح و تشدید حمایت از رفرمیسم در برابر انقلاب (به‌پیشنهادهای آخر تحلیل مراجعه شود) این است منطق پلیس سیاسی وابسته به‌امپریالیسم.

۹ــ این امرنشان می‌دهدکه ساواک تحلیل‌گران زبده‌ای‌داشته‌است ولی در جهت باطل و باید مواظب بود که این تحلیل‌گران موجب فریب مسئولین امری که قدرت تحلیلی ندارند نشود. امروزه این خطر وجود دارد که علیرغم متلاشی شدن سازماندهی‌ظاهری ساواک، افراد، منطق و شیوه‌هایش‌که هنوز ازبین نرفته ممکن است‌گریبانگیرمان بشود. و این‌منطق ساواک را دو مرتبه تحقق یافته ببینیم که رژیم‌ها عوض می‌شوند ولی پلیس همچنان ثابت است. و به‌خدمت رژیم‌های جدید نیز گرفته می‌شود.

۱۰ــ پلیس سیاسی ایران که به‌تجربیات انگلیس مسلح بود چه در دوران حکومت دکتر مصدق و چه در فرمانداری نظامی و بعدا" در ساواک، حزب، توده را بیش‌از اندازهٔ واقعی خود بزرگ می‌نمودند و کلیهٔ حرکات ملی و مذهبی مردم را به‌حزب توده منتسب نموده و حزب توده را هم‌عامل شوروی، ضد خدا و ضد مذهب و ضد ملیت. تا با این کار بتوانند آمریکا و غرب ولیبرالها ومذهبی‌های قشری را علیه حرکت اصیل مردم بسیج نموده و تضادهای درون هیئت حاکمه را تخفیف‌دهند. هم‌چنین‌شیوه دیگرساواک

این است‌که مذهب شیعه را حامی سلطنت معرفی نماید . درصورتیکه مذهب واقعی شیعه علوی و سربداران و مشروطیت و . . . پرچمدار مبارزه باسلطنت موروثی بودند بطوریکه آیت‌اله نائینی در صدرمشروطیت گفته بودند :گرچه سلطنت موروثی با اصول اسلام مغایر است ولی در این مقطع از تاریخ ، ما مشروطهٔ سلطنتیَ را دربرابر استبدادسلطنتی بطورموقتی می‌پذیریم .ایران تنهاکشوری است در دنیاکه روحانیتش مستقل از رژیم و سلطنت بوده‌است. وعلیرغم سازشکاری‌های بعضی از مراجع ، روح و جوهر شیعه موٴید سلطنت نبوده است . همچنین حوادث ۲۵ تا ۲۸ مرداد و تظاهرات عظیم مردم به رهبری دکتر فاطمی نشان می‌دهد که مردم واقعا" شاه نمی‌خواستند . قیام ملی ۱۵ خرداد وجهت‌گیری ضدسلطنتی آن برهبری امام خمینی هم چنین محاکمه آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان و سران نهضت بجرم نیت، ضد سلطنتی وحرکت گروههای مذهبی بعد از ۱۵ خردادکه نفی سلطنت‌رامطرح می‌کردند ، انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی همه نشان می‌دهد که روح و جوهر شیعه با سلطنت مخالف بوده است .

۱۱ــ شیوه باطل وبخصوص ساواک دراین است که تاریخ رابراساس ضربه‌هایی‌که حق ازباطل خورده وساواک آنرا شکست می‌نامد تبیین‌می‌نماید وهم‌چنین براساس اصالت رژیم شاهنشاهی درایران . و میهن پرستان را همان شاه‌پرستان می‌داند . اینها می‌گویند که ایران تا بحال چندین‌مذهب عوض کرده و حتی چندین قوم برآن حاکمیت پیدا کرده ولی باز این رژیم شاهنشاهی بودکه آنها را کنار زد . می‌گویند حملهٔ اسلام به‌ایران به‌شکست منجر شد . می‌گویند نهضت شیعه علوی بدست شاه عباس شکست خورد و همچنین نهضت‌سربداران شکست‌خورد وسلطنت حاکم شدهمچنین مشروطیت شکست خورده و دست انگلیس و دربار افتاد . میرزا کوچک بدست رضا شاه شکست خورد نهضت خیابانی‌شکست خورد مصدق شکست خورد . خمینی در ۱۵ خرداد شکست خورد و . . . به‌این طریق می‌خواهند جناح های هیئت

حاکمه و شاهپرستان را دلداری داده و بگویند این بار هم مردم شکست می‌خورند. درمنطق توحید ما اصلا" شکست نداریم وآنچه هست ضربه‌است و ابتلاء و تازیانه تکامل‌که درهرمرحله‌ای از رشد جدیدی برخوردارخواهیم شد. چنانکه کودتای ۲۸ مرداد موجب شدکه رابطهٔ مردم وسلطنت‌قهرآمیز گردد،وقیام ملی ۱۵خرداد باعث شدکه‌گروهها به‌جمعبندی‌مبارزهٔ مسلحانه‌رسیدند وتضاد خلق و رژیم‌آنتاگونیستی شد ومی‌بینیم که در هرضربه‌ای رشدی‌برای مردم وجود داشته است وما باید از این ببعد هرضربه‌ای را شکست ندانسته و رشد را در آن پیدا کنیم. این است شیوهٔ موءمن.

۱۲ــ منطق ساواک در این است که عملیات انقلابی و مسلحانه و اعدام‌های‌انقلابی را "تروریسم" نامیده و حتی افشاگری‌ها را "تروریسم تبلیغاتی". علاوه براینها نشان می‌دهد که نقش تبلیغاتی مردم در داخل و خارج و بی‌اعتبار کردن رژیم سلطنتی در اذهان، در واژگونی رژیم‌بسیار موءثر بوده‌است. در ضمن گروههای مسلحانه، بعد از قیام ۱۵ خرداد و محکومیت سران نهضت آزادی شکل گرفتند که می‌توانیم گروه موءتلفه را در سال ۴۳ و همچنین حزب اسلامی ملل را نام ببریم که در سال ۴۴ دستگیر شدند. هم‌چنین سازمان مجاهدین خلق‌که در سال ۴۴ بنانهاده شد. یعنی اینکه قبل ازسال ۴۶ گروهها حرکت خود را شروع‌کرده‌بودند، ومی‌دانستند که اصلاحات رژیم یک پدیدهٔ امپریالیستی و به‌منظور تحکیم رژیم سلطنتی بوده است و منتظر این امر نشدند که اصلاحات شاه ثمر بدهد.

۱۳ــ ساواک بطور تجربی رابطهٔ عملیات داخل و تبلیغات خارج را درک‌کرده بود وسعی می‌داشت‌که حرکتهای داخل را بخواباند تابه‌اعتبار آن تبلیغات خارج هم‌متوقف‌گردد. دراینجا شیوهٔ ضدخلقی پلیس سیاسی دقیقا" نشان داده شده است و معتقد است که اگر نمایندگان صلیب‌سرخ به زندانها نمی‌رفتند مردم‌جرأت دادن شعارهای بالاتر نظیر "آزادی"راپیدا نمی‌کردند (مایل به‌دادن کوچکترین امتیازی نبوده است) حقیقتی را که

ساواک‌نمی‌تواند منکرشود ،نقش مقاومت‌های زندانیان وشکنجه‌هاوشهادتهای زیر شکنجه و اعدام‌ها در رشد و اوج‌گیری حرکت انقلابی توده‌ها می‌باشد.

۱۴ــ ساواک‌علیرغم اینکه حداکثرکوشش خود راصرف‌متلاشی‌کردن سازمانهای مشی‌مسلحانه کرده بود و علیرغم ضربه‌هایی که در سال ۵۴و۵۵ به‌این سازمانها وارد آورد ، ولی به‌هیچ وجه متلاشی نشدند وبکارخوددادامه می‌دادند و علاوه براینها هزاران گروه خود جوش ناشناخته و انقلاب آشنا بوجود آمده بودند که در تحلیل ساواک به‌آنها اشاره‌ای نشده است .

۱۵ــ سازمانهای غیرمسلحانه در داخل ایران ، حمایت آشکار از جنبش مسلحانه نمی‌کردند ولی افراد نهضت آزادی (بغیر از مهندس‌وچند نفر دیگر) همکاری مخفی داشتند (کمک مالی ، کمک اطلاعاتی ، تبلیغاتی، معرفی عضو ، پشت جبهه ، زندان وتحمل شکنجه) ونشریات داخلی سازمان دراختیار پدر طالقانی قرارمی‌گرفت . افراد نهضت‌مبارزهٔ مسلحانه‌را قبول داشتند ولی اعلام نمی‌کردند . حتی آقایان صالح و امیر علائی از جبههٔ ملی ، مبارزه مسلحانه را از نظر تبلیغاتی تأیید می‌کردند . فتوای آیت‌الله خمینی دائر برحمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی بود ولی این فتوا موجب می‌شد که نمایندگان آقا و طرفداران ایشان کمک‌هایی بنمایند . که موجب تقویت مجاهدین وهم‌چنین مقاومت زندانیان وکلا " جنبش‌مسلحانه بود . سکوت مترقی مردم در دوران خفقان دال برنارضایتی از سیستم بود . و مایل نبودند که با طرح بعضی از نارسائی‌ها خود را مشغول کنند .

۱۶ــ اعدام‌ها و ضربه‌هایی که توسط انقلابیون جنبش مسلحانه برپلیس و رجال رژیم زده‌شد ، تورپلیسی وثبات رژیم را دراذهان‌می‌شکست و موجب بسیج و تشکل گروههای جدید می‌شد . و این تنها یکی از وجوه دستآوردهای جنبش مسلحانه بودکه ساواک قادرنیست به‌عمق آن پی‌ببرد.

۱۷ــ پلیس سیاسی و ضد خلقی ساواک تحولات و جناح‌بندی‌های دموکراتها را هم بررسی می‌کرده و ضمنا " نشان می‌دهد کسانی که در ایران

در کادر قانون اساسی فعالیت می‌کردند و یا کسانی که دموکراسی سلطنتی را در مقابل دیکتاتوری سلطنتی عنوان کردند و کسانی که می‌گفتند " فقط شاه برود " ولی بقایای سلطنت‌که همان پایگاههای امپریالیسم باشد ،بماند. همه به‌نحوی آگاهانه یا ناآگاهانه در خط یکی از جناح های حزب دمکرات امریکا بوده‌اند . و خط امریکا این بوده که یک نیرویی روی کار آید که با پایگاههای امپریالیسم ، یعنی سرمایه‌داری وابسته ، فئودالیزم ، بوروکراسی، ساواک وارتش و . . . کاری نداشته باشد، و از همه مهمتر چنین خطی بتواند که انقلاب برانداز خلق ایران وجنبش مسلحانه را محو کند .. دکتر یزدی‌در یکی ازنوارهایش در خارج از کشور جمله‌ای به‌این مضمون گفته بودکه "امریکا حتی از یک گروه مسلحانه ولو کوچک در منطقه خاورمیانه وحشت دارد " . امام در اعلامیهٔ معروف ۶ ماده‌ای خود پس از قیام ۱۷ شهریور فرمودند "کسانی‌که معتقدند شاه برود و رژیم سلطنتی بماند دراشتباهند وماخواهان نفی رژیم سلطنتی با تمام وجوه آن هستیم " . فاشیستهای شکنجه‌گر ساواک قادر به‌درک منافع درازمدت سرمایه داری مسلط جهانی نبودند و بیشتر می‌خواستند با شکنجه وفشار وگسترش تورپلیسی با جنبش برانداز ومسلحانه مبارزه کنند و به‌همین لحاظ جناح فاشیست دموکرات به‌رهبری سپهبد مقدم برسرکارآمد تا بتواند خط برژینسکی را پیاده‌کند وحتی‌مقدم به‌دکترسنجابی گفته بود : "من هم مثل شما موافق رفتن شاه هستم ولی خجالت می‌کشم به او بگویم " . و از سنجابی خواهش کرده بود که چنین حرفی را به‌شاه‌بزند .

خط امریکا دربختیار پیاده‌شد وپس ازانقلاب آقای‌مهندس‌بازرگان هم دست به‌پایگاههای‌امپریالیسم نزدند .ضمنا " باتوجه‌به‌مشهودات‌خودمان ومستقل ازگزارش ساواک ، باید گفت بعضی نیروها از آنجائیکه بتوده‌هاتکیه ندارند ، منتظر شرایط مساعد در خارج از کشورند ، تا فعالیت فصلی خودرا شروع کنند . در صورتیکه دکتر مصدق با تکیه به‌مردم و ارتباط مستقیم با توده‌ها توانست ازتضادهای خارجی هم استفاده بکند و قربانی عدم‌سازش

با امریکا و انگلیس و تز استقلال کامل سیاسی اقتصادی ایران شد .

یکی از ویژگیهای خط امریکا این بودکه رفتن‌شاه یک‌عمل ضدبسیج باشد و مردم در موضع ضعف باشند و نه‌اینکه از موضع بسیج و قدرت مردم، شاه برود که طبعا" با مردم بسیج شده و انقلابی نمی‌توانست کنار بیاید .

۱۸ــ ساواک درتحلیل خود برای عناصر رژیم و درتبلیغاتش‌برای مردم سعی دارد که شاه را از وابستگی و نوکر صفتی به‌امپریالیسم وبخصوص جناح نفتی وطرفدار دیکتاتورها تبرئه نموده وازطرف دیگرجناح‌های‌مختلف جبههٔ ملی را نوکر و وابسته به‌جناحهای دموکرات بنماید . در صورتیکه در نوکر صفتی ومزدوری شاه‌کسی شک نداشته و ترس ساواک از افشای این‌مسئله تجزیهٔ جناحهای مختلف رژیم است . و در مورد رهبران جبههٔ ملی باید گفت که هیچکدام مزدور نبودند ، منتها بعلت عدم تکیه به‌توده‌های‌بالنده و عدم استمرار در مبارزهٔ و نداشتن بینش مکتبی و انقلابی و در نتیجه نشناختن امپریالیسم و پایگاههایش و با نیت استفاده از تضادهای خارجی بنفع مردم ، بدام تضادهای خارجی می‌افتند . که در این رابطه خصلتهای افرادی چون بختیار موجب می‌شودکه درخط امپریالیسم قرارگرفته وبه‌موضع گیری آشکار با خلق بپردازد . یکی ازشیوه‌های‌ساواک برای وحدت بخشیدن به‌جناح های رژیم و مأیوس‌کردن مردم این بود که اختلافات و نقاط ضعف نیروهای مخالف را بزرگ می‌کنند . در حالی که بعضی از افراد رژیم برای گرفتن پست اداری ، زن خود را هم حاضر بودند پیشکش کنند و تا این‌حد جاه‌طلب هستند . شیوه پلیس سیاسی و باطل این است که حقانیت خود را از راه نشان دادن اختلافات نیروهای مخالف نشان می‌دهد .

۱۹ــ رشد مبارزات خلق ایران موجب شده بود که تضادهای‌درون رژیم تشدید گشته و یک جناح لیبرال در دل رژیم بوجود آید که اگرخفقان و شکنجه و دیکتاتوری ادامه می‌یافت این جناح جذب جنبش رادیکال خلق می‌شدند . که برای رژیم و امپریالیسم بسیار خطرناک بود . در این رابطه

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران تأسیس ۱۳۷۴

بود که جناح هوشنگ انصاری در حزب رستاخیز به‌لیبرال‌نمائی پرداخت تا اینکه جناح لیبرال رژیم جذب حرکت خلق نشوند. وجود این جریان در داخل و خط برژینسکی از خارج و فشار به‌شاه موجب شد که فضای بازسیاسی اعلام گردد وطرح حکومت فاشیست دموکرات ریخته شد که ظاهری دموکرات داشته باشد ولی ماهیتاً" فاشیست باشد. ارتش، ساواک، قرار داد نفت، سرمایه‌داری وابسته وفئودالیزم وادارات و ... دست نخورده باقی بماند. اگر که وضع شاه در داخل خوب بود و جناح‌های رژیم‌اش یکدست بودند، می‌توانست دربرابر خط برژینسکی بیشتر ازاینها مقاومت کند. مقدار زیادی هم در امریکا پول خرج نمود تا کارتر رئیس جمهور نشود که معلوم نشد بعد از انقلاب برسراین اسناد سفارت ایران در امریکا چه آمد!!

۲۰ــ معلوم نیست چرا به‌فعالیت‌های نهضت آزادی اشاره‌ای‌نشده است.

۲۱ــ رشد حرکت مردم موجب شد که نیروهای بینابینی و حتی مخالف امام خمینی از ترس انزوا بحرکت بپیوندند.

۲۲ــ دراین‌شعارانحرافی‌بجای‌جهت‌گیری‌علیه‌سلطنت‌وامپریالیسم، جهت‌گیری علیه بهائیت شده بود. جنبهٔ ضد بهائیت این شعار قویتر از ضد سرمایه‌داری آن بود و موجب می‌شد که شاه پایگاه بیشتری دربین افراد بیابد، بهائی پیدا کند.

۲۳ــ بطوریکه روزنامه‌اطلاعات چندروز بعداز درج‌این مقاله‌نوشت، این مقاله‌مربوط به‌داریوش‌همایون‌وزیراطلاعات‌وقت‌بود. داریوش‌همایون یکی ازافرادوابسته خط امریکا درایران به‌شمار می‌رفت و چنین استنباط می‌شودکه "موهین بدون دلیل" موجب محبوبیت هرچه بیشتر آیت اله خمینی‌وبسیج مردم می‌گردد. وهمینطورکه ساواک، درتحلیل خودگفته "این مقاله‌یک اقدام تبلیغاتی تجریدی بوده و می‌توانست تحریک آمیز باشد". آنچه استنباط می‌شود این مقاله حساب شده بوده و منظور داریوش همایون و خط امریکا

این بوده که توده‌های مذهبی و مراجع مذهبی غیرانقلابی تحریک شده وبه حرکت علیه دیکتاتوری و جناح‌های فاشیست ارتش وساواک و دیکتاتوری شاه وکمپرادور دولتی و سلطنتی کشیده شدند. داریوش همایون این‌طورمحاسبه کرده بودکه آنچه مراجع و رهبران ونیروهای مخالف، اعم از نهضت‌وحبهه می‌خواهند، چیزی بالاتر از قانون اساسی نمی‌باشد. حتی تصویری که داریوش همایون تا آنزمان ازمواضع رسمی واعلام شده آیت‌الله‌خمینی داشت مبارزه در کادر قانون اساسی بود. البته امام خمینی در سال ۴۶ در کتاب ولایت فقیه شکل حکومتی موردنظر خود را اعلام داشته بودند. ولی ازطرف رژیم جدی‌گرفته نشدکه بموجب آن، نظام شاهنشاهی مورد قبول نبود ولی تاآنزمان درهیچ‌کجا رسما" به "نفی نظام شاهنشاهی" اشاره نشده بود. وکتاب حکومت اسلامی را درحد یک سخنرانی و رساله تحقیقی می‌انگاشتند. پس نقشه امریکا این بود که ملت برای اجرای قانون اساسی بسیج شود واین چیزی است‌که در کادر منافع امریکا ومنافع دراز مدت سرمایه‌داری خصوصی وابسته ایران بود.

خط جدید امریکا می‌خواست از نیروهای مخالف که سوابق مبارزه انقلابی ومستمر نداشتند و دارای ساده اندیشی‌هایی بودند، استفاده‌کرده و موانع راه خودش را از میان بردارد و برای سرمایه‌گذاری‌های دراز مدت و قراردادهای نفت و قرار دادهای نظامی و ... تضمینی قانونی و ملی با پشتوانه مذهبی داشته باشد. خدای خلق مستضعف ایران نخواست‌که‌چنین شود. وبعلت حالت‌و رشدانقلاب خلق ما وشعار "شاه باید برود" امام‌خمینی و سپس شعار "نفی نظام سلطنتی" قضیه معکوس شده و این حرکت قهرآمیز وانقلابی خلق بودکه ازتضاد جناح‌های رژیم ویا ازتضاد فاشیست دموکراتها و فاشیستها بنفع انقلاب استفاده کرده و کار بجائی کشید که دیدیم. آری این‌است شیوه باطل‌که همیشه‌می‌خواهد ازخون ملت‌استفاده‌کرده‌تاتضادهای درونی خود را حل کند. ولی از آنجا که باطل امری است رفتنی و ذهوق،

این خلق مستضعف بود که با اراده و خون خود از تضادهای درون باطل استفاده کرد و آنرا به‌خدمت کشید. البته خط امریکا هنوز نمرده وقیام‌های مستمری برای مبارزه با آن لازم است. قولوا "مرگ برشاه" تفلحوا.

۲۴ــ رژیم حزب رستاخیز راتشکیل داد تابتواندمشکلات‌عدیده‌اش را حل‌کند. ولی خود حزب یک بار جدید بوروکراسی شد که بعدهاکمیسیون شاهنشاهی را تشکیل دادند تا بین دولت و حزب و سایر ارگانها هماهنگی کند وخود عناصر آینده‌نگر رژیم به‌این نتیجه رسیده بودند که حزب‌کارآئی نداشته وباید منحل شودکه بعدها شعار رفرمیستهای‌مذهبی ومبارزین‌قانونی شد. ساواک در تحلیل خود شاه را تبرئه کرده و اشکالات را بگردن حزب رستاخیز می‌اندازد.

۲۵ــ نتایجی که بدست می‌آید عبارتند از: ۱ــ عشق شدیدطلاب جوان به‌امام خمینی ۲ــ عقب بودن مراجع قم از حرکت توده مردم واینکه اصرار توده بالاخره روحانیت قم را بعلت شکل مترقی اعلام شده‌اش (پس ازسالها سکوت وسکون ونظاره‌کردن اعدام‌ها وشکنجه‌ها) بحرکت درمی‌آورد (توده زدگی). در مراحل بعد، روحانیت قم سعی می‌کند که رهبری‌حرکت را تصاحب و آنرا درقالب رفرمیسم مذهبی بیاندازد وآنرا کنترل کند. ولی توده انقلابی کار خودش را می‌کند. و بدون توجه به‌بازیهای سیاسی، وقتی حرکت شروع می‌شود. هدفهای جنبش مسلحانه را دنبال کرده و با برخورد قهرآمیز به‌درگیری با پلیس می‌پردازد که چند نفر شهید شده و مبداء موجی برای قیام قهرمانه وقهرآمیز ومسلحانه تبریز می‌گردد ۳ــ تضاد ایدئولوژی بین مراجع بطوری عمیق بوده که حتی منافع صنفی روحانیت زیرپا گذاشته می‌شود. ۴ــ خط ساواک در این است که همهٔ تحریکات را به‌جبههٔ ملی منتسب نموده وجبههٔ ملی را هم به‌یکی از جناح‌های حزب دموکرات‌آمریکا منتسب نماید و این‌طور برای عناصر رژیم و مردم وانمود کندکه همهٔ حرکت مردم تحریکات خارجی است.اگربواقعیت امربنگریم می‌بینیم که هیچ‌نیروئی

به‌اندازهٔ نیروی طلاب جوان خط امام ، محرک مراجع قم نبودند . آنها بودند که بعد از قیام ۱۵ خرداد حرکت می‌کردند و به‌پادگانها روانه می‌شدند ، سالگرد ۱۵ خرداد راه می‌انداختند و . . .

ساواک وهم چنین بی بی سی سعی داشتند که جبههٔ ملی را بیش از آنچه که واقعیت دارد نمایش دهند. شیوه ساواک در ارزیابی نیروها معمولا "این است که بیشتر به‌سازماندهی اصالت می‌دهد وسعی او بر متلاشی کردن سازمانها است. بدون آنکه به‌ایدئولوژی و استراتژی آن گروه توجه داشته باشد. و از آنجاکه بین نیروهای مخالف علنی جبههٔ ملی از تشکیلات نسبی برخوردار بود همهٔ حرکات را به‌آنها نسبت می‌دهد . البته سازمانهای جاسوسی مانند سیا ، انتلیجنت‌سرویس ، روی ایدئولوژی سازمانها هم مطالعات زیادی می‌کنند وعلاوه بر نفوذ و متلاشی کردن سازماندهی ، سعی در تخریب ایدئولوژیک و بوجود آوردن انحرافات ایدئولوژیک نیز دارند .

۲۶ــ شیوه ساواک و اصولا " باطل در این است که همیشه قیام‌های مردم را "تحریک" می‌نامد و ریشه فلسفی آن همانا اصالت دادن به شرط خارج وهمان حرکت عرض ارسطوئی است . همچنین حرکات مردم را "اغتشاش و بلوا و اخلالگری" می‌نامد و هیچگاه قادر به‌درک حرکت خودجوش و ذاتی جوهری وجهش و قیام نمی‌باشد . بعضی از عناصر رژیم اعلام کردند که قیام تبریز به‌تحریک عناصر خارجی می‌باشد و نام فلسطین ، شوروی و عراق برده می‌شد که شیوه‌ای است آشکارا متافیزیکی و باطل .

۲۷ــ جنبش مسلحانه ، افسانه ضربه ناپذیری دشمن را در اذهان مردم بوسیله اعدام‌های انقلابی و درگیری‌ها و خلع سلاح‌ها ، از بین برده بود وقیام تبریز جهش بعد از تغییرات تدریجی طی هشت سال گذشته بود.

۲۸ــ ساواک در اینجا روحانیت رانماینده مذهب ودولت رانماینده سیاست دانسته و می‌گوید روحانیت در برابر دولت قرار گرفت . درحقیقت روحانیت مبارز از سال ۴۱ مقابل رژیم قرار گرفت . منظور ساواک مراجع نم

می‌باشدکه مدتها سکوت اختیارکرده بودند. همچنین مذهب جدا از روحانیت نیز از طریق نهضت آزادی و گروه موءتلفه، حزب اسلامی ملل، سازمان مجاهدین خلق و حرکت دکتر شریعتی و ... بطور مستمر با رژیم مبارزه می‌کرده است.

۲۹ـ حزب توده دارای خط معین و خاصی بود که قیام قهرآمیز تبریز اصلا" در کادر آن نمی‌گنجید. طرفداران خط مشی جزنی هم شرایط ذهنی و عینی را برای انقلاب آماده نمی‌دیدند. و قیام تبریز در کادر خط مشی آنها هم نمی‌گنجید. این تنها مجاهدین بودند که در خط مشی خود قبل از سال ۵۰ به‌قیام شهری برای شکستن ثبات رژیم اشاره کرده بودند. و شهر را یک مرحلهٔ کامل استراتژیک می‌دانستند.

۳۰ـ ساواک هنوز نیاز اصیل و طبیعی مردم به‌نفی نظام و ضربه‌به منافع کمپرادور را در حد "نارسائیها و نارضایتی‌ها" می‌پندارند "الذین کذبوا بآیات‌الله سنستدرجهم من‌حیث لایعلمون" باطل ازجائی‌که‌نمی‌داند و نمی‌تواند بداند ضربه می‌خورد (قرآن کریم).

۳۱ـ ناراحتی ساواک در این است که عناصر رژیم از این شیوه متافیزیکی (منتسب‌کردن قیام‌های مردم به‌عامل خارجی) ناشیانه استفاده کرده است. ساواک در تحلیلش برای جناح های رژیم و مردم خیلی زیرکانه و رندانه دست عوامل خارجی را به‌شرح زیر نشان می‌دهد که: جناحی از دموکراتهای آمریکائی، بخش جبههٔ ملی در خارج را تحریک کرده وجبههٔ ملی خارج، جبههٔ ملی داخل را و جبههٔ ملی داخل، آیت‌الله‌سیدصادق روحانی را تحریک‌کرده و آیت‌الله روحانی، آیت‌الله شریعتمداری‌راتحریک نموده وآیت الله شریعتمداری هم تبریز را تحریک کرده و در اینجا نقش توده‌های مستضعفی‌که زیرفشار مستقیم وملموس ساواک، اطاق اصناف و سایر سنگرهای نظام سلطنتی وسیستم سرمایه‌داری وابسته‌بودند وجلوتر از مراجع مذهبی و رهبران سیاسی حرکت‌می‌کردند، فراموش می‌نماید. ساواک‌ودولت

هردو در اصالت دادن به‌شرایط خارجی شریکند. ولی دولت ناشیانه‌ازاین شیوه استفاده کرد و موجب انگیزش بیشتر مردم شد. و ساواک طوری از این شیوه استفاده می‌کند که حتی بعضی از روشنفکران هم بپذیرند.

این است پلیس سیاسی وابسته به‌امپریالیسم

۳۲ـ آیت الله شریعتمداری قبل از انقلاب، عملی برخلاف مصالح رژیم انجام نمی‌دادند. اما نشان می‌دهد که ۵ اصل عنوان شده ایشان با جناح فاشیست و شکنجه‌گر ساواک و ارتش در تضاد بوده و ساواک درتحلیل خود خاطر نشان می‌کند که آیت الله شریعتمداری مدتی است بطور موقت جانب مصالح مملکت را رها کرده است (تضاد رژیم و بخش خصوصی).

۳۳ـ هدفهای اعلام شدهٔ اعتصاب غذای ۲۹ روزهٔ زندان قصر و متعاقب آن در زندانهای دیگر عبارت بودند از: ۱ـ افشای ماهیت‌فضای باصطلاح باز سیاسی یا جیمی کراسی ۲ـ افشای ماهیت فاشیست دموکرات رژیم ۳ـ نشان دادن این مسئله که رژیمی که از دادن رادیو و ملاقات بزندانیان ممانعت بعمل می‌آورد، چطور قادر است آزادی‌های اساسی‌بدهد. این اعتصاب غذا نه تنها به‌تحریک جبههٔ ملی، نهضت آزادی وحقوق‌بشر و ... نبود، بلکه ساده‌اندیشی این سازمانها درجریان اعتصاب‌غذا معلوم شد و چند روز از اعتصاب غذا نگذشته بود که دفتر حقوق بشر بزندان نامه نوشت‌که اعتصاب غذا متوقف‌بشود. رئیس زندان سیاسی به‌اعتصابیون‌گفت که "ضربه‌ای‌که ما از این اعتصاب خوردیم بیش‌از ضربه‌ای بود که از قیام تبریز خوردیم". در بعضی از منابر مساجد تهران در برابر جمعیت زیاد بمردم هشدار داده شده بود که رژیمی که از دادن رادیو و کتاب و ملاقات بزندانیان خود داری می‌کند، چطور ممکن است آزادی بدهد و باید دراین راه خون داد ومبارزه‌ای درازمدت کرد. زندانیان به‌سهم خود بااین توطئه فاشیست دموکرات مبارزه کردند.

۳۴ـ درهمین ایام مردم از آیت‌الله شریعتمداری در مورد مذاکره

ایشان با رژیم استفسارکرده بودند و حضرت آیت الله جواب دادندکه "من هیچ مذاکره‌ای با رژیم انجام نداده‌ام" در حالیکه نماینده ایشان یعنی آقای بنی احمد عضو رژیم بود.

۳۵ـ شیوه امام در گذشته و بعد نشان می‌دهد که برخوردشان با محیط بیشتر برخورد فعال بوده و نه منفعل. ایشان با همه مشورت می‌کنند ولی تصمیم را خودشان می‌گیرند. نهضت آزادی در داخل و خارج، امام را بحرکت و موضع گیری تشویق می‌کرد، منتها درکادر نظام شاهنشاهی. وشعار نفی نظام شاهنشاهی از القائات و مسموعات بوجود نیامد بلکه یک حرکت مکتبی وصحیح بود. ساواک هم‌این ویژگی امام را می‌داند ولی درتحلیلش برای جناح‌های رژیم خواسته است که این جناحها وحدت پیدا نمایندوامام را آلت بی‌اراده‌ای در دست کمونیستها و غیرکمونیستهای رادیکال نشان دهـد.

۳۶ـ چند روز قبل از ۱۵ خرداد حادثه کوی دانشگاه در امیرآباد پیش‌آمد ودانشجویان بادست خالی دربرابر هجوم‌کماندوهامقاومت‌کردند. همچنین امام معتقد بودند که در ۱۵ خرداد تظاهرات وسیعی بعمل آید که جبهه و نهضت در تماسی که با آقا گرفتند آنرا به "سکوت شکوهمند" تبدیل کردند.

۳۷ـ یکی از پدیده‌های خطرناک فعلی، پدیدهٔ "خمینی نمائی" در درون روحانیت و بیرون آن است کسانی که مبارزه مستمر نمی‌کردندویک روزه بیش از هرکس، خود را به‌امام نزدیک می‌پندارند..

۳۸ـ شعارهای مردم کاملا" مذهبی بود و از آنجا که رژیم مذهب را درادعا و درشکل قبول داشت، موجب تجزیه جناح های‌درون‌رژیم می‌شد. وحال‌آنکه ساواک می‌خواهد با منتسب‌کردن این‌شعارهابه‌ضدمذهب وکمونیزم‌و تجزیه طلبی، جناح‌های رژیم را وحدت بخشد. شریف امامی هم بعداز۱۷ شهریور همین‌کار راکرد وتمام حرکتهای‌مردم را به‌حزب‌توده‌منتسب‌می‌نمود.

بعد ازانقلاب اعلامیه‌های خواب‌نامه آقای قمی و همچنین اعلامیه‌های حزب توده در ضد اطلاعات ارتش کشف شده بود.

۳۹ـ رژیم در تحلیل‌های خود به‌این نتیجه رسیده بود که مبارزه یکپارچه و وسیع روحانیت باید به‌تحریک انگلیسی‌های معروف به‌مرتجع پرور برای ضربه زدن به‌نفوذ امریکا باشد و بدین لحاظ با آوردن شریف امامی فراماسون وآنگلوفیلد و آداب‌دان و نرمخوی وبا شعار "نزدیکی به‌روحانیت و اجرای کامل قانون اساسی" (با حمایتی که از جانب طرفداران انگلیس از او می‌شد و در حقیقت پیاده کردن خط امریکا توسط عناصر انگلیسی) می‌خواستند جلوی حرکت مردم و روحانیت گرفته شود. اشتباه خبری ساواک و رژیم در این بود که قادر نبودند حرکت را به‌توده‌ها و نیاز اصیل و تاریخی‌اشان یعنی "نفی‌سلطنت" منتسب کنند وامام امت با دست‌گذاشتن برروی‌این نیازاصیل وپاسخ دادن به‌فریاد دلهای مستضعفین وبسیج‌توده‌ها موجب این وحدت شده بودند. اکثر روحانیون بخاطر ترس از انزوا، حرکت مردم را در ظاهر تأیید می‌کردند. مردم فریاد می‌کشیدند: "خمینی، تو نوری از خدائی، فریادی از دلهائی، رهبر مایی" مردم امام را بطور نیازهای اصیلشان می‌دانستند. و به‌همین دلیل بود که مردم مبارزه‌خود را با سلطنت در زمان شریف امامی ادامه دادند، گرچه آیت‌الله شریعتمداری بعد از ۱۷ شهریور اعلام کردند که باید به‌رژیم شریف امامی دو ماه فرصت داد تا به‌وعده‌هایش در مورد ۵ اصل رفرمیسم عمل کند.

۵ اصل رفرمیسم عبارت بودند از: اجرای کامل قانون اساسی ـ آزادی زندانیان‌سیاسی ـ انحلال‌ساواک ـ انحلال حزب رستاخیز ـ بازگشت آیت الله خمینی.

۴۰ـ ساواک درتحلیل خودابتدا خبری نقل می‌کند که‌امام محرمانه دستورآتش سوزی وتخریب داده است و بلافاصله بعد از آن خبرسینمارکس را می‌آورد، تا جناح‌های رژیم را که در خطر تجزیه‌اند، قانع سازد که‌آتش

سوزی سینما رکس، کار طرفداران امام بوده است.

۴۱ـ علت اینکه ساواک جمعیت ۵۰۰ هزار نفری عید فطر را ۵۰ هزار نفر قلمداد کرده است، بخاطر وحدت به‌جناح های رژیم است.

۴۲ـ مصاحبه‌آیت‌الله‌شریعتمداری دایربراینکه‌تظاهرات ۱۶ شهریور از طرف مذهبی‌ها نبوده وهمچنین مصاحبه دکتر امینی‌که اگر رژیم سرنگون شود من و همه رهبران ملی را، کمونیستها خواهند کشت و همچنین نامه آقای‌آیت الله سید رضا بروجردی به‌آیت الله شریعتمداری، زمینه لازم را برای ساواک و رژیم، آنچنان فراهم کرد تا به‌شیوه همیشگی‌اش قیام ۱۷ شهریور را به‌کمونیستها نسبت داده و امام خمینی را منزوی کنند. که این شیوه هنوز هم ادامه دارد و اصولا" ۱۷ شهریور در خط مشی هیچکـدام از گروههای کمونیستی نمی‌گنجید. مگر اینکه افراد کمونیست بطورفردی‌دراین قیام شرکت کرده باشند. هویت شهدای ۱۷ شهریور هم، چنین ادعائی را اثبات نمی‌کند.

۴۳ـ شیوه ساواک و رژیم در این است که آزادیها را " اعطائی و منتی" نامیده، ولی همانطورکه گفتیم این رشد حرکت‌خلق بودکه‌تضادهای درون رژیم راتشدید نموده وبخیال خودشان برای‌جلوگیری ازانفجارانقلاب مجبور به‌عقب‌نشینی شدند. ضمنا" نشان می‌دهد که جناح فاشیست‌ساواک با این آزادیها موافق نبوده است.

۴۴ـ در زمانی‌که با مخالفین علنی با مماشات رفتار می‌شـد به شدیدترین وجهی با جنبش مسلحانه مقابله می‌نمودند. واعلام می‌کردندکه درفلان درگیری چند نفرکشته شدند، ولی درماهیت امرآنها رابه‌شکنجه‌گاه آورده و شکنجه می‌نمودند. دیگر اینکه ساواک شرایط ایران را برای انقلاب مستعد تشخیص داده است. و بهمین دلیل می‌خواستند جریانات بی خطر رهبری مبارزات را بدست گیرند و جالب اینکه عده‌ای از مبارزین بودند که شرایط ذهنی و عینی را برای انقلاب آماده نمی‌دیدند.

۴۵ـ اولا" عناصر مارکسیت در سازمان وارد نشده بودند و سال تأسیس، سال ۴۴ بوده است. و در بدو تأسیس هم ۵۰ نفر نبودند بلکه سه نفر بودند که تدریجا" زیاد شدند. و کسانی که در دوبی دستگیر شدند ۶ نفر بودند، نه سه نفر.

۴۶ـ کادرهای سازمان علم و تجربه را در قالب فلسفه توحیدی بررسی می‌کردند و بهمین دلیل خط مشی سازمان با هیچیک از گروههای مارکسیتی یکسان نبود. با حزب توده که کلا" تفاوت داشت، مائوئیستهاکه می‌خواستند شهرها را از طریق روستا محاصره کنند. فدائیها که مبارزه در شهر را یک تقدم تاکتیکی دانسته و بعدها عمل مسلحانه را بعنوان "تاکتیک محور" پذیرفتند. تنها مجاهدین بودندکه‌شهر را یک‌مرحلهٔ‌کامل‌استراتژیک دانسته و به "قیام شهری" معتقد بودند. و اگر مارکسیسم بعنوان راهنمای عمل مبارزه ازطرف باینان سازمان پذیرفته شده بود می‌بایستی درخط مشی، با یکی از این گروههای مارکسیتی یکسان می‌شدند. که چنین چیزی نبود. البته عده‌ای بودند که مارکسیسم را راهنمای عمل قرار داده و بدون توجه به‌عمق تعلیمات سازمان دچار جریانات انحرافی شدند. مارک " مارکسیسم اسلامی" و "ایدئولوژی التقاطی" بعد از سال ۵۱ توسط ساواک شروع شد و بعدا" بوسیله دکتر عنایت اله رضا تقویت و عده‌ای از مبارزین هم آگاهانه یا ناآگاهانه آنراتبلیغ می‌کردند. البته بعد ازفقدان رهبران وعدم‌مرزبندی در ایدئولوژی و جو عمل زدگی و چپ زدگی، در آموزشها تغییراتی بوجود آمد که ربطی به‌اصول سازمان نداشت.

۴۷ـ جریان انحرافی چپ نما را همان سازمان مجاهدین دانسته وحال اینکه راه‌سازمان توسط شهید اکبری‌آهنگر، شهیدواقفی وشهیدصدیه و شهید فرهاد صفا و . . . ادامه یافت.

۴۸ـ این انفجار مربوط‌به‌گروه توحیدی صف بود و ضمنا" شهید اندرزگو تمام گروههای با خط مشی مسلحانه را از نظر اسلحه تغذیه‌می‌کرد.

و پس از جریان انحرافی چپ نما، رابطه خود را با آنها قطع نمود.

۴۹ـ ساواک جمعبندیهای حزب توده را طوری مطرح کرده تا به هدف‌های استراتژیک خاص خود برسد و جناح‌های رژیم را قانع سازد که حرکت‌ها و قیام‌های مذهبی و ضد شاهنشاهی به‌تحریک حزب توده انجام می‌گیرد. حزب توده در فعالیتهای خود در تبریز و کردستان در سال ۳۸ و هم چنین کمیته اصفهان در سال ۳۹ و کمیته انقلابی در سال ۴۲ وتشکیلات تهران در سال ۴۳ ببعد از دالان مذهب عبور ننمود ولی فعالیتی هم علیه مذهب نداشت و در دولت شریف امامی هم در طی بیانیهٔ ۹ ماده‌ای خود قانون اساسی را پذیرفت.

۵۰ـ در فقه شیعه شرکت شیعیان در رژیم گناه محسوب می‌شود مگر اینکه ستون پنجم یکی از مراجع باشند و حقوقی که می‌گیرد نزد مرجع برده واطلاعاتش را هم به‌مرجع بدهد. تاریخ مبارزات مذهب با سلطنت بهترین گواه برغلط بودن تحلیل ساواک است. البته روحانیت سازشگار درتمام مقاطع وجود داشته و یکی از شیوه‌های ساواک همین بود که شاه را سایه خدا جلوه داده و رابطه او را با امام زمان و حضرت عباس برای توده‌ها تبلیغ نمایند.

۵۱ـ اصلاحات رضا شاهی در کادر هدفهای امپریالیسم انگلیس و قرار داد ۱۹۱۹ بود و روحانیت مبارز به‌رهبری مدرس ماهیت رضا شاه را افشاگری نمود و فریب تبلیغات را نخورد.

۵۲ـ روحانیت مبارز به‌رهبری آیت الله خمینی با اصلاحات ارضی هیچگونه مخالفتی ننمودند. مخالفت ایشان با استبداد بود و تحولاتی که در جهت وابستگی به‌امپریالیسم انجام می‌شد.

۵۳ـ علت تبعید ایشان به‌ترکیه و سپس عراق، مخالفت با قانون "کاپیتولاسیون" بود.

۵۴ـ امام مجاهدین را رسما" تأییدننمودند. ولی نمایندگان ایشان در ایران به‌انواع مختلف جریان مجاهدین را تأیید می‌کردند.

۵۵ـ دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی فعالیت عمده‌اشان درجامعه سوسیالیستها (نیروی سوم) به‌رهبری خلیل ملکی ومواضعشان پس ازسالهای ۴۰ به‌مواضع نهضت آزادی نزدیک بوده است. علیرغم گفته ساواک، ایشان کمونیست نبوده و تفسیرهایی راجع به‌قرآن دارند.

۵۶ـ در یکی از مدارکی که از قیام بهمن ماه از شهر ساواک بدست آمد، واخیرا" توسط دانشجویان مسلمان منتشرشده، بیازجوئی آقای مهندس بازرگان اشاره کرده‌که به‌شرح زیر آورده می‌شود: "در جمعیت دفاع‌ازآزادی و حقوق بشر افراد زیر حضور دارند: اسلام کاظمیه از کانون نویسندگان، نزیه و کریم لاهیجی از کانون وکلا، ابوالفضل زنجانی از روحانیون، کریم سنجابی ازجبههٔ ملی و حزب ایران، من (بازرگان) و سحابی از نهضت‌ـ آزادی، مقدم مراغه‌ای و رحیم عابدی از نهضت رادیکالها، علی‌اصغرحاج سید جوادی از گروه نهضت و جامعه سوسیالیستها، منوچهر هزار خانی از سوسیالیستها، میناچی از گردانندگان حسینه ارشادو طرفدارعلی شریعتی، دکتر سامی کرمانی و دکتر پیمان از جامعه اسلامی پزشکان (البته بقول خود ایشان، بیش از یکبار در جلسات آن شرکت نکرد. وبادیدن ترکیب خضرات ازآن اجتناب جسته‌اند) و هم‌چنین فردی ازکانون اسلامی مهندسین.

۵۷ـ طرفداران دکتر بقائی بعد از انقلاب بدرون حزب جمهوری وارد شده‌اند، از جمله دکتر آیت که معاون دکتر بقائی بود.

۵۸ـ یکی از شیوه‌های تبلیغاتی ساواک و رژیم و در رأس همه شاه، این بود که ضمن وابستگی شدید به‌کمپانیهای نفتی، حرکتهای مردم را به، کمپانیهای نفت‌منتسب نموده وخود را مخالف‌کمپانیهای نفتی نشان می‌دهد.

۵۹ـ ساواک درتحلیل خود برروی اختلافات طبقاتی دست گذاشت، و آنرا علت عصیان می‌شمارد و چاره آنرا تعدیل ثروت و رشد طبقه متوسط (خرده بورژوازی راست و زیر طبقه کمپرادور) می‌داند و این همان خط رفرمیستی است که در این مرحله برای جلوگیری از انقلاب تجویز می‌نماید.

و ازهمین جاستکه بایدگفت رفرمیستها دشمن‌شماره‌ٔ ۱ انقلاب وضدانقلاب درونی و دلادلی هستند و از ضد انقلاب آشکار و بیرونی خطرناکترند. رفرمیسم، خط بنی احمد ــ علی امینی ــ مراغه‌ای ــ آیت الله شریعتمداری ــ جبههٔ ملی ــ مهندس بازرگان و حزب توده و ... بوده است. ضمنا" ساواک در تحلیلهایش به‌دیکتاتوری اشاره‌ای نمی‌نماید وبه‌غلط می‌گوید مردم آزاد بوده‌اند و انگیزه آزادیخواهی ندارند.

۶۰ــ اختلاف‌طبقاتی ناشی از شیوه تولیدی کمپرادوری با استفاده از تکنیکهای پیچیده و بالا بردن میزان استثمار می‌باشد و این شیوه ذاتی رژیم سلطنتی وابسته بوده و بجز نفی خود راهی برای مبارزه با آن‌نداشت و ساواک می‌خواهد در قالب رژیم کمپرادوری اصلاحاتی انجام بگیرد.

۶۱ــ حرکتهای رفرمیستی و رفاهی که بعد از قیام ۱۷ شهریور در ادارات بوجود آمد و بخاطر انحراف حرکت قهرآمیز توده‌ها و جمع بندی مسلحانه مردم بود، مربوط به‌این‌طبقه می‌شد. خط مشی ۲۵ ساله رژیم‌کودتا دراین بوده‌که این طبقه گسترش یافته وبطور طبیعی جلوی انقلاب رابگیرد. این طبقه منافع خود را در رشته کمپرادور و وابستگی می‌دید. پرویز ثابتی که از مغزهای ساواک بشمار می‌رفت در سال ۵۴ بیکی از برادران مجاهد در سلول اوین گفته بود: "در ایران ۴۰۰ هزار نفر پیکان سوار وجود دارد و طبقه مرفه بسیار عظیم است و شما با حرکتهای مسلحانه چطور قادریدجلوی این طبقه بایستید؟" حال که خط مشی ساواک و رژیم کودتای وابسته به‌غرب مشخص شد که چه بوده، به‌احزاب و سازمانها و گروهها هشدار می‌دهیم که تکیه‌به‌خواستهای رفاهی این طبقه‌همان‌خط ساواک‌است‌و درآینده‌خطرناکترین ضد انقلابها می‌باشد. و متذکر می‌شویم که خون شهدای مجاهد نباید با قبول شیوه حکومتی مردم برمردم پایمال شود. چرا که این شیوه که همان دموکراسی غربی یا دیکتاتوری بورژوایی است، در شرایط فعلی لیبرال‌ها و خرده بورژوازی راست را برسرنوشت ملت مستضعف حاکم خواهد نمود.

با شیوه دموکراسی غربی و آزادی احزاب و دستجات لیبـرال و سازشکار، خون شهدا پایمال می‌گردد. سرمایه‌داری لیبرال درتبریزواصفهان نشان دادکه با خلق سرآشتی ندارد وبرای آنها جایی در دموکراسی‌انقلابی اسلامی وجود ندارد.

۶۲ـ یکی از رزمندگان هوشیار می‌گفت: "شیوه رژیم در بی‌حساب پول‌دادن به‌فارغ التحصیلان وحقوق‌های‌گزاف مهندسین وکارمندان، همانا خفه‌کردن صدای آنها بود، رژیم پول زیاد می‌داد تا روشنفکران‌آگاهی‌خود را بروز نداده وعکس العملی دربرابر رژیم نشان ندهند". بعداز۱۵خرداد حقوق رسمی یک‌کارگر روزی ۸۰ ریال و حقوق یک مهندس ماهیانه ۳،۰۰۰ ریال بودکه درهیچ‌کجای دنیا بین حقوق یک‌کارگر و مهندس اینقدراختلاف نبود و این همان حق حساب حرف نزدن آنها بود. نکته دیگر اینکه جوهر انقلاب اسلامی را علیرغم تحلیل ساواک نمی‌توان به‌این قشر رفاه طلب منتسب کرد.

۶۳ـ اشتباه جبری ساواک در این است که انقلاب سفید را ملاک تحلیل‌های خود قرار داده و هیچگاه در نفس‌آن شک نمی‌کند و ضربه راهم از همینجا خوردند. دیگر اینکه ساواک بطور تجربی این امر را دریافته بود که‌انگیزه‌اکثر مبارزین بعداز ۱۵ خرداد انگیزه ایدئولوژیک‌وبرای‌تحقق‌آرمانها بوده وبرای سرکوب سیستماتیک این جریان، رژیم‌شاه باید به‌منطق‌جاذبی مسلح شود. این‌است‌که‌سعی‌کردند بکمک‌روشنفکران‌خودفروخته (اندیشمندان) ومائوئیستهای سه جهانی بریده، دیالکتیک رستاخیز را که پایگاه آن، رژیم شاهنشاهی بود مدون‌کنند. وتوانستند دربدو امر عده‌ای را جذب نمایند. عده‌ای از زندانیان بجای نوشتن‌نامه عفو، تقاضای‌عضویت درحزب‌رستاخیز می‌کردندکه شکل علنی ساواک بود. و دیدیم که دیالکتیک رستاخیـر هم نتوانست جلوی مبارزه مکتبی مردم را سد کند. ساواک در تحلیل خود نارسائی حزب رستاخیز را نشان داده و انحلال آنرا ترجیح می‌دهد. حال

باید قضاوت‌کرد وقتی‌که رژیم به‌چنین امری می‌رسد ، کسانی‌که شعار انحلال حزب رستاخیز می‌دادند و آنرا عملی انقلابی وانمود می‌کردند چه ماهیتی داشتند .

۶۴ـ نتیجه‌ای‌که‌ازاین پاراگراف می‌گیریم این است‌که‌این بوروکراسی که بنظر ساواک وحشتناک می‌آمده ، حتی بعد از قیام بهمن ماه نیز دست نخورده باقی ماند . و دولت موقت هم تغییر چندانی در آن نداد . باید هوشیار باشیم که صنایع وابسته‌ای که ملی می‌شوند بدست این بوروکراسی سپرده نشوند . (از چاه در آمده به‌چاله بیافتیم) .

۶۵ـ مهاجرت از روستا به‌شهر در جهت منافع صنایع وابسته بود که می‌توانستند همیشه‌کارگر ارزان دراختیار داشته‌باشند ولی‌این مهاجرت‌ها موجب ناامنی‌ها وحرکت‌هایی درسطح شهر می‌شدکه برای‌ساواک ناخوشآیند بود . (تضاد کمپرادور و ساواک در این مورد خاص) .

۶۶ـ تحیل ساواک از حرکتها ، در حد "عصیان" خلاصه می‌شود و بحرکت‌های مکتبی و آرمانی و هدف‌دار گروهها و سازمانها و جریانهای فکری بعد از ۱۵ خرداد اصلا" توجهی نداشته و نمی‌تواند داشته باشد .

۶۷ـ ساواک مهره‌های‌آمریکائی را فراموش کرده ، چون ازموضع آنها صحبت می‌کند .

۶۸ـ در هیچ دورانی از تاریخ ایران بیش از این ۱۷ سال ، ایران به‌امپریالیسم وابسته نشده بود .

۶۹ـ ساواک از وحدت دادن عناصر رژیم صحبت می‌کند و حال اینکه حرکت خلق موجب اینهمه تضاد در درون رژیم شده بود .

۷۰ـ تحول اساسی ، بنیادی وهمه‌گیری‌که درتحلیل ساواک‌پیشنهاد شده ، همان پنج اصل رفرمیسم است‌که توسط جناح لیبرال و رفرمیسم مذهبی برهبری آیت الله شریعتمداری بصورت مدون مطرح شد که‌عبارت بودنداز: اجرای‌کامل قانون اساسی ، آزادی زندانیان‌سیاسی ، انحلال حزب‌رستاخیز،

انحلال ساواک یا تبدیل آن از حالت عملیاتی به‌شکل اطلاعاتی ،وبازگشت آیت الله خمینی .

۷۱ــ انحلال حزب رستاخیز خواست ساواک می‌بوده است و ضمنا" شیوه پلیس سیاسی را نشان می‌دهد که بدون یک حزب سیاسی ایدئولوژیک نمی‌تواند ثبات را درمملکت برقرار کند و ساواک خواستار تشکیلات فراگیری بوده است که بتواند این کار را بکند .

۷۲ــ شیوه پلیس سیاسی در "مغزکشی" و "مغز کُشی" است . تا آنجا که بتواند مغزها را بخود جذب می‌کند (البته در کادر خط مشی خود نظیرنیکخواه ــ جاسمی ــ هاشمی قوچانی ــ مظفری ــ لاشائی ــ دکتردامغانی و . . .) واگر نتوانست آنها را جذب کند ، سعی در کشتن آنها می‌کندنظیر شهدای اعدامی و دکتر شریعتی .

۷۳ــ این همان شیوه معروف پلیس سیاسی یعنی "تفرقه بیانداز و حکومت کن" و یا بعبارت دیگر "انزوا ــ سرکوب" می‌باشد . تا با دادن امتیازاتی چشمگیر ، یک بخش سازشکار از نیروهای مردمی را بخود جذب و نیروهای قهرآمیز را منزوی و سرکوب کند .

۷۴ــ سپردن رهبری مخالفین دولت بدست روحانیت معتدل با ظاهری انقلابی می‌توانسته است این نیت ساواک را برآورده کند .

۷۵ــ نشان می‌دهد که ساواک تا چه اندازه از وحدت دانشجویان و استادان و کلا" از تشکل مردم وحشت داشته است .

۷۶ــ این همان خط رفرمیستی و شیوه تثبیت قانون اساسی دربرابر حرکت قهرآمیز مردم بعداز ۱۷ شهریوربود . این مطلب درکتاب "توطئه‌ها علیه انقلاب" مشروحا" ذکر شده است .

۷۷ــ شیوه ساواک در این است که همیشه یک کار فرعی و مشغول کننده پیش می‌کشد تا مردم را از کار اصلی باز دارد .

۷۸ــ ساواک به‌این وابستگی‌هایی که برای توده‌ها محسوس بوده

نظیرگندم ، آرد ومواد غذایی حساسیت نشان‌داده وصحبتی از وابستگی‌های سیاسی ، نظامی ، صنعتی ، تجاری ، مالی ، فرهنگی و نفتی و . . . که اساس خشم مردم است بمیان نمی‌آورد . هم‌چنین ساواک می‌خواسته است‌که‌با شعار " اقتصاد خودکفا " و توسعه کشاورزی بطور ظاهری هم که شده بورژوازی‌ملی را از حرکت سیاسی جدا بنماید .

۷۹ـ مسئله تورم و بحران اقتصادی ، ذاتی رژیم وابسته بود و به هیچ وجه نمی‌توانستند آنرا حل کنند .

۸۰ـ یکی از مشکلات انقلاب و رود جریان "خمینی نمائی "بدرون انقلاب بود . روحانیونی‌که درسالهای بعد از ۱۵ خرداد مبارزه را کلا "کنار گذاشته و یا حرکت‌های رفرمیستی انجام می‌داد وارد انقلاب شده و دم از انقلاب و رهبری مردم زدند که بخشی از توطئه‌های آنها درکتاب "توطئه‌ها علیه انقلاب " گفته شده‌است . باید توجه کردکه دشمن چقدرهوشیار وبیدار بوده است . شیوه ساواک در این بوده است که به تضاد بین مراجع و امام خمینی تکیه‌کند ومراجع مخالف خط مشی نفی‌سلطنت امام رابه‌طریق‌مختلف تقویت بنماید . ساواک در سال ۵۳ به‌بعضی از صنایع کمپرادور نظیر خسرو شاهی‌ها تکلیف کرده بود که بخشی از مالیات خود را بصورت خمس بدفتر آیت‌الله‌شریعتمداری تحویل‌دهندوتدریجا " آقا رابه‌شیوه‌تولیدی‌کمپرادوری وابسته نماید و هم‌چنین سرمایه داران هم بخشی از سهام چند کارخانه را دراختیارآیت الله قراردادند . و از آنجاکه خط امریکا براین اساس بود که ازطریق ایران درآفریقا نفوذکند ، مبلغین آقا برای تبلیغ اسلام به‌آفریقا می‌رفتند . آیا درشرایطی‌که بهترین فرزندان خلق زیر شکنجه‌های رژیم قرار داشتند باید اسلام را درآفریقا تبلیغ کرد یا علیه وضع موجود مبارزه‌کرد؟

بعد ازسال ۴۳ که آیت‌الله خمینی با کاپیتولاسیون‌که مقدمهٔ نفوذ بیشتر سیاسی آمریکا بود به‌مخالفت برخاستند و تبعید شدند ، آیت الله‌ـ شریعتمداری ایشان را تنهاگذاشته وهیچ مخالفتی باکاپیتولاسیون‌ننمودند .

و خط مشی‌ها بطور آشکار از هم جدا شد. از آن ببعد طلاب طرفدار امام را برای سربازی به‌پادگانها می‌فرستادند و یکبار آقای شریعتمداری گفته‌بودند که "خمینی در نجف اعلامیه می‌نویسد و دردسرهایش به‌گردن ما می‌افتد". وقتی در سال ۵۰ خانواده‌های زندانیان مجاهد به‌نزد آقا رفته و در منزل ایشان تحصن کردند، ساواک یکی از خواهران مجاهد را بازداشت نموده و به‌او گفته بود که "کار شما موجب شد که آبروی آقا برود" وقتی امام گفته بودند که " تا شاه نرود به‌ایران نمی‌آیم " آیت الله تقاضای بازگشت امام خمینی به‌ایران را می‌کنند تا امام منزوی شده و موضع رژیم تقویت گشته و انگیزه طرفداران امام از بین برود. وقتی امام فتوی دادند که سربازان و افسران باید ارتش طاغوتی را رها کرده و فرار کنند، آیت الله‌شریعتمداری گفتند: "سربازان نباید به‌مردم تیراندازی کنند". در فتوای امام ارتش نفی می‌شد و در این فتوی ماهیت ارتش تثبیت می‌گشت. در قبال حکومت خدا برمردم (قرآن برمردم) امام خمینی، آیت الله شریعتمداری حکومت مردم برمردم و یا دموکراسی غربی را مطرح می‌کردند و پرواضح است که با این شیوه حکومتی جناح‌های طاغوتی حاکم می‌شدند زیرا که پایگاههای امپریالیسم که عبارت بودند از سلطنت، دربار، گارد شاهنشاهی و ارتش، حزب مخفی ساواک وعناصر رستاخیزی وطرز تفکر آن، هم‌چنین بوروکراسی دولتی و صنایع و بانکها و تجارت وابسته و قرارداد طاغوتی نفت، خانها، فئودالها و هم‌چنین خرده بورژوازی راست (زیر طبقه کمپرادور) برسرجای خود باقی بود واتحاد جناح‌های فوق‌الذکر با لیبرالیسم سازشکار و رفرمیسم مذهبی و خمینی‌نما، حاکمیت را دو مرتبه بدست می‌گرفتند.

شعار ملی "خدا، قرآن، خمینی" که ولایت امام‌خمینی را درکادر توحید و نبوت مطرح می‌کند موجب می‌شود که جلوی اتحاد فوق‌الذکرگرفته شود، و نهضتی است در برابر نظام و با دموکراسی غربی عمیقا" در تضاد است. طرفداران‌حکومت‌مردم‌برمردم‌آگاهانه ویا ناآگاهانه‌درخط امپریالیسم

کار می‌کردند واگر نقطه نظرهای خود را عوض نکند از این ببعد جنبهٔ خصلتی و یا توطئه خواهد گرفت.

مخالفت با ماده ۱۱۰ قانون اساسی مبنی براختیارات امام خمینی ما را بیاد تاریخ نهضت ملی ایران می‌اندازد که دکتر مصدق برای بار دوم ازمجلس تقاضای اختیارات تام نمود واین اختیارات برای این بودکه‌بتواند دربرابر توطئه‌های‌کمپانیهای نفتی انگلیس وآمریکا بایستد و هم‌چنین‌ارتش سلطنتی انگلیسی را تصفیه نموده ودربار را تضعیف نماید وقانون ۲۰%علیه فئودالیزم را بمرحلهٔ اجرا گذارد و مجلس سنای سلطنتی فئودالی‌انگلیسی رامنحل نماید وهم‌چنین‌مجلس توطئه‌گر شورای‌ملی رامنحل‌کند. اختیارات اوبرای سرکوب خلق ودیکتاتوری و فاشیسم نبود و زندگی او هم‌چنین‌چیزی را نشان نداده بود. مخالفین این اختیارات طرفدار قانون اساسی و رژیم سلطنتی وطرفدار دموکراسی‌غربی بودند و مصدق را به‌فاشیسم ودیکتاتوری متهم می‌نمودند. انگلیس و آمریکا و ارتجاع از طرق گوناگون این‌اختلافات را دامن زده و رهبر مخالفین را بطور مرئی و غیرمرئی تقویت می‌نمودند. میر اشرافی‌ها شمس قنات آبادی‌ها، بقائی‌ها، مکی‌ها، حائری زاده‌ها، مصطفی کاشانی‌ها، بهبهانی‌ها و کلیه عناصر کودتاچی و توطئه‌گرخود رادر پناه رهبرمخالفین (آیت‌الله کاشانی) مخفی نمودند. حالا هم تاریخ‌تکرار می‌شود اما در مداری پیچیده‌تر. وقتی علم مخالفت علیه امام و اختیارات او بلند می‌شود، ساواک به‌تمام جناح‌های طرفدار خود دستور می‌دهد که مراجع مخالف خط‌امام را باید تقویت کرد. و هم‌چنین ساواک معتقد است که مخالفین امام را باید متشکل کرد و آنها را از پراکندگی نجات داد.

باید حادثه قم و تبریز و اصفهان را در این رابطه بررسی نمود. ساده اندیشانی که از موضع کارگری با لیبرال‌های سازشکار علیه فاشیسم و دیکتاتوری هم موضع شدند و بدام توطئه لیبرال‌ها افتادند، باید به خود آیند.

در قبال شعار "نفی نظام شاهنشاهی" امام خمینی، شعار "شاه باید سلطنت‌کند نه‌حکومت" آیت‌الله شریعتمداری مطرح شدکه‌موجب‌تثبیت نظام شاهنشاهی می‌گردید.

۸۱ـ شیوه پلیس سیاسی دراین است که هرگونه امتیازی را از موضع قدرت خویش و ضعف نیروهای خلقی و به‌شکل منت اعطا نماید، نه ازموضع قدرت و تشکل بیشتر خلق. شیوه ساواک در زندانها بدین صورت بود که برخورد جمعی از طرف زندانیان را نمی‌پذیرفت و می‌گفت‌هرکس بطورفردی خواستهای خود را مطرح نماید. منطق زندانیان سیاسی هم این بود که: "دهشاهی امتیازگرفتن به‌شکل دستجمعی وحرکت هماهنگ کل زندان، بهتر است از صد تومان امتیازگرفتن به‌شکل فردی یا گروهی و از موضع ضعف".

هم‌چنین امریکا مایل بودکه ساموزا وشاه بروند منتها ازموضع ضعف مردم و نه از موضع قدرت مردم.

۸۲ـ بعد از قیام تبریز و اصفهان و ۱۷ شهریور از آنجا که جنبش توده‌ای شده بود، شکنجه رژیم هم توده‌ای شده بود. بدین معنی که در هرکلانتری و در هرمقر حکومت نظامی و پادگانها رزمندگان فوج فوج شکنجه می‌شدند. هم‌چنین افرادساواک در روزهای قیام درکوچه پس کوچه‌ها حرکت کرده و هرفردی که لباسش خونی بود ترور می‌کردند.

امتیاز مهمی که ساواک از زندانیان سیاسی می‌خواست هماناتأیید علنی یا تلویحی و یا عدم مخالفت با خط دموکراسی فاشیستی بود.

۸۳ـ ساواک در تحلیل نهایی خودش به‌این نتیجه رسیده بود که افراد سالم و صالح و نذرد و غیر دروغگو که بینش ضد امپریالیستی نداشته باشند می‌توانند مردم را بخود جذب نمایند و ضمناً "منافع امپریالیسم نیز به‌بهترین وجهی تأمین شده و ضمانت ملی مذهبی پیدا کند.

واژه‌های‌متشابهی نظیرفداکاری، ازخودگذشتگی، صداقت، شجاعت، فضیلت، تقوی وعشق خدمت بمردم ومیهن درکادرخدمت‌به‌نظام شاهنشاهی

معنی می‌دهد.

از نظر ساواک، طبعا" هرکسی که بیشتر شکنجه می‌داد و ضدخلقی بود «فضیلتش بیشتر و نیات ملوکانه» را بهتر می‌توانست درک کند.

الذین کذبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون

* * *

باید توجه داشت‌که‌سازماندهی ساواک ظاهرا" متلاشی شده ولی شیوه‌های ساواک و عناصر ساواکی هنوز زنده و فعال هستند. بعنوان مثال: ازیکی ازافراد شورای انقلاب، قبل از انقلاب، نظرش را راجع به‌کمونیستها پرسیده بودندگفته بود: "طرفداران چین که طرفداران شوروی رامی‌کوبند، طرفداران شوروی که طرفداران چین را می‌کوبند و هردو اینها فدائیها را می‌کوبند وفدائیها هم هردواینها را وما هم بیکارنمی‌نشینیم". درصورتیکه شیوه حق و شیوه اسلامی براساس "تفرقه بیانداز و حکومت کن" یعنی شیوه ساواک، نمی‌باشد. بلکه همیشه باید شعار برتر، اصیل و فراگیر ارائه دهیم تا همهٔ نیروها حول آن گرد آمده و تضادهای خود را به‌شکل صحیح‌درحول آن حل کنند. نظیر شعار اصیل "مرگ برشاه" که حتی مائوئیستها وطرفدار چین و حزب توده و طرفداران شوروی تضادهای آنتاگونیستی خود را حول این شعار تعالی بخش حل کردند و همهٔ آنها در راه‌پیمائی‌ها علیه‌سلطنت شرکت می‌کردند.

... تعالوا الی کلمه سواء ... (برتر آئیم بسوی وحدت کلمه تعالی بخش اصولی و هدفدار) (پاورقی: رجوع شود به‌کتاب مکتب‌راهنمای عمل مادهٔ ۶ و شرح آن).

رئوس کلی خط مشی ساواک در گذشته عبارت بود از:

۱ــ مبارزه با مخالفین نظام شاهنشاهی و تقویت نظام کمپرادوری

و عمده سرمایه داری وابسته نفتی .

۲ــ مبارزه با خط مشی مبارزهٔ مسلحانه مکتبی خلقی دراز مدت ، علیه‌سلطنت ، امپریالیسم وصهیونیسم درایران ومنطقه (خط مشی مجاهدین و احمد زاده) .

۳ــ مبارزه باکمونیستها (البته آنهایی‌که خط مشی براندازداشتند) و تقویت کمونیستهای غیر برانداز .

۴ــ تقویت خط مشی‌های رفرمیستی چه نوع مارکسیستی آن وچه نوع مذهبی آن .

۵ــ تقویت "نظیریه سه جهان" که شوروی را دشمن اصلی می‌داند. و ازطرف دیگرتقویت افکار رویزیونیستی‌که مبارزه مسلحانه مکتبی درازمدت خلقی علیه امپریالیسم را به‌شکل تئوریک خنثی نماید .

با توجه به‌اینکه هنوز چنین خطوطی در ایران وجود دارد و حتی بعضی ازآنها هم تقویت شده ، امکان تشکل و سازماندهی مجدد ساواک با نامی دیگر ملموس و قریب الوقوع خواهد بود .

هم‌چنین با حاکم شدن جریان بنی‌صدر با تفکر سه جهان‌به‌ریاست جمهوری و خوشحالی محافل آمریکائی که گفته‌اند : "بنی صدر دشمن اصلی ایران را شناخته‌است" انتظار آزادی افرادی چون‌امیرانتظام نزدیک‌خواهد بود . چرا که با این ملاک امیرانتظام گناهی مرتکب نشده است .

ما پیشنهاد می‌کنیم که‌آقای دکتر بنی صدر به‌خط امام برگردند .
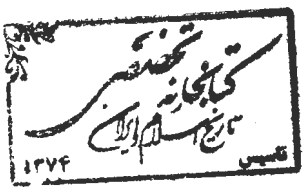
۱۳۵۸/۱۱/۹